کتاب هفته

www.ketabehafteh.com
ISSN:1029-3345
شنبه ۱ آذر ۱۳۸۲
۲۷ رمضان ۱۴۲۴
۲۲ نوامبر ۲۰۰۳
شماره ۱۵۰ ، پیاپی ۵۳۷
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان

فرهنگ، تاریخ و کتابی در راه

گفت‌وگو با دکتر پرویز ورجاوند

دکتر پرویز ورجاوند به سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد و در رشته‌های نقشه‌برداری باستانشناسی و فوق‌لیسانس علوم اجتماعی تحصیل کرد. سپس در فرانسه مدرسه عالی لوور و دوره انستیتوی انسانشناسی را گذراند و دکترایش را در زمینه «معماری هخامنشی و ارزش‌های ویژه آن در مقایسه با معماری یونان و مصر» از دانشگاه سوربن گرفت.

سپس مدرسه عالی تتبعات فرانسه را گذراند: «Prutique Ecole des houter e'tude» دکتر ورجاوند تاکنون حدود بیست عنوان کتاب اعم از تألیف و ترجمه چاپ و منتشر کرده است. او مدتی مسؤولیت بخش پژوهش‌های مردمشناسی و ایلات و عشایر مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران را بر عهده داشت. به مقام استادی تمام وقت دانشگاه تهران رسید، بعد از انقلاب در دولت موقت مسؤولیت وزارت فرهنگ و هنر را داشت. او تا به امروز همچنان در کار پژوهش و نوشتن کتاب و مقاله‌های گوناگون در زمینه‌های علمی و مسائل سیاسی حضوری فعال دارد.

۱۰

استاد
بهاءالدین خرمشاهی

٤

گزارش نکوداشت

تغییر نام گذاری روزهای هفته کتاب

۲

گفت‌وگو با حسین شریعتمداری

به انگیزه انتشار کتاب «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟»

پیش‌بینی‌های ما به وقوع پیوسته است

◆ برای نوشتن برخی از یادداشت‌ها مجبور بودم بسیاری از اسناد و مقاوله‌نامه‌ها و قراردادها را ببینم

۲۰

زیبایی‌شناسی خودویرانگری

بی‌تا ملکوتی

۹

یادها خاطره‌ها

پانته‌آ بهرام

١٤

جایزه برای نگاه ویژه

راشین خبیره

۸

www.mensox.com

شیوه های نوشتن برای کودکان

کتاب‌هایی که برای کودکان هستند معمولاً کوتاهند، کودکان اغلب خودشان هم کوتاهند و این تصور به وجود می‌آید که بچه‌ها مغزهای کوچکی دارند و نوشتن برای آنها آسان است. اما حقیقت عکس این است. بچه‌ها مغزهای بزرگ و فعالی دارند و نوشتن برای آنها خیلی سخت است ...

۶

رئوس یک پژوهش فرهنگی

وضعیت کتابخانه های عمومی کشور

۸

ویراستار یار شاطر است نه بار خاطر

اهمیت ویرایش در گفت‌وگو با بوذر دیلمی معزی

۱۹

یک کمیک استریپ و ۶ کتاب تازه

گفت‌وگو با منوچهر اکبرلو مدرس تئاتر

۱۵

جعبه‌ها و کتاب‌ها

مشیرسلیمی

علی‌اکبر سلیمی تهرانی معروف به مشیر سلیمی و متخلص به سلیمی در اسفندماه سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران چشم به جهان گشوده است...

۲۳

صادق هدایت نسخه پیش از چاپ

۱۳

منتشر شد

انتشارات علمی و فرهنگی

تاریخ اقتصاد دولت ساسانی

تألیف: فرانتس آلتهام و روت استیل
مترجم: هوشنگ صادقی
قیمت: ۳۶۰۰۰ ریال

کتابی که قراردادی خوانده است یکی از تحقیقات با ارزش و گرانسنگ فرانتس آلتهایم مورخ و متفکر بزرگ آلمانی، در تاریخ و اقتصاد دولت ساسانی است. این اثر بعد از انتشار همواره توسعه و تعمیق یافته و در عین حال از نقد و تاریخ نیز بر کنار نمانده است. موضوع اصلی این کتاب تاریخ ۱۵۰ سال آخر ساسانی است که در بر گیرنده رویدادهایی مهم همچون مزدکیان، اصلاحات مالیاتی خسرو انوشیروان، شورش بهرام چوبینه و سیاست فرهانی خسرو پرویز است.

مرکز فروش: انتشارات علمی و فرهنگی، خیابان دانشگاه، کنار کتابخانه ملی، تلفن: ۶۶۴۹۶۰۰ - ۶۶۴۹۶۰۱ - ۶۶۴۹۶۰۲
سرکار فروش: نمایشگاه دائمی کتاب کسار، خیابان انقلاب، چهارراه جهان کودک، کوچه کمال، شماره ۴۰، تلفن: ۶۶۴۰۰۵۵
کلیه کتاب فروشی های معتبر سراسر کشور

کتاب آسمانی

طولانی‌ترین قرآن جهان در نمایشگاه قرآن نگاشته می‌شود

بخش‌هایی از طولانی‌ترین قرآن جهان در کنار کوچکترین قرآن جهان در غرفه بنیاد قرآن و حدیث سپاه پاسداران نمایشگاه قرآن به نمایش درآمده است.

نگارش این قرآن بزرگ و طولانی در اندازه نزدیک به یک کیلومتر توسط «علیرضا اسکندری» هنرمند خوشنویس صورت می‌گیرد.

این قرآن اولین و تنها قرآن جهان به خط معلی است که نگارش آن از تابستان امسال آغاز شده و اگر به همین نحو ادامه یابد، تا نمایشگاه سال آینده مراحل نهایی آن انجام می‌شود. صفحاتی از این قرآن در ابعاد هر صفحه ۷/۵ در ۱۰/۵ متر در غرفه سپاه پاسداران در بخش سازمان‌ها و نهادها به نمایش گذاشته شده است. آغاز نگارش این قرآن از جزء سی‌ام قرآن است و در حال حاضر قسمت‌هایی از سوره نبأ از این قرآن در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به نمایش درآمده است.

۱۵ هزار نفر در مسابقه معارف قرآنی بخش جوان نمایشگاه قرآن شرکت کرده‌اند

تاکنون حدود ۱۵ هزار نفر در مسابقه مکتوب معارف قرآنی بخش جوان یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم شرکت کرده‌اند.

«اسدالله اسدی گرمارودی» مدیر بخش جوان نمایشگاه اظهار داشت: این مسابقه با هدف ارتقای دانش و معرفت جوانان، از طریق مطالعه کتاب‌های قرآنی، طراحی شده است.

حاجی: آموزش و پرورش در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی موفق عمل کرده است

«مرتضی حاجی» وزیر آموزش و پرورش در حاشیه بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم فعالیت‌های این وزارتخانه را در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی، موفق دانست.

وی یکی از دلایل صحت این گفته را دریافت جایزه خادم نمونه قرآن دهمین دوره تجلیل و تکریم خادمان قرآن کریم توسط هفته برنامه‌ریزی امور فرهنگی و قرآنی وزارت آموزش و پرورش عنوان کرد وی اظهار داشت: آموزش و پرورش در زمینه ترویج قرآن خصوصاً میان دانش‌آموزان فعالیت‌های زیادی داشته و کسب عنوان افتخاری خادمی قرآن کریم برای تمامی معلمان است.

وی گفت: با برپایی نمایشگاه فضای کشور متأثر از فضای هنری قرآن می‌شود. وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: در نمایشگاه می‌توان برای یافتن پاسخ به سؤالات قرآنی کار بیشتری کرد و شایسته است همه شهرستان‌ها از این فضا سود جویند.

خادمان قرآن نیازمند حمایت مسؤولان هستند

مسؤول غرفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی که در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به عنوان یکی از خادمان برگزیده در بخش نرم‌افزاری انتخاب شده، بر توجه ویژه و حمایت مسؤولان فرهنگی کشور از خادمان قرآن تأکید کرد.

«سید مهدی هاشمی» با اعلام این مطلب افزود: صرف خادم قرآن بودن نمی‌تواند انگیزه‌های لازم برای ارائه کارهای بهتر ایجاد نماید زیرا خادم قرآن می‌بایست از یک سری امتیازات برخوردار شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با ارائه نرم‌افزار «دانش‌نامه علوی» به عنوان بزرگترین دایرةالمعارف نهج‌البلاغه، برای چهارمین بار به عنوان خادمی قرآن دست یافت. دایرةالمعارف دانش‌نامه علوی حاوی مطالب بیش از ۲۰۰ جلد کتاب با موضوع نهج‌البلاغه به همراه ۲۶ ترجمه به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسوی و بیش از ۳۳ عنوان شرح و تعلیق در ۱۶۳ جلد به زبان فارسی و عربی است.

امسال برای نخستین بار نمایشگاه قرآن با مشارکت بخش خصوصی برپا شده است

عضو هیأت امنای مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی گفت: امسال برای نخستین بار نمایشگاه قرآن با مشارکت بخش خصوصی برپا شده است.

«تقدسی نژاد» افزود: مسؤولیت اصلی برپایی نمایشگاه بر عهده مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. وی اضافه کرد: همچنین سازمان ملی جوانان، پست بانک و سازمان ملی فرهنگ و ارتباطات اسلامی در برپایی نمایشگاه امسال مشارکت داشته‌اند. وی تأکید کرد: هر چه برنامه‌ریزی برای برپایی نمایشگاه دقیقتر و اصولی‌تر باشد، امکان جلب مشارکت مردمی بیشتر خواهد بود.

در جمع هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور

رئیس جمهوری برگسترش کتابخانه‌های عمومی تأکید کرد

سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری، بر گسترش کتابخانه‌های عمومی در سرتاسر ایران به منظور تحکیم بیش از پیش پایه‌های فرهنگی کشور تأکید کرد.

آقای خاتمی که در جمع هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور سخن می‌گفت، با اشاره به مشکلات دولت در تأمین منابع مالی بودجه‌های عمرانی و خدماتی کشور، ضرورت اصلاح نظام کسب درآمد و مخارج دولت به منظور ارائه مدیریت بهتر در عرصه‌های مختلف را خاطرنشان ساخت.

رئیس جمهوری با اشاره به پیگیری دولت برای تحقق اعتبار مربوط به توسعه کتاب و کتابخوانی، خواستار همکاری بیش از پیش سازمان ملی جوانان، ستاد مبارزه با مواد مخدر و هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور برای تحقق اهداف مشترک آنها شد.

همچنین در این دیدار احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به عضویت بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر در کتابخانه‌های عمومی کشور که عمدتاً از طبقه متوسط، نوجوانان و جوانان کشور هستند، مشکلات کتابخانه‌ها را به لحاظ نیروی انسانی، اعتبارات و تشکیلات، برشمرد.

به گزارش روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری ملک‌احمدی دبیر هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور نیز بر ضرورت حمایت و سرمایه‌گذاری دولت در بخش کتاب و کتابخوانی، تأکید کرد.

فارسی، زبان مهر، محبت و دوستی است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با «ویتولد شمیدوسکی» سفیر لهستان، زبان فارسی و ایرانشناسی در کشور لهستان را دارای سابقه‌ای طولانی خواند و اظهار داشت: در کشور ایران، روابط پایدار همواره مبتنی بر فرهنگ و مشترکات میان کشورهاست و این امر منجر به گسترش مناسبات در همه حوزه‌ها شده است.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احمد مسجدجامعی، زبان و ادبیات فارسی را زبان مهر، محبت و دوستی خواند و گفت: در شرایط کنونی جهان، توجه بیشتر به این نوع نگاه ضروری است.

وی با تأکید بر گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها گفت: از جمله حوزه‌هایی که می‌توان مناسبات فرهنگی میان دو کشور را گسترش داد، گفت‌وگوی میان ادیان و فرهنگ‌هاست که از سابقه بسیار طولانی در کشور ما برخوردار است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کشور لهستان را در زمینه باستان‌شناسی و میراث فرهنگی صاحب تجربه غنی خواند و بیان داشت: همکاری در حوزه باستان‌شناسی و میراث فرهنگی و برپایی هفته‌های فرهنگی در دو کشور، فعالیت فرهنگی میان دو کشور را گسترش داده و تحکیم می‌بخشد.

در این دیدار همچنین «ویتولد شمیدوسکی» سفیر لهستان، فرهنگ کشورش در طول تاریخ را متأثر از نفوذ فرهنگ ایرانی دانست و گفت: اولین ترجمه کتاب حافظ در لهستان صورت گرفت و در سال ۱۶۹۰ اثر گلستان سعدی ترجمه شد و شعرای رمانتیک لهستانی تحت نفوذ فرهنگ ایرانی قرار داشتند که نشانه‌های آن را می‌توان بخوبی در خلق آثارشان مشاهده کرد.

تغییر نام‌گذاری روزهای هفته کتاب

جدول نامگذاری روزهای یازدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ تغییر کرد.

براساس اعلام معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این روزها عبارتند از: شنبه (۱۵ آذر) روز کتاب و دانش‌آموز؛ یکشنبه (۱۶ آذر) روز کتاب، صنعت و کارگر؛ دوشنبه (۱۷ آذر) روز کتاب، امام و انقلاب اسلامی؛ سه‌شنبه (۱۸ آذر) روز کتاب و دانشجو؛ چهارشنبه (۱۹ آذر) روز کتاب، کتابدار و اطلاع‌رسانی؛ پنجشنبه (۲۰ آذر) روز کتاب، پدیدآورندگان، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی و شنبه (۲۲ آذر) روز کتاب ایران در جهان.

ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب زاگرب

جمهوری اسلامی ایران با ارائه بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب زاگرب شرکت کرد. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، کتاب‌های ارائه شده در غرفه کشورمان در این نمایشگاه در موضوعات هنری، علوم قرآنی، ایرانشناسی، تصاویری از آثار و مناظر طبیعی ایران، خطاطی، نقاشی و فرش ایران بود. گفتنی است در این نمایشگاه ۲۹۷ ناشر از کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا، فرانسه، مجارستان، بوسنی و... شرکت کردند.

آمار نشر کتاب در هفته منتهی به ۲۳ آبان

دبیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب، آمار موضوعی صدور مجوز کتاب در هفته منتهی به ۲۳ آبان را اعلام کرد. بر این اساس مجوز قبل از چاپ امضا شده ۴۲۸ عنوان است که نسبت به هفته قبل از آن ۶/۳۴ درصد کاهش داشته است.

در این مدت به غیر از کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی، به ترتیب موضوعات ادبیات (۲۲/۸۹ درصد)، دین و فلسفه (۱۲/۸۵ درصد)، دانشگاهی-پزشکی (۱۰/۷۴ درصد)، علوم اجتماعی (۷/۹۴ درصد)، تاریخ و جغرافیا (۵/۶ درصد)، روانشناسی (۲/۶۷ درصد) و علوم سیاسی (۳/۹۷ درصد) قرار داشته‌اند.

ضمناً در هفته مذکور تعداد ۳۱۷ عنوان کتاب چاپ شده (اعم از چاپ اول یا چاپ‌های بعدی) در دبیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده است که این تعداد نسبت به هفته قبل از آن ۱۵/۴۶ درصد کاهش نشان می‌دهد.

رئیس شورای شهر تهران: مخالف برپایی نمایشگاه کتاب نیستیم

هیچ کس با برپایی نمایشگاه کتاب در محل فعلی نمایشگاههای بین‌المللی تهران مخالف نیست، اما نباید برای مردم مشکل ایجاد شود.

رئیس شورای شهر تهران با اعلام این مطلب گفت: در برگزاری هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در محل فعلی نمایشگاهها، باید مسائل ترافیکی و همه مسائل حاشیه‌ای را بررسی کرد، تا مشکلی پیش نیاید.

مهندس چمران افزود: به هر طریق ممکن، این مشکل را باید حل کنیم ولی هنوز راه حل آن را نمی‌دانیم.

وی با تأکید بر حل مشکلات ترافیکی در زمان برگزاری نمایشگاههای بزرگ از جمله نمایشگاه کتاب گفت: وقتی مشکلی ایجاد شود، وقت اهالی منطقه، تردد‌کنندگان و حتی مراجعه‌کنندگان به نمایشگاه گرفته می‌شود و برای آنها ایجاد زحمت می‌کند.

عضو هیأت رئیسه شورای شهر تهران، با اشاره به امضای تفاهم‌نامه بین شهردار تهران و وزیر بازرگانی گفت: برگزاری هفدهمین نمایشگاه کتاب تهران در محل فعلی نمایشگاهها، امکان‌پذیر نیست و این کار تنها برای رفع مشکل و معضلات مردم صورت می‌گیرد.

شهرداری تهران نیز اوایل مهرماه اعلام کرد: براساس این توافقنامه برگزاری نمایشگاههای پر ازدحام، در مکان فعلی نمایشگاه ممنوع است.

دعوت از ناشران حوزه کودک و نوجوان

کتابخانه اینترنتی سایت کودکان ایران، از همه ناشران ایرانی فعال در حوزه کودکان و نوجوانان، جهت حضور در کتابخانه الکترونیکی سایت کودکان ایران دعوت کرد.

به گزارش واحد اطلاع‌رسانی سایت کودکان ایران، کتابخانه اینترنتی عرضه محصولات فرهنگی مخصوص کودکان ایرانی با ارائه هزار عنوان کتاب در موضوعات مختلف کودکان و نوجوانان، در راستای معرفی ناشران فعال در حوزه کودک و آشنا کردن بهینه مخاطبان زیر ۱۵ سال ایرانی شبکه اینترنت با مقولات فرهنگ و ادب، راه‌اندازی شده است.

این پایگاه که توسط شرکت ویسمن نرم‌افزار راه‌اندازی شده است، آماده است تا موضوعات چاپ شده برتر این گروه از ناشران محترم کشور را در کتابخانه اینترنتی خود عرضه کرده و نسبت به فروش و معرفی آن به کودکان کشور اقدام کند. براساس این اعلام، علاقه‌مندان می‌توانند با ارائه ۲ نسخه از هر عنوان کتاب خود، به‌صورت رایگان به عضویت بخش کتابخانه الکترونیکی سایت ایران کیدز، نائل شده و به عرضه محصولات فرهنگی بپردازند. قابل ذکر است سایت کودکان ایران از چهارم مهرماه سال جاری با هدف ارتقای سطح فعالیت‌های تحت وب کودکان زیر ۱۴ سال ایرانی و در راستای حمایت از فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه کودکان کشور، راه‌اندازی شده و هم‌اینک، علاوه بر ارائه مدرسه اینترنتی آن لاین مخصوص پایه دبستان و راهنمایی، امکانات مختلف آموزشی و مشاوره‌ای تحت وب را به اعضای خود ارائه می‌کند. ناشران محترم می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی اینترنتی www.Irankids.com مراجعه نمایند.

رمان ایرانی در کتابخانه ملی فرانسه و دانشگاه سوربون

رمان «اتوبوس هنر» اثر شیرین بنی‌صدر در کتابخانه ملی فرانسه و دانشگاه سوربون به عنوان اثر ادبی قرن بیستم به ثبت رسید.

شیرین بنی‌صدر نویسنده این رمان گفت: «معمولاً هر دو سال یک بار تعدادی از کتاب‌های منتشر شده در ایران به کتابخانه‌های کشورهای مختلف فرستاده می‌شود که گاهی آنها را می‌پذیرند.» وی افزود: «دو سال پیش این کتاب به کتابخانه‌های فرانسه و ایتالیا فرستاده شد که آن را پذیرفتند و امسال هم این اثر در دانشگاه سوربون و کتابخانه ملی فرانسه به عنوان اثر ادبی قرن بیستم پذیرفته شد.»

فراخوان مقاله مرکز بازشناسی نهضت جنگل

همزمان با هشتاد و دومین سالگرد شهادت میرزا کوچک‌خان جنگلی همایشی درباره رهبر نهضت جنگل برگزار می‌شود.

مرکز بازشناسی نهضت جنگل از عموم علاقه‌مندان دعوت کرد مقالات خود را تا تاریخ دهم آذر به نشانی دبیرخانه این مرکز (دانشگاه تهران- صندوق پستی ۱۸۴۴-۱۳۱۴۵) ارسال و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۸۵۱۲۷۷۱ تماس بگیرند.

برخی از موضوعاتی پیشنهادی برای مقالات عبارتند از:

سیری در زندگانی میرزا کوچک‌خان، تحلیلی از جریان چپگرا و نهضت جنگل، مقایسه نهضت جنگل در گیلان با نهضت خیابانی در آذربایجان، سیاست کشورهای خارجی در برخورد با نهضت جنگل، نقش نهضت جنگل در رشد سیاسی - اجتماعی کشور و نقش اسناد در تاریخ‌نگاری نهضت جنگل.

زمان برگزاری برنامه پانزدهم آذرماه از ساعت ۹ صبح تا ۱۸ بعدازظهر اعلام شده است.

■وجود شاخص‌های فرهنگی و تحولات فکری در زندگی در جوامع اسلامی، بدون لحاظ کردن نقش محوری قرآن قابل شناسایی نخواهد بود.

احمد مسجدجامعی در مراسم گشایش همایش بین‌المللی «قرآن و توسعه فرهنگی» با اعلام این مطلب گفت: «قرآن در محوریت سنت فرهنگی ما جای دارد و بی‌هیچ تردیدی توجه به آن از منظر افق‌های جدید، یکی از مضامین اصلی تحولات فرهنگی در هر دوره تاریخی است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه قرآن عالی‌ترین ساختار فرهنگ اسلامی و ایرانی است افزود: «تحول در عرصه فرهنگ و ساختارهای ارزشی بدون توجه به آن غیر ممکن است.»

وی گفت: «مهجور بودن قرآن ناشی از غفلت جوامع اسلامی است و کشورهای پیرامونی در دوران جدید با پذیرش گرایش‌های خطی در مدرنیته به جای حفظ سنت‌های خود، با سابقه و تحولات کشورهای مدرن روبه‌رو شدند.»

■محمدعلی شعاعی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از فعالیت دائمی دبیرخانه نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های این معاونت در طول سال خبر داد.

■حجت‌الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری‌شهری، نماینده ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، نمایشگاه قرآن را یک رویکرد معنوی و مثبت خواند و گفت: تقویت زیرساخت‌ها، براساس نیازهای جامعه در این نمایشگاه ضروری است.

■نخستین نرم‌افزار جامع قرآن کریم با ترجمه گویا و با عنوان سلیم از سوی کارشناسان بنیاد علوم و معارف اسلامی قم طراحی و تولید شده است.

مسؤول بنیاد علوم و معارف اسلامی گفت: «در این برنامه یک دوره کامل تلاوت قرآن کریم به صورت ترتیل، به همراه نمایش گرافیکی صفحات قرآن کریم و ترجمه گویا گنجانده شده است.»

■سازمان ملی جوانان در سال جاری بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال اعتبار برای ترویج فعالیت‌های قرآنی اختصاص داده است.

■۳۸ اثر از آثار علامه محمدتقی جعفری، در قالب کتاب، ترجمه، لوح فشرده و آلبوم نوار سخنرانی در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم عرضه شده است.

■مجیر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت: بودجه‌ای که در حال حاضر برای فعالیت‌های قرآنی در نظر گرفته شده است، نسبت به فعالیتی که الان انجام می‌شود، بسیار کم است.

حسن رمضانیان‌پور تصریح کرد: آنچه که هم اکنون، از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عمل می‌شود شاید رقمی دو برابر این باشد ولی به نظر من جا دارد این رقم تا دهها برابر افزایش پیدا کند.

■نخستین قرآن کریم به زبان فارسی و در قطع رحلی توسط انتشارات اقبال در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم عرضه شد. این کتاب توسط «عبدالمجید صادق نوبری» با الهام از اصل سهولت و روانی در زبان فارسی، ترجمه و تفسیر شده است.

■نخستین نشست علمی باستان‌شناسی قرآن کریم در محل یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد.

در این نشست یک روزه باستان‌شناسان و قرآن‌شناسان کشورمان حضور داشتند.

در این نشست علمی، اساتیدی همچون دکتر احمد احمدی بیرجندی، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، نادر کریمیان سردشتی، دکتر علی رهبر، دکتر هایده لاله، دکتر نیکنامی، دکتر خطیب شهیدی، دکتر آذرنوش، دکتر علی موسوی گرمارودی و دکتر ملاصالحی، سخنرانی کردند.

■استاد بهاءالدین خرمشاهی، قرآن‌پژوه برجسته به مناسبت سالروز درگذشت علامه سیدحسین طباطبایی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، تفسیر المیزان را از تفاسیر مهم برشمرد و آن را جزء تفاسیر عقلی - نقلی دسته‌بندی کرد.

وی گفت: «نخستین وجه اهمیت تفسیر المیزان جامع گرا بودن و توجه به مسائل اجتماعی، انسانی، مشکلات فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن است که در جامعه جدید برجسته‌تر از مسائل دیگر به نظر می‌رسد.»

نخستین مدرسه علوم دینی اینترنتی راه‌اندازی شد

پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان نخستین مدرسه علوم دینی اینترنتی را زیر نظر حوزه علمیه قم پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان راه‌اندازی کرد.

به گزارش سناد خبری یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، کاربران با مراجعه به سایت اینترنتی تبیان www.Tebyan.net می‌توانند از دوره‌های آموزشی حوزه علمیه قم از پایه تا خارج بهره‌مند شوند و از این طریق در امتحانات حوزه نیز شرکت کنند.

پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان با استفاده از اینترنت و در راستای معرفی جاذبه‌های فرهنگ اسلامی از طریق اطلاع‌رسانی صحیح تیرماه سال ۸۱ راه‌اندازی شد.

«مدرسه اینترنتی» نیز یکی دیگر از خدمات آموزشی پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان است که دانش‌آموزان را با مشارکت دادن در فرایند آموزش، تحت تعلیم قرار می‌دهد.

در این مدرسه، دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی می‌توانند علاوه بر بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی، از مشاوره استادان متخصص نیز بهره‌مند شوند.

دسترسی سریع و آسان به بانک کاملی از اطلاعات اسلامی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و ورزشی و نیز پاسخگویی به پرسش‌های نسل جوان از دیگر امکانات ویژه این سایت است.

همچنین ارائه خدمات فرهنگی و پژوهشی به استادان و دانش‌آموزان از جمله معرفی مقالات، کتب و نرم‌افزارهای آموزشی، معرفی پایگاه‌های علمی در اینترنت، معرفی رشته‌های دانشگاهی، معرفی و ثبت طرح درس‌های آموزشی به نام فرد ارائه‌دهنده، از دیگر امکانات این سایت است.

کتاب شب در رادیو معارف

علاقه‌مندان به کتاب‌های معارف و دینی می‌توانند از طریق رادیو با این کتاب‌ها آشنا شوند.

برنامه کتاب شب از رادیو معارف هر هفته روزهای فرد از ساعت ۲۱/۵ پخش می‌شود. حسن توکلی‌زاده سردبیری و تهیه‌کنندگی این برنامه را برعهده دارد.

اولین کتاب تخصصی مهدویت

نخستین کتابخانه تخصصی مهدویت به همت گروه یاسین در دانشگاه شاهد افتتاح شد. این کتابخانه تخصصی شامل ۲۰۰ عنوان از جدیدترین کتاب‌ها در زمینه مهدویت است. افتتاح و راه‌اندازی کتابخانه مهدویت همزمان با ولادت باسعادت امام حسن مجتبی (ع) صورت گرفت.

نخستین دایرة‌المعارف چندرسانه‌ای چهارده معصوم (ع) در قم

نخستین دایرة‌المعارف جامع چندرسانه‌ای چهارده معصوم (ع) با نام طاها بر روی لوح فشرده طراحی و تولید شد.

این دایرة‌المعارف حاصل دو سال تلاش محققان و متخصصان مؤسسه تحقیقاتی یاسین قم است.

مجموعه کامل منابع و احادیث ائمه، ۱۶۸ قطعه شعر درباره ائمه معصوم، ۲۰۰ ساعت فیلم و ۷۰ حکایت و داستان، بخشی از محتویات این دایرة‌المعارف است.

جشن رونمایی مرغ سحر امروز برگزار می‌شود

جشن رونمایی کتاب مرغ سحر امروز (شنبه) ساعت شش بعدازظهر در نشر کارنامه برگزار می‌شود.

در این جلسه دکتر قمر آریان، توران شهریاری، علی دهباشی و محمد گلبن به ایراد سخنرانی می‌پردازند.

مرغ سحر خاطرات پروانه بهار فرزند ملک‌الشعرای بهار است که توسط نشر شهاب در ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

نرم‌افزار تفسیر مجمع‌البیان برای اولین بار در نمایشگاه قرآن

یکی از ناشران قرآنی، برای اولین بار نرم‌افزار تفسیر مجمع‌البیان را عرضه کرده است.

این نرم‌افزار که شامل تفسیر ۱۷ جلدی مجمع‌البیان، ترجمه واژگان و نمایه‌های موضوعی این کتاب است، امکان دسترسی آسان و سریع به متن تفسیر مجمع‌البیان را فراهم می‌کند. نرم‌افزار مجمع‌البیان دارای سیستم جست‌وجو و کشف آیات موضوعی است و امکان دسترسی به موضوعات تفسیر از طریق لیست نمایه‌های موضوعی را نیز به دست می‌دهد. دسترسی به متن کامل قرآن کریم، دسترسی به چند ترجمه فارسی و ترجمه واژه‌های قرآنی و امکان جست‌وجوی ساده و ترکیبی دو متن قرآن، متن ترجمه‌ها، تفاسیر، فهرست و نمایه موضوعی از دیگر امکانات این نرم‌افزار است.

همچنین، نرم‌افزار مجمع‌البیان به کاربران، امکان می‌دهد صوت ترتیل قرآن را بشنوند. این نرم‌افزار از سوی مؤسسه انتشارات فراهانی عرضه شده است.

تغییر زمان برگزاری همایش آموزش استفاده‌کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی

زمان همایش آموزش استفاده‌کنندگان از کتابخانه و توسعه سواد اطلاعاتی به اول و دوم خرداد ماه سال آینده تغییر کرده است. سالاری مسؤول کمیته اجرایی همایش مذکور با اعلام این مطلب گفت: «به منظور فراهم ساختن امکان شرکت گروههای بیشتری از اعضای هیأت علمی، کتابداران و دانشجویان، زمان برگزاری از ۸ و ۹ آذرماه امسال به اول و دوم خردادماه ۱۳۸۳ تغییر کرده است.» وی از علاقه‌مندان دعوت کرد جهت ثبت‌نام تا پایان فروردین ۱۳۸۳ اقدام کنند و از سخنرانان نیز درخواست کرد متن کامل مقاله خود را با توجه به تغییر زمان برگزاری همایش حداکثر تا پایان دی‌ماه ۱۳۸۲ به دبیرخانه همایش ارسال کنند تا نسبت به چاپ مجموعه مقالات همایش بموقع اقدام شود.

نشانی دبیرخانه همایش (مشهد، حرم مطهر، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، صندوق پستی ۱۷۷) اعلام شده است. تلفن‌های تماس هم عبارت است از: ۲۲۱۹۵۵۳ و ۲۲۳۲۵۱۲ (۰۵۱۱).

کتاب

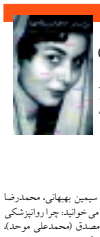

مرغ سحر

مرغ سحر، پروانه بهار، نشر شهاب، چاپ اول: ۱۳۸۲، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۸۸ صفحه (مصور) ۲۰۰۰ تومان.

«مرغ سحر» خاطرات پروانه بهار دختر ملک‌الشعرای بهار است که با مقدمه‌ای از دکتر مجید تهرانیان منتشر شده است. پروانه بهار که بیشتر عمر خود را در خارج از ایران به سر برده است، در بخش اول کتاب، خاطرات تاریخ ایران سده بیست میلادی و در بخش دوم تحولات تاریخی دهه ۱۹۶۰ آمریکا را بازگو می‌کند.

رسانه‌ها

بخارا

شماره سی و یکم بخارا (شهریور ۸۲) با سروده‌هایی از سیمین بهبهانی، محمدرضا شفیعی کدکنی، عمران صلاحی و... منتشر شد. در این شماره می‌خوانید: چرا روانپزشکی شکست خورد (عزت‌الله فولادوند)، کودتا و وصایای دکتر مصدق (محمدعلی موحد)، برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۳ (مینو مشیری)، حاج سیاح، از دگراندیشان... (عبدالحسین آذرنگ)، سه نامه از دکتر مصدق، دو نامه از ایرج میرزا و...

کتاب فرزان

پنجمین شماره ماهنامه نقد و بررسی کتاب فرزان با آثاری از پرویز اتابکی، جمشید ارجمند، فرید جواهرکلام، پرویز کلانتری، هرمز همایون‌پور و... منتشر شد. آخرین روزهای لئو تولستوی، مسلح ساختن مجاهدین افغان، کنسرت ایران - ارمنستان، رادیو صدای آمریکا و... برخی از مطالب این شماره نقد و بررسی کتاب فرزان است.

طرح نهضت قرآن‌آموزی

مسؤول دبیرخانه اجرایی نهضت قرآن‌آموزی گفت: به منظور ساماندهی امور نهادهای آموزش قرآن، بزودی طرح نهضت قرآن‌آموزی اجرا می‌شود.

دکتر رضا پرتوی‌زاده که در نشست تشکل‌های موفق قرآنی سخن می‌گفت، با اشاره به اهداف این نهضت گفت: نهضت قرآن‌آموزی به منظور هماهنگی و منسجم کردن نهادهای آموزش قرآن کریم، برگزاری دوره‌های تربیت معلم و مدرس اجرا می‌شود.

وی همچنین گفت این طرح به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

قرآن‌آموزشی با خط نزدیک به فارسی

قرآن‌آموزشی با خط جدید و نزدیک به خط فارسی، با هدف آسان کردن قرائت قرآن و روانخوانی دانش‌آموزان، در نمایشگاه قرآن کریم عرضه شد.

مسؤول غرفه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با خبرنگار سناد خبری یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، با اعلام این مطلب افزود: این قرآن آموزشی، توسط انتشارات مدرسه، وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش چاپ شده است.

نگارش یک کتیبه قرآنی به مناسبت شب‌های قدر

به مناسبت بزرگداشت ایام لیالی قدر، کار نگارش یک کتیبه قرآنی ۳۰ متری در بخش جوان یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم آغاز شد.

به گزارش سناد خبری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، یک کتیبه قرآنی به خط معلی و توسط «سعید نقاشیان» هنرمند خوشنویس نگاشته می‌شود.

نمایشگاه قرآن از نظر معنوی تأثیرگذار است

مشاور رئیس‌جمهوری در حوزه علوم و فنون گفت، نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، از نظر معنوی بسیار تأثیرگذار است.

«حسن غفوری فرد» که در محل یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم حضور یافته بود، گفت: درهم آمیختگی هنر با معارف و مفاهیم اسلامی در نمایشگاه قرآن، تأثیرگذاری آن را دوچندان کرده است.

وی با اشاره به سیر تکامل نمایشگاه قرآن طی سال‌های گذشته، گفت: در این سال‌ها، هر بار که به نمایشگاه قرآن آمده‌ام، بر معلومات من در زمینه مفاهیم قرآنی، اضافه شده است.

غفوری فرد برپایی نمایشگاه قرآن در ایام ماه مبارک رمضان را بسیار مثبت توصیف کرد و گفت: در این ایام روح آدمی بیشتر آمادگی پذیرش معارف و مفاهیم اسلامی و قرآنی را دارد.

وزیر دفاع: موظف هستیم رفتار قرآنی پیدا کنیم

«علی شمخانی» وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم گفت: دانش قرآنی بدون اتکا و داشتن رفتار و فرهنگ قرآنی هیچ تأثیری در فرهنگ و در نهایت حیات جامعه اسلامی نخواهد داشت.

وی با تأکید بر برگزاری نمایشگاههای قرآنی افزود: ارشاد قرآنی می‌تواند سیل عظیمی از دانش قرآنی را به شکل جدیدی در اذهان جامعه ایجاد کند. ما به عنوان جامعه‌ای اسلامی موظف هستیم ابتدا رفتار قرآنی پیدا کنیم.

نمایشگاه قرآن زاهدان با مشارکت پاکستان و افغانستان

نمایشگاه قرآن کریم در زاهدان از سال آینده در پی توافق معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاندار زاهدان با شرکت کشورهای همجوار برگزار می‌شود.

محمدعلی شعاعی در جلسه‌ای با درخواست استاندار زاهدان مبنی بر برپایی نمایشگاه قرآن کریم با حضور هنرمندان موافقت کرد.

در این جلسه مقرر شد سال آینده نمایشگاه قرآن در زاهدان با مرکزیت زاهدان و شهرهای اصلی این استان و مشارکت دو کشور افغانستان و پاکستان برگزار شود.

گزارش نکوداشت

اهل فرهنگ و استاد بهاءالدین خرمشاهی

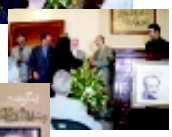

مراسم تجلیل از قرآن‌پژوه بزرگ کشور، استاد بهاءالدین خرمشاهی با حضور جمع زیادی از اهالی فرهنگ و ادب کشور در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

دکتر مهدی محقق

در ابتدای این مراسم دکتر مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ضمن تشکر از حاضران در جمع گفت: «بزرگداشت یک عالم تواب دارد و موجب تشویق نسل جوان خواهد بود تا گام خودش را جای پای این دانشمندان گذارد.»

وی افزود: «خوشبختانه ما در این ۴ سال موفق شدیم در هر ماه برای یکی از سروران و بزرگان علم و ادب و هنر بزرگداشت برگزار کنیم.»

محقق گفت: «در این چهار سال موفق شدیم انتشارات انجمن را به بیش از ۲۰۰ اثر برسانیم که یک سوم آن مربوط به ۴ سال اخیر است. همچنین مجله انجمن (نامه انجمن) را تا ۱۰ شماره منتشر کردیم و موفق شدیم کارهای تحقیقی، پژوهشی و بررسی در متون اسلامی و ایرانی را رونق دهیم تا پژوهشگران به تحقیق در زبان و ادب فارسی، تاریخ و جغرافیا بپردازند.»

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی درباره بهاءالدین خرمشاهی گفت: «وی کسی است که آثار و مقالاتش از ۵۰۰ متجاوز است و کوشش ایشان بادآور بزرگان مملکت است. بنده در توصیف بعد علمی و اخلاقی ایشان زبانم قاصر است.»

وی با اشاره به کتابی که به همین مناسبت درباره زندگی و آثار خرمشاهی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به چاپ رسیده، گفت: در همین کتاب هم گفته‌ام که آشنایی بنده با آقای خرمشاهی به سال ۱۳۳۳ برمی‌گردد که ایشان در دانشکده ادبیات تحصیل می‌کردند و بنده افتخار داشتم که معلم عربی ایشان باشم.»

دکتر محقق افزود: «یک عرصه فعالیت آقای خرمشاهی درباره زبان و ادبیات فارسی و عرفان حافظ است و بعد دیگر توجه ایشان به قرآن است که ما از ایشان به عنوان قرآن‌پژوه یاد می‌کنیم.»

وی به ترجمه خرمشاهی از قرآن اشاره کرد و گفت: «همت ایشان در ترجمه قرآن باعث شد تا سخن خداوند به زبان فارسی مورد استفاده میلیون‌ها نفر قرار گیرد و این خدمتی است که نمی‌شود اجر و مزدی دنیوی برایش در نظر گرفت.»

وی افزود: «بعد دیگر فعالیت آقای خرمشاهی در حوزه کتاب و کتابشناسی است که ایشان و دوستانشان در دانشکده علوم تربیتی در دوره‌های کتابداری به این امر همت گماردند و به همراه دوستانشان تحولی در این زمینه در کشور ایجاد کردند.»

دکتر محقق در ادامه به استمرار فعالیت‌های علمی و فرهنگی خرمشاهی حتی در زمان تعطیلی دانشگاه‌ها بعد از انقلاب اشاره کرد و در پایان گفت: «همت و کوشش استاد خرمشاهی که همچنان ادامه دارد در حقیقت رحمت واسعه حق است که نصیب این مملکت شده است و در واقع خرمشاهی لطف مجسمی است از خداوند برای مردم ما.»

استاد کامران فانی

سخنران بعدی مراسم استاد کامران فانی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. وی در ابتدای سخنانش گفت: «صحبت درباره خرمشاهی هم آسان است و هم مشکل. چون ۲۰ سال است که همیشه با ایشان بوده‌ام. من در سال ۴۳ که تصمیم گرفتم رشته ادبیات را ادامه دهم، اولین بار با ایشان آشنا شدم و همانجا متوجه شدم ایشان هم از رشته پزشکی کوچ کرده و به دانشکده ادبیات آمده است. انگار یک سرنوشت مشترک داشتیم که مثل یک نخ نامرئی تاکنون ما را به هم پیوند داده است.»

وی ادامه داد: «سال‌ها بعد من و خرمشاهی هر دو شاگرد همسر استاد محقق (نوش‌آفرین انصاری) بودیم و چون هر دو به کتاب علاقه‌مند بودیم، تصمیم گرفتیم در رشته کتابداری تحصیل کنیم. در واقع ما هم زندگی مشترک روحی و معنوی داشتیم و هم در کار روزمره (در مرکز خدمات کتابداری) کنار هم بودیم. تا اینکه سرانجام خرمشاهی به انجمن فلسفه رفت که حاصل آن کتاب قرار از فلسفه ایشان بود، ولی با این حال ما همیشه کار مشترک داشتیم.»

فانی در ادامه به خاطرات گذشته خود با خرمشاهی پرداخت و گفت: «یکی از سال‌های خوش ما سال‌های دهه ۵۰ بود که به گردآوری کتاب می‌پرداختیم و با هم هر سه چهار روز یک بار به دنبال کتاب می‌رفتیم. پس از آن اوایل انقلاب بود که دوباره به تحصیل خصوصی نزد استاد محقق پرداختیم.»

وی در خصوص ویژگی‌های خرمشاهی گفت: «در میان نسل بعد از سال‌های ۱۳۲۰ خرمشاهی درخشان‌ترین چهره از نظر کثرت و تنوع آثار و پیگیری در کار تحقیق است که تقریباً هیچ کدام از هم‌نسلانش به پای او نرسیدند.»

فانی درباره آثار خرمشاهی نیز گفت: «ویژگی آثار وی متنوع بودن است ولی ما در همین پراکنده‌کاری‌ها هم کیفیت بالا را می‌بینیم. کارهای تحقیقی خرمشاهی از دو ویژگی خواص‌پسند و عوام‌پسندی برخوردار است و دلیل اقبال به آثار ایشان هم به این موضوع برمی‌گردد.»

وی در ادامه به شرح کوتاهی از نخستین اثر تألیفی خرمشاهی از آغاز تاکنون پرداخت و گفت: «آشنایی خرمشاهی با مدرنیته و تمدن غرب، نگاه و نگرشی به او داد که بازتابش را بعدها وقتی به کار در حوزه فرهنگ ایرانی -اسلامی خودمان پرداخت می‌بینیم.

خرمشاهی اگر با این نگاه مسائل را بررسی نمی‌کرد طبعاً آثارش آن طراوت و تازگی را نداشت.»

وی ادامه داد: «در جدی‌ترین آثار خرمشاهی لبخند محوی وجود دارد که به خواننده آرامش و طراوت می‌دهد. حوزه تخصصی خرمشاهی قرآن‌پژوهی و حافظ‌پژوهی است و ایشان در واقع بنیانگذار نگرش تازه به حافظ است. از دیگر حوزه‌های تخصصی وی واژه‌پژوهی و عشق به لغت و حساسیت در واژه‌سازی و واژه‌گزینی است و گیرایی ترجمه‌های خرمشاهی هم به همین موضوع برمی‌گردد. چون معادل‌های خوبی برای واژه‌های بیگانه برمی‌گزیند چنانچه هیچ گاه در ترجمه از فرهنگ دو زبانه استفاده نمی‌کرد و خودش بعد از فهم مطالب معادل‌ها را برمی‌گزید.»

فانی در پایان ابراز امیدواری کرد با تلاش خرمشاهی، بزرگترین و معتبرترین فرهنگ انگلیسی - فارسی با قلم و ذوق ایشان چاپ و منتشر شود.

دکتر علی رهبر

در ادامه مراسم دکتر علی رهبر ایرانشناس و اسلام‌پژوه به سخنرانی پرداخت و گفت: «آشنایی با آثار خرمشاهی به سال ۱۳۶۶ هنگامی که در آلمان بودم برمی‌گردد که یکی از دوستان از ایران کتابی را حاوی مقالات برگزیده درباره حافظ برایم آورده بود. من با دیدن مقاله ایشان به پدایش اختری تابناک در افق پژوهش ایران پی بردم و نوشته‌های دیگر خرمشاهی در بیش از ۴۰ اثر و صد و پنجاه مقاله مرا واقف کرد که وی از جمله زنده‌دلانی است که در مورد شأن اقبال لاهوری سخن گفته است.»

وی افزود: «ارزیابی منصفانه از میراث دینی و ملی ما از برکات خرمشاهی است. وی با شکافتن دروازه‌های بی‌تفاوتی را می‌شکند و جسورانه عتیقه‌گرایی و رودربایستی را کنار می‌گذارد. وی با این همه ترجمه و تألیف و تحقیق در آستانه استقلال فکر و اجتهاد قرار گرفته است.»

دکتر رهبر در پایان گفت: «خرمشاهی مانند غزالی به پاسداری از دژ ایمان کمر بسته و در این روزگار، صادقانه برای دانایی مردم و آسایش جان‌ها تلاش کرده است که سرش سبز و دلش جاوید باد.»

فرهاد طاهری

سخنران بعدی مراسم تجلیل از بهاءالدین خرمشاهی در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، فرهاد طاهری پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. وی گفت: «از روزی که خرمشاهی به ویرایش کتاب پرداخت تا امروز که مشغول تألیف و پژوهش است، بیش از ۳۰ سال می‌گذرد و در این مدت مجموعه میراث گرانقدری را بر جای گذاشته است که در حوزه ویرایش در سه دسته مهارت‌های عملی ویرایش، تأثیر ویرایش بر تألیف و نتایج نظری در ویرایش قابل دسته‌بندی است.

بررسی مهارت‌های ویرایشی خرمشاهی تنها از کسانی برمی‌آید که مراحل کار ایشان را دیده و از آن آگاه باشند.»

وی در تقسیم‌بندی دیگری مهارت‌های ویرایش خرمشاهی را در دو گروه فعالیت در مقام ویراینشگر میل‌نشین (سوپراستار) و ویراینشگر صندلی‌نشین بررسی کرد و گفت: «در گروه اول، خرمشاهی بیشتر با دانش و تجربه‌اش دیگران را هدایت و راهنمایی کرده و در دومی، استاد خود قلم بر کاغذ می‌گذارد و با علاقه و دقت، بی‌دغدغه صاحب اثر را متذکر می‌شود. ضمن آنکه آقای خرمشاهی با تسلط بر ابزار و شیوه‌های ویرایش در گونه‌های مختلف صوری، زبانی و... تا آنجا که می‌توانسته فعالیت کرده است.»

طاهری افزود: «نگاه ویراستارانه به متن، تأثیر بسزایی در ترجمه‌های ایشان داشته و خواننده درمی‌یابد که مترجم به اهمیت هر دو زبان چه از جنبه ادبی و هنری و چه از لحاظ معانی و مفهومی کاملاً آگاه بوده است. به همین سبب ترجمه‌های خرمشاهی در عین اینکه سبک واحدی ندارد شفاف و گویا و آسان‌فهم است.»

وی سپس در توصیف نثر خرمشاهی گفت: «آثار تجارب ویراستاری در نثر ایشان هم قابل مشاهده است. نثر استاد بویژه در نوع تحقیق علمی، یکی از بهنجارترین نثرهای فارسی است که نه دشوارفهم است و نه مبتذل و وظیفه رساندن پیام و معنا را برعهده دارد.»

این پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی در پایان به مجموعه مقالات «کترتابی‌های زبان» خرمشاهی اشاره کرد و آنها را نوعی تدریس نظری در ویراستاری برشمرد که ابهام و کژتابی را از ساحت معنا می‌زداید.

سهیل محمودی

در ادامه مراسم سهیل محمودی (شاعر) به قرائت قصیده‌ای در مدح حضرت علی(ع) پرداخت که مورد توجه حضار قرار گرفت.

وی همچنین در سخنان کوتاهی گفت: «ما که از جوان‌های دهه شصت هستیم زمانی که دستمان به بزرگترها نمی‌رسید، کسی که یک نسل پیشتر از ما بود و مهربانی‌های شکفتنش را از ما دریغ نکرد، خرمشاهی بود. ما نه تنها از آثار خرمشاهی که از سلوک فردی و بسیار آموخته‌ایم از جمله اینکه حرمت بزرگتر را چگونه نگاه داریم و نیز یاد گرفتیم که جوانمردی و فتوت می‌تواند جوانپروری کند.»

محمودی افزود: «از ویژگی‌های شگفت خرمشاهی این است که فرهنگ گذشته را بخوبی می‌شناسد و در عین حال از منظر امروزین به موضوعات می‌پردازد که خیلی‌ها این ویژگی را ندارند.»

اهدای لوح تقدیر

پس از این سخنان متن لوح تقدیر انجمن قرائت شد و لوح زرینی که آراسته به نشان انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بود به همراه هدایای دیگری به خرمشاهی اهدا شد. در مراسم اهدا احمد مسجدجامعی، غلامعلی حداد عادل، حسن حبیبی، مهدی محقق و نوش‌آفرین انصاری نیز به جایگاه دعوت شدند.

همچنین هدایای دیگری نیز از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها دکتر گلشنی، دکتر احمدی گیوی و... به خرمشاهی اهدا شد.

بهاءالدین خرمشاهی

بهاءالدین خرمشاهی نیز در سخنانی کوتاه از برگزارکنندگان، اهداکنندگان هدایا و نیز حاضران در مراسم تشکر کرد. وی که سخنان شیرین و طنزآمیزش بارها مورد تشویق حضار قرار گرفت، از تمامی نهادها، سازمان‌ها، مراکز و افراد تشکر کرد و گفت: «بسیاری از کسانی که در این مجلس هستند از بنده سزاوارترند و من شاید نماینده آنها باشم.»

خرمشاهی مراسم را با قرائت اشعاری از حافظ به پایان برد.

در حاشیه مراسم

حضور بسیاری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی کشور در مراسم چشمگیر بود که می‌توان از احمد مسجد جامعی، حسن حبیبی، فتح الله مجتبایی، غلامعلی حداد عادل، عطاءالله مهاجرانی، سیمین بهبهانی، عباس حری، باقر عاقلی، علی موسوی گرمارودی و... نام برد.

قصیده زیبای سهیل محمودی در مدح حضرت علی (ع) بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت.

استقبال از برنامه به حدی بود که بسیاری از مدعوین ایستاده بودند و برخی نیز در اتاق پشت سالن برنامه را از طریق تلویزیون دنبال می‌کردند.

بهاءالدین خرمشاهی برخلاف سنت معمول، از ابتدا تا انتهای برنامه در وسط سالن به گونه‌ای نشسته بود که پشت به دوربین‌های فیلمبرداری باشد.

سخنان شیرین «خرمشاهی» بارها مورد تشویق حضار قرار گرفت به گونه‌ای که برنامه را به یکی از به یادماندنی‌ترین مراسم تبدیل کرد.

خرمشاهی که سعی داشت از تعداد بیشتری از حضار و برگزارکنندگان تشکر کند، هر از چندگاهی در میان سخنانش نامی را به یاد می‌آورد و تشکر می‌کرد به گونه‌ای که بسیاری از وقت سخنرانی‌اش به سپاسگزاری اختصاص داشت.

خرمشاهی از کامران فانی تقدیر کرد و گفت: ایشان اتوبیوگرافی خودشان را می‌گفتند که مرا هم در برمی‌گرفت. البته به من و فانی می‌گویند «فانی شاهی»!

هنگام نام بردن از خانم سیمین بهبهانی توسط خرمشاهی حضار دوباره به تشویق پرداختند.

علی موسوی گرمارودی هم در پایان برنامه به قرائت شعری درباره ویژگی‌های خرمشاهی پرداخت که با استقبال حاضران مواجه شد.

هنگامی که خرمشاهی از حضار خواست خانم نوش‌آفرین انصاری را تشویق کنند، یکی از حاضران به همسر خرمشاهی اشاره کرد و خواست که از ایشان هم تقدیر شود، که حضار با کف زدن‌های متمادی وی را هم تشویق کردند.

در خاتمه یکی از حضار از خرمشاهی خواست که برنامه را با غزلی از حافظ به پایان ببرد.

خبر

افتتاح بزرگترین کتابخانه عمومی کشور با حضور رئیس جمهوری

حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی در مراسم افتتاح کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی گفت: یاد و نام کتاب دل‌انگیز است و شاید برای اهل علم و تحقیق هیچ مکانی لذت‌بخش‌تر از کتابخانه نباشد.

رئیس جمهوری تأسیس کتابخانه آیت‌الله مرعشی را توسط مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اقدامی بزرگ خواند و حفظ و توسعه این میراث را کاری مهم‌تر عنوان کرد. رئیس جمهوری در ابتدای سخنان خود لوح تقدیری به پاس زحمات تولیت کتابخانه به حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمود مرعشی نجفی تقدیم کرد. در مراسم افتتاحیه این کتابخانه که در نوع خود اولین کتابخانه در ایران و سومین در جهان اسلام است، دکتر سیدمحمود مرعشی نجفی رئیس کتابخانه و فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهاشم حسینی بوشهری رئیس شورای مدیریت حوزه علمیه قم، آیت‌الله موسوی بجنوردی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی ابطحی معاون حقوقی و پارلمانی رئیس جمهوری، سیدحمید طهایی استاندار قم، دکتر میرمحمدی نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای شهر قم و تنی چند از محققان و مدرسان حوزه علمیه و مسؤولان محلی حضور داشتند.

در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ۳۵ هزار جلد کتاب خطی در بیش از ۶۵ هزار عنوان نگهداری و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. این کتابخانه اولین در ایران و سومین در جهان اسلام و خاورمیانه بعد از ترکیه و مصر است و از نظر سرویس‌دهی کتب شیعی اولین کتابخانه در جهان اسلام و خاورمیانه است که از ویژگی‌ها و وجوه متمایز این کتابخانه از دیگر کتابخانه‌های دنیا است.

قابل توجه ناشران

مؤسسه خانه کتاب در نظر دارد همزمان با یازدهمین دوره هفته کتاب در نیمه دوم آذرماه و با هدف ارتقای دانش اطلاع‌رسانی دست‌اندرکاران نشر کتاب در کشور، کارگاههای آموزشی «نشر اینترنتی و ارزش‌های افزوده آن برای ناشران» و «اطلاع‌رسانی کتاب» را برگزار کند.

ناشران و یا نمایندگان مؤسسه‌های انتشاراتی، با توجه به محدودیت مکان، می‌توانند حضور خود را تا روز ۸۲/۹/۱۱ در ساعات اداری به روابط عمومی خانه کتاب (تلفن‌های ۵-۶۴۱۵۷۵۴) اعلام کنند.

روابط عمومی خانه کتاب

گزارش

ایدین آصفی

دزفول، گستره‌ای از کلمات

کوچه به کوچه این شهر، از عطری آشنا سرشار است. حضور فرهنگی اصیل و باریشه در این خاک که این سال‌ها، با مبارزه و دفاع هم درآمیخت، از دزفول، دیاری کم‌نظیر ساخت.

هنوز در گوشه‌ای از این شهر، کتابخانه‌ای هست و تعدادی کتاب، زیرسقفی گرد هم آمده‌اند و مشتاقانه منتظرند تا خوانده شوند؛ کتاب‌هایی که هر کدام، یک تاریخ حرف برای گفتن دارند. در سایه نخل‌ها کسی قدم بر می‌دارد. او از شاعران و نویسندگان دزفول است. «عبدالرحیم سعیدی راد» هنوز به دیاری که او را خوب می‌شناسد، پایند است. او اکنون چند کتاب را به رشته تحریر در آورده است. این شاعر و نویسنده می‌گوید: کتاب و کتابخانی در دزفول از جایگاه مناسبی برخوردار است اما باید توجه بیشتری به کتاب صورت بگیرد.

وی با تأکید بر اینکه انجمن‌های فرهنگی و ادبی در دزفول، از رونق قابل توجهی برخوردار هستند، خاطرنشان می‌کند: در این مجموعه‌های صمیمی، جوانان اهل پژوهش و ادب، از رهیافت‌های جدید خودشان حرف می‌زنند و با یکدیگر به بحث‌های کارشناسی می‌پردازند.

وی با اشاره به سال‌های جنگ و آسیب‌هایی که به واسطه حمله دشمنان به دزفول وارد شد، می‌گوید: آن روزها، حتی کتاب‌ها هم در قفسه‌های غبارگرفته و آسیب‌دیده، مقاومت می‌کردند و هر یک، اکنون یک سینه سخن گرم برای گفتن دارند....

سعیدی راد، تعامل با جوانان و نوجوانان کتابخوان و پژوهشگر دزفولی را امری ضروری و پسندیده می‌داند و در ادامه می‌گوید: هیچ محیطی مانند کتابخانه نمی‌تواند پذیرای این خیل مشتاق کتاب و کلمه باشد. آنها دوست دارند خود را در مقابل توفانی از کلمات قرار بدهند.

شوشتری یکی از کتابفروشان دزفولی است. خود او به کتاب‌های تاریخی و دینی علاقه دارد. او می‌گوید: هیچ خطیب و سخنوری توانائر از کتاب پیدا نکرده‌ام، زیرا تا امروز، هیچ یک از پرسش‌های مرا بی‌پاسخ باقی نگذاشته است.

شوشتری که بخشی از سال‌های عمرش را در محیط کلاس و در پای تخته سیاه سپری کرده است، تصریح می‌کند: در این شهر، با خیلی‌ها کلمه به کلمه، زندگی را تلفظ کرده‌ام. بسیاری از شاگردانم توانسته‌اند در جایگاه مناسبی از نظر فرهنگی و اجتماعی قرار بگیرند و خودشان به تعلیم و تربیت بپردازند. حتی پای بعضی‌هایشان در مقام استاد به دانشگاههای کشور باز شده است، خیرشان را دارم... من که همه این توفیق را مدیون کتاب و مطالعه می‌دانم؛ همان گوهری که خیلی از آنها به دنبالش بودند و من در بین نسل‌های جدید، کمتر دیده‌ام بچه‌هایی را که مانند آنها، برای مطالعه دلتنگی کنند و دوست داشته باشند به خلوت کتاب پناه ببرند.

این کتابفروش، بعد از یک مکث کوتاه، در حالی که نگاهش به دوردست گره خورده است، می‌گوید: البته این سال‌ها هم می‌شود کسانی را با آن مشخصه‌ها دید اما باید بگویم که تعدادشان خیلی کم است!

شوشتری که به قول خودش با چند ناشر پرکار در تهران، ارتباط دوستانه دارد و از جدیدترین کتاب‌هایی که منتشر می‌شود، اطلاع پیدا می‌کند، تأکید دارد: این موضوع، خیلی مهم است که علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی در یک شهر احساس کنند بدون آنکه به مرکز

مراجعه کنند، از کتاب‌های تازه با موضوعات مختلف اطلاع کافی دارند.

شوشتری تصریح می‌کند: باور کنید نیمی از موفقیت خودم را مدیون همین قضیه هستم. با این روش، اعتماد دانشجویان، جوانان، فرهیختگان و علاقه‌مندان به کتاب و مطالعه را بخوبی جلب کرده‌ام.

این کتابفروش می‌گوید: یک معلم، باید خوب بتواند با مراجعه کنندگانی که اغلب، اهل دانش و فرهنگ هستند، ارتباط برقرار کند، از نیاز آنها باخبر باشد و کتابی به آنها بدهد که طالب آن هستند.

وی که علاقه‌ای هم به کتاب‌های حوزه ادبیات دارد، اظهار می‌دارد: شعر، تصویری از امروز آدم‌ها را در قالب کلماتی موزون، ارائه می‌دهد و ارزشش به همین است که با روزهای تقویم، به جلو می‌رود اما در رمان، می‌توانیم از صد سال پیش هم حرف بزنیم. اگر جای این دو با هم عوض شود، شاید مجبور باشیم نوع نگاهمان را به ادبیات تغییر دهیم، اگرچه جوانان امروز و آنهایی که نسبت به کتاب‌های ادبی، علاقه نشان می‌دهند، ادبیات را با همین وضعیت و کیفیتی که هست می‌خواهند، نه چیزی کمتر و نه پله‌ای فراتر...

شوشتری از یک تک مدارسی که در دزفول و برخی از شهرهای استان در آنها به امر تدریس پرداخته، نام می‌برد و می‌گوید: البته تقریباً همه آن مدرسه‌ها نیمه تخریب تا تخریب کامل شدند زیرا نتوانستند در مقابل موشک‌ها ایستادگی بیشتری نمایند و امروز، شکل و شمایل تازه‌ای به خود گرفته‌اند، اما هنوز بعد از این همه سال، با همان معماری قدیمی در ذهن من وجود دارند. من هنوز یک معلم ساده‌ام، با یک کتاب و برگ‌هایی که پیش روی بچه‌ها فروتنانه گشوده شده‌اند.

فرزانه اعتمادی‌فر از جوانان دزفولی است. دو روز از هفته را در زادگاه خود، دزفول است و سایر روزهای هفته را در یکی دیگر از شهرهای استان می‌گذراند. او دانشجوی پزشکی است اما در دایره مطالعاتی تخصصی خود، کتاب‌های موسیقی و ادبی را نیز گنجانده است. به کتابفروشی شوشتری آمده است. در این کتابفروشی، ریسمانی آویخته شده و تعدادی از نشریات و مجلات در حوزه‌های موضوعی مختلف، بر آن آویخته شده است.

اعتمادی‌فر رویکرد جوانان و هم سن و سال‌های خود را به کتاب و فرهنگ مکتوب، رضایت‌بخش نمی‌داند و اظهار امیدواری می‌کند که وضعیت، رو به بهبودی پیش برود. این دانشجوی پزشکی با تقدیر از حرکت‌هایی که گاه در قالب نمایشگاههای استانی کتاب در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها برگزار می‌شود، می‌گوید: این نمایشگاهها با همه محسناتی که دارند، برای مخاطبان و کتاب‌دوستان امروز که در زندگی و مسائل مربوط به آن غرق شده‌اند، زنگ دوستی را به صدا درمی‌آورند و این نکته اساسی را گوشزد می‌کنند که «کتاب» را هم به جمع خودتان راه دهید...!

به گفته وی، جمعی از ادیبان، دبیران فرهنگی و علاقه‌مندان به کتاب، برای یافتن کتاب‌های مورد نیاز خود، به صورت هفتگی، مراجعاتی به کتابخانه‌های عمومی و کتابفروشی‌های این شهر دارند و هنوز، از پس روزها و شبان این شهر، زمزمه خوش فرهنگ، بر می‌خیزد. او می‌گوید که برای کتاب خواندن، هیچ وقت، دیر نیست اگر چه فرهیختگان دزفولی، نمی‌گذارند در مطالعه و دستیابی به تازه‌های فرهنگی مکتوب، هیچ تأخیر و وقفه‌ای به وجود بیاید.

امید است در فرصتی دیگر، سراغی هم از ناشران این شهر مرزی بگیریم و حرف‌های آنها را نیز در زمینه کتاب و مطالعه، بشنویم.

دزفول

یادداشت

فاطمه احمدی

برای جمالزاده

هیچ وقت اولین جلسه کلاس‌های داستان‌نویسی را فراموش نمی‌کنم.

آن روز استاد گفت: باید با جمالزاده شروع کنید و بعد از آن هم جلال، همه کارهایشان را باید خوب بخوانید و بعد بروید سراغ دیگر نویسندگان ادبیات داستانی. ما که عاشق نوشتن بودیم جمالزاده و جلال را آنقدر خواندیم و خواندیم که خیلی از پاراگراف‌ها را حفظ شدیم. یکی بود یکی نبود، فارسی شکسته است، زن زیادی، بچه مردم، سه تار...

اما گذر زمان و وجود مشکلات و شاید هم هزار و یک توجیه دیگر هیچ وقت این فرصت به من را نداد که داستان‌نویس شوم. هر چند که وقتی داستان‌های دیگر دوستان که با هم داستان‌نویسی را شروع کرده بودیم می‌خوانم لذت آن کمتر از آن نیست که تصور کنم نوشته‌های خودم است. به هر تقدیر من داستان‌نویس نشدم ولی خوب باز هم شاید که بازی‌های زمانه آنگونه بود که مرا واداشت تا دست به قلم باشم و اگر حالا راحت می‌توانم بنویسم همه‌اش به همان روزها و جمالزاده‌خوانی و آل احمدخوانی باز می‌گردد و همین اتفاق باعث شده است به همه دوستانی که علاقه‌مند به نویسندگی اینگونه مقولات هستند همیشه جمالزاده و آل احمد را توصیه کرده‌ام.

و همین علاقه‌مندی به جمالزاده باعث شد تا پس از گذشت این سال‌ها یاد او را در مراسمی که توسط دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد برای خودم زنده کنم.

این مراسم به مناسبت یاد روز درگذشت جمالزاده برگزار شد. این مراسم که در تالار کمال دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شکل گرفت با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی برگزار شد. اینکه در این جلسه بسیاری سرپا ایستادند، اینکه اطلاع‌رسانی برگزاری ضعیف بود و اینکه جلسه به معرفی جمالزاده گذشت شاید خیلی مهم نباشد اما نبود رشته‌هایی چون داستان‌نویسی و یا نویسندگی خلاق که رشته‌هایی بسیار قابل توجه در بسیاری از دانشگاههای معتبر جهانی است نکته‌ای است دقیق و قابل توجه!

گزارش

رضا پاکزاد

تحول فرهنگی در ایلام

در استان مرزی ایلام، طی سالیان اخیر، علیرغم مشکلاتی که پیش رو بوده، در عرصه کتابخوانی، احداث کتابخانه، چاپ و نشر کتاب و برپایی نمایشگاههای کتاب و انجمن‌های مختلف فرهنگی و ادبی فعالیت‌های خوبی صورت گرفته است. احداث کتابخانه «آیت‌الله حیدری» با ۴۵ هزار جلد کتاب در شهر ایلام و برپایی چندین دوره نمایشگاه کتاب، وجود ۱۳ ناشر و به وجود آمدن چندین انجمن علمی و ادبی از جمله این فعالیت‌هاست.

طی چند سال گذشته نویسندگان و بزرگان عرصه قلم در این استان به چاپ و نشر آثار خود اقدام کرده‌اند که در نوع خود یک جهش بزرگ فرهنگی در استان محسوب می‌شود. شاعران و نویسندگان استان، طی این سال‌ها با فعالیت‌های چشمگیر و حضور در عرصه‌های مختلف فرهنگی در سطح کشور، استان ایلام را در آستانه یک تحول فرهنگی قرار داده‌اند.

«لقمان کُرده» یکی از قدیمی‌ترین کتابفروشان شهر ایلام که حالا دیگر کتابفروشی معمولی‌اش را به یک نمایشگاه دائمی کتاب تبدیل کرده، می‌گوید: طی چند سال اخیر در زمینه‌های فرهنگی در استان، اتفاقات بسیار خوبی افتاده است و رویکرد مردم به کتابخوانی بیش از گذشته شده، به طوری که نمایشگاههای سالانه کتاب در استان با استقبال بسیار خوبی روبه‌رو می‌شود.

او در مورد اینکه چه نوع کتاب‌هایی بیشتر مورد اقبال مردم استان قرار می‌گیرد، می‌افزاید: اخیراً کتاب‌های رمان و شعر و همچنین روانشناسی به ترتیب از فروش بیشتری نسبت به دیگر کتاب‌ها برخوردار هستند و رویکرد جوانترها به کتاب‌های شعر بیش از گذشته شده است.

«کُرده» با انتقاد از عدم حمایت مسؤولان استان از جامعه کتابفروشان اظهار می‌کند: با توجه به تحولات فرهنگی به وجود آمده، انتظار ما از مسؤولان بیش از اینهاست. ما در ابتدای راه هستیم و آنها باید دست ما را بگیرند و در زمینه‌های فرهنگی به جلو ببرند تا فرهنگ کتابخوانی بیش از پیش در اذهان مردم جا بیفتد. ما می‌خواهیم مسؤولان استان بیش از حد موجود، فضا را برای حضور کتابفروشان استان در نمایشگاههای کتاب فراهم کنند زیرا ما ذائقه فرهنگی مردم را بهتر می‌شناسیم. در حال حاضر ۱۵ هزار عنوان کتاب در نمایشگاه ما وجود دارد و آمادگی کامل خود را برای حضور در عرصه‌های مختلف کتاب اعلام می‌کنیم.

وی می‌گوید: طبق قانون، کتابفروشانی که از اداره کل ارشاد مجوز فعالیت دارند از پرداخت مالیات معاف هستند اما هنوز در استان ایلام، کتابفروشان از پرداخت مالیات معاف نشده‌اند و مسؤولان نیز هیچ تلاشی در این زمینه نکرده‌اند.

خداداد ابراهیمی نویسنده و مترجم و از فعالان فرهنگی استان نیز در این زمینه معتقد است، وضعیت استان طی چند سال اخیر در زمینه کتابخوانی بسیار بهتر از گذشته شده، هر چند تا رسیدن به وضع مطلوب هنوز راه زیادی داریم، اما بروز این تحولات بسیار امیدوارکننده است.

این نویسنده، با اشاره به اینکه جا افتادن فرهنگ کتابخوانی در استان نیازمند بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی است می‌گوید: تا زمانی که مسؤولان فرهنگی استان زمینه‌های لازم را برای مهیا شدن یک محیط باز فرهنگی فراهم نکنند احساس نیاز جدی در جوانان استان برای روی آوردن به سمت کتاب ایجاد نخواهد شد.

وی خاطرنشان می‌سازد: در این عرصه در استان تلاش‌هایی جدی صورت گرفته اما کافی نیست. باید بیش از اینها در راه اعتلای فرهنگی استان برنامه‌ریزی و هزینه کرد. مسؤولان نیز مطمئن باشند این تلاش‌ها جواب خواهد داد زیرا جوانان ما تشنه دانایی هستند.

در حال حاضر بیش از ده کتابفروشی فعال در ایلام وجود دارد و بیش از سیزده ناشر نیز در زمینه چاپ و نشر به صورت محدود فعالیت دارند.

ایلام

گلی مقبـه

شیوه های نوشتن برای کودکان

کتاب‌هایی که برای کودکان هستند معمولاً کوتاهند، کودکان اغلب خودشان هم کوتاهند و این تصور به وجود می‌آید که بچه‌ها مغزهای کوچکی دارند و نوشتن برای آنها آسان است. اما حقیقت عکس این است. بچه‌ها مغزهای بزرگ و فعالی دارند و نوشتن برای آنها خیلی سخت است، حتی سخت‌تر از نوشتن برای بزرگترها. برای بچه‌ها فقط «بهترین» کافی است؛ بهترین کلمه در بهترین جمله و بهترین شخصیت در بهترین داستان.

ما به خواندن کتاب‌های بچه‌ها احتیاج داریم

قبل از اینکه به دست به کار شویم بهتر است با کتاب‌هایی که فروششان زیاد است و به طور معمول بچه‌ها آنها را ستایش می‌کنند آشنا شویم. اگر این کار را نکنیم، کتاب‌هایی شبیه کارهایی که خیلی وقت پیش خواندیم، زمانی که بچه بودیم، می‌نویسیم؛ کتاب‌هایی که از مد افتاده‌اند و فراموش شده‌اند. همچنین خواندن و مرور کردن کتاب‌هایی که خیلی وقت پیش نوشته شده‌اند اما هنوز رایجند، خیلی مفید است. خواندن کتاب‌هایی که پنج سال، ده سال، بیست یا حتی پنجاه سال از چاپشان می‌گذرد و هنوز محبوبند.

کتاب‌های قدیمی خیلی چیزها به ما یاد می‌دهند. کمی فکر کنیم تا داستان‌ها و قصه‌های عامیانه‌ای را که وقتی بچه بودیم دوست داشتیم به یاد بیاوریم. داستان‌های قدیمی چه چیزی دارند که سایر کتاب‌ها ندارند؟

چشم اندازیک کتاب خوب برای بچه ها

۱-دردسر
۲-یکی از این دو موضوع وجود دارد، غریبه‌ای که به شهر می‌آید یا کنجکاوی
۳-شخصیت‌هایی که خواننده عمیقاً به آنها توجه می‌کند
۴-یک موضوع جهانی که از یک بچه در هر کجای جهان صحبت می‌کند
۵-کلمات مناسب در جای مناسب
۶-نصیحت کردن ممنوع
۸-راهنمایی‌های هوشیارانه برای زندگی در جهان امروز
۹-صحنه‌ای که روی حس خواننده یا شنونده اثر می‌گذارد
۱۰-استفاده عجیب یا غیر منتظره از زبان
۱۱-یک داستان پیچیده که احتیاج دارد ذهن در جزئیات دقیق باشد، در حل مشکلات فعال باشد و راه‌حل‌های غیرقابل پیش‌بینی را پیدا کند و بتواند با لحظات احساسی بخوبی بازی کند
۱۲-خلق یک الگوی ناب به وسیله ریتم یا تکرار
۱۳-بچه‌ها آن وقت می‌گویند «دوباره بخوان!» و وقتی کتاب تمام می‌شود.

ایده‌ها از کجا می‌آیند؟

فهرست بالا خیلی خوب است اما سؤالی که اغلب از نویسنده‌ها پرسیده می‌شود و به عنوان یک راز همیشگی بوده، بهتر است افشا شود و همه درباره آن بدانند. «ایده‌ها از کجا گرفته می‌شوند؟» تجربیات من می‌گوید ایده‌ها حاصل تفکر نیست. ایده‌ها از لحظه‌های ناگهانی یا خاطرات نویسنده می‌آید. بعد هم به کمک تصورات، ما را به سمت داستان‌های بزرگی که حس و ذهن دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌برد. داستان‌ها از تصورات منظم ما به وجود می‌آیند. آنها معمولاً درباره یک موضوع فوق‌العاده نیستند.

آنها امروز اینجا هستند و فردا از یاد می‌روند. هیچکس آنها در بزرگسالی به یاد نمی‌آورد. به هر حال، وقتی داستان‌های قدیمی را می‌خوانیم ما را به خنده یا گریه وادار می‌کنند و هراس، وحشت و شادی‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد.

تصور من این است که رد ایده‌های این نوشته‌ها را می‌شود در لحظه‌های اصلی زندگی نویسنده گرفت. داستان‌های قدیمی کیفیت‌های مختلفی دارند. آنها الان اینجا هستند، فردا هستند و روزهای بعد هم اینجا می‌مانند. کودکان قصه‌های عامیانه را دوست دارند و آنها را به خاطر می‌سپرند.

قصه‌های عامیانه کاری بیشتر از سرگرمی انجام می‌دهند. آنها بچه‌ها را به حرکت درمی‌آورند، علاقه‌مند می‌کنند و در قلب آنها باقی می‌مانند. گاهی اوقات بچه‌ها آنها را در بزرگسالی کلمه به کلمه به یاد می‌آورند.

برای پیدا کردن اتفاقی که می‌تواند اساس یک داستان باشد، بهتر است تجربه‌های حسی قوی‌مان را برای دوستانمان یا نویسنده‌ها تعریف کنیم و بعد شروع کنیم به نوشتن آنها.

برای چه کسی می‌نویسیم

به نظر می‌رسد واضح است که ما برای بچه‌های کوچک می‌نویسیم. پس بهتر است سؤالمان را این طوری بپرسیم «برای چه کسی نمی‌نویسیم؟»

برای خودمان که نمی‌نویسیم. برای تحت تأثیر قراردادن منتقدان هم که نمی‌نویسیم. همچنین برای دانشگاهها هم می‌نویسیم و برای معلم‌ها، دوستانمان و بزرگترها. ما برای بچه‌هایی که همسن ما بودند هم نمی‌نویسیم؛ آن بچه‌ها بزرگ شدند و ما شدیم. ما برای بچه‌هایی می‌نویسیم که الان کوچکند، در آغاز قرن ۲۱، برای بچه‌های کوچک تمام جهان که هفت ساله یا کوچکترند.

بیایید صادق باشیم: چرا برای بچه‌ها می‌نویسیم؟

ما درست از نقطه آغاز احتیاج داریم صادقانه بگوییم: «چرا برای بچه‌ها می‌نویسیم؟» اگر می‌نویسیم تا نصیحتشان کنیم، بهشان درس بدهیم، حمایتشان کنیم، طبقه‌بندی‌اشان کنیم، کنار بزنیمشان یا استعدادهای خودمان را نشان دهیم، کاملاً اشتباه است. ما نیاز داریم انگیزه‌هایمان را بدانیم. ما نمی‌خواهیم متمدن در سطح سواد دانشگاهی باشد یا راه نجاتی برای پایان دادن به اشتباهاتمان در دنیا باشد.

ما به جای اینکه با شعبده‌بازی آنها را به خواندن علاقه‌مند کنیم، برایشان می‌نویسیم. ما در نوشته‌هایمان به آنها آگاهی می‌دهیم، سرگرمشان می‌کنیم، شادشان می‌کنیم و روی حس‌های آنها اثر می‌گذاریم. ما در متن‌هایمان می‌خواهیم یک خیال شاد برای آنها بسازیم اما ممکن است همزمان تصورات و ارزش‌های آنها را کم اهمیت جلوه دهیم. برای مثال، ممکن است ما در بین داستانمان بهشان بگوییم: «تو فکر می‌کنی به جهان حکومت می‌کنی؟ یا «دوباره فکر کن عزیز دلم!»

البته در آخر داستان ما همیشه می‌خواهیم با ایده‌هایمان حس خوبی به بچه‌ها درباره خودشان و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بدهیم. آنها خیلی کوچکند برای اینکه اجازه داده شود که جور دیگری حس کنند.

نویسنده‌های کتاب‌های خوب برای بچه‌ها همزمان معلم‌های خواندن و نوشتن هستند. اگرچه آنها خودشان این را بدانند یا نه. کتاب خوب، خواندن را خیلی آسان‌تر از یک کتاب بد آموزش می‌دهد. بنابراین برای ما مهم است جمله‌های روانی را بنویسیم که قابل فهم باشند، موزون باشند و تا حد امکان قابل تکرار باشند. نیازی نیست که کلماتی را که خودمان استفاده می‌کنیم، دستکاری کنیم. بچه‌ها احتیاج دارند که وقتی خودشان کتاب را می‌خوانند، با کلماتی که تا حالا برخورد نکرده‌اند روبه‌رو شوند.

وقتی ما کتاب خواندن یک بزرگسال را به تصویر می‌کشیم، یکی از هدف‌هایمان این است که ارتباط بین خواننده و کودک که کتاب برای اوست قوی شود. در حالی که یک داستان می‌شنویم، به آنها کمک می‌کنیم همدیگر را دوست داشته باشند؛ با شناختی بیشتر از آنچه حس می‌کردند دارند.

و در آخر، سخت صادق باشید. اجازه بدهید فراموش کنیم که ما حق داریم برای پول درآوردن نویسنده شویم. این احمقانه است که برای «هیچ چیز» کار کنیم و خودمان را در جهان ثبت کنیم و مدام اعتماد به نفسمان را بالا ببریم.

ما حق داریم همه چیز به دست بیاوریم؛ اگر بدانیم چرا می‌نویسیم. آن وقت به حرکتمان ادامه می‌دهیم.

سمیرا سامانی

کتاب‌های مذهبی؛ از تفسیر تا داستان

۱۷۰ اسکناس هزار تومانی را می‌شمرد و به فروشنده می‌دهد. اشتباه نکنید، چند عنوان یا یک عنوان چند جلدی نیست بلکه تنها یک جلد کتاب است که بی‌شک داشتن کاغذ، خط، تذهیب، صحافی، جلد و قاب درجه یک آن قیمتی اینچنینی بر روی آن گذاشته است و وقتی پیشتر... بخش ناشران نمایشگاه بین‌المللی قرآن فضای مناسبی جهت آشنایی با کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی ایجاد کرده که در گزارش زیر سعی شده با وجود این امکان نگاهی اجمالی به شرایط و جایگاه این عرصه از نشر شود.

کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی شاید بارزترین مثال در گستردگی و تنوع در حوزه نشر هستند، متن‌های تحقیقی- تفسیری و داستان‌های دینی و ادعیه با مخاطب اندیشمند و عام، شاهد این مدعا هستند. اما به واقع این تنوع و گستردگی در مخاطب و محتوا چقدر بیانگر جایگاه واقعی این حوزه در عرصه نشر است.

شمس فراهانی مدیر مسؤول انتشارات فراهانی که از سال ۱۳۴۰ در عرصه نشر کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی حضور دارد، می‌گوید: «می‌خواهید چه چیزی را بدانید، مگر آن موقع که برای چاپ تفسیر «مجمع البیان» ۲۰۰ میلیون تومان هزینه کردم، کسی پرسید چرا؟ در حالی که آنان که باید بدانند، می‌دانند که اگر سرمایه‌ام را در خرید خانه کلنگی انداخته بودم به سال نرسیده چند ده برابر می‌شد که الان آمده‌اید سراغ جایگاهش را می‌گیرید؟» حرف‌هایش با اشاره به انبار پر از کتابش پایان نمی‌گیرد بلکه با چشم‌هایی خندان می‌گوید: «بنویس، قصد دارم این کتاب را به انگلیسی و فرانسه چاپ کنم.»

حرکت در این عرصه با چنین پشتوانه فکری و عقیدتی قطعاً نتایج مثبتی خواهد داشت اما به واقع حرکت‌هایی در این سطح چقدر انجام می‌گیرد؟ به عبارتی تا چه میزان قابل تعمیم به فعالیت دیگر ناشران این حوزه است؟

سید عباس حسینی مدیر مسؤول دارالثقلین که از سال ۱۳۷۱ در عرصه نشر کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی فعال است، می‌گوید: «اکثر ناشران به دنبال کسب سود از طریق کتاب‌های مشتری‌دار هستند. در حوزه علوم قرآنی برخلاف سایر حوزه‌های نشر، اقبال عمومی بیشتر متوجه کتاب‌های قدیمی چه از نظر محتوا و چه از نظر نگارنده است. بنابراین اکثر ناشران تمایلی به یک حرکت ابتدا به ساکن ندارند.»

وی همچنین با اشاره به تعداد بالای کارهای مشابه و مشابه‌سازی در حوزه کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی می‌گوید: «هیچ امنیتی برای حقوق ناشرانی که کار جدیدی انجام می‌دهند، وجود ندارد. گاه بعد از گذشت مدتی که روی کتابی چه از نظر مالی و چه از نظر معنوی سرمایه‌گذاری می‌شود تا جایگاه خود را پیدا کند، مشاهده می‌شود که ناشری با تغییرات اندک به چاپ مشابهی از آن بدون توجه به حقوق ناشر نخست می‌پردازد.»

حمید بلوری مدیر انتشارات کتاب «ام مبین» که از ۴ سال پیش در گیلان پا به عرصه نشر کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی گذاشته است می‌گوید: «در حالی که چاپ‌های متنوع قرآن، تبدیل به یک کار تجاری پرسود و منفعت شده است و از سوی دیگر فروش یک کتاب علمی- تحقیقی بین ۲ تا ۴ سال به طول می‌انجامد، قطعاً حرکت در این عرصه روزبه‌روز محدودتر می‌شود.»

بلوری که انتشارات کتاب «ام مبین» را در راستای تحقیق در عرصه علوم قرآنی می‌داند، می‌گوید: «نه ما و نه همکاران هم عقیده ما به تصور یک کار پرسود و منفعت پا به این عرصه نگذاشته‌ایم، اما تصور ورشکستگی نیز نداشتیم. ما فقط می‌خواهیم در این عرصه پایدار بمانیم.»

کتاب‌های سطحی و عامه‌پسند در تمامی حوزه‌های نشر، معمول است و کتاب‌های علوم قرآنی و مذهبی نیز از این اصل مستثنا نیستند، ما به واقع توجه به این دست کتاب‌ها به چه میزان به طبع ناشران و به چه میزان به طبع خوانندگان برمی‌گردد؟

صریحترین پاسخ به این سؤال شاید گفته رضا نیک‌نام مدیر انتشارات ویرا باشد. وی معتقد است: «در جامعه‌ای که سطح دیندارى با حفظ آیات قرآن سنجیده می‌شود، دیگر جایی برای تعمق و تأمل شکل نمی‌گیرد، مگر با تجدید در سیاست‌های کلان فرهنگی، ذائقه مردم تغییر یابد.»

جعفر اسدیان که سال‌هاست در انتشارات به نشر آستان قدس فعالیت می‌کند، می‌گوید: «خیلی اوقات مخاطب در میان این همه ناشر و کتاب نیاز خود را پیدا نمی‌کند. پس قبل از هر حرکتی باید نیاز جامعه شناسایی شود تا اولویت جامعه مشخص شود، در غیر این صورت یا کتابی برای خواندن وجود نخواهد داشت و یا خواننده‌ای برای کتاب‌ها وجود نخواهد داشت.»

تقاضای بدون عرضه و عرضه بدون تقاضا در اکثر حوزه‌های نشر دیده می‌شود اما به گفته سید هاشم سجادی مدیر انتشارات حضور، جامعه اسلامی و نقص در منابع علوم دینی جای سؤال و بررسی اساسی دارد. وی حل این معضل را در گروی مبارزه با ضعف اطلاعاتی ناشر و مخاطب می‌داند.

چند قدم آن طرفتر ۵ اسکناس هزار تومانی برای درک بخشی از عمق مفاهیم و تفسیر قرآن، ۱۷۰ هزارتومانی کافی است، اما دست‌ها چنان به کف جیب چسبیده‌اند که گویی راهی برای خروج از آن وجود ندارد.

شکیبا حقیقی

نمایشگاه قرآن ، اقبال ناشران و مخاطبان

نزدیک شدن به روزها و شب‌های آخر ماه مبارک رمضان برای اهالی نشر و هنر در ارتباط با قرآن یعنی پایان یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم. نامراسم اختتامیه نمایشگاه چند روزی بیش نمانده و این در حالی است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هر شب شلوغ‌تر می‌شود. هر چند که شاید این اتفاق به ایرانی بودن ما و آن خصلت دقیقه نودی بودن بر می‌گردد!

در هر صورت در این آخرین شب‌های یازدهمین نمایشگاه، حضور علاقه‌مندان و مشتاقان آقدر زیاد است که شاید مسؤولان را به این فکر بیندازد که سال دیگر نمایشگاه را در مکانی مناسب‌تر مستقر کنند. قولی که هر سال می‌دهند و همچنین شاید آنها را متوجه این نکته کند که با توجه به این همه اشتیاق و علاقه‌مندی احتمالاً نگارخانه زیر برج آزادی جای مناسبی برای نمایشگاه دائمی قرآن کریم نیست.

کمی تا قسمتی بین‌المللی

امسال در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم شاهد حضور ۲۲ میهمان خارجی از ۱۷ کشور جهان بودیم. امسال در بخش بین‌الملل کشورهایی چون ژاپن، ترکیه، آلمان، روسیه، مغرب، نیجریه، لبنان، کویت، اتیوپی، پاکستان، سودان، مصر، چین، امارات متحده عربی و بوسنی و هرزگوین حضور داشته‌اند. البته از اواخر هفته دوم به بعد نمایشگاه، فقط تابلوی بخش بین‌الملل را بر روی یکی از دیوارها می‌توان مشاهده کرد و این تابلو حکایت از آن دارد که نمایشگاه امسال کمی تا اندکی بین‌المللی بوده است. در عین حال حضور شخصیت‌های برجسته‌ای چون محمدالحیش نماینده مجلس و استاد علوم قرآنی از سوریه، خانم پورخواه مترجم بزرگ قرآن کریم به زبان روسی، فتحی یکن استاد بزرگ قرآن کریم از مصر، دکتر باشار استور نماینده مجلس و استاد علوم قرآنی از ترکیه و محمدعیسی خلفان خطاط برجسته اماراتی در بخش بین‌الملل نمایشگاه امسال قابل توجه بوده است.

هنر در خدمت قرآن در نمایشگاه

بخش هنرهای سنتی نمایشگاه قرآن کریم امسال با عرضه نزدیک به ۴۰۰ اثر هنری توانسته است جالب توجه‌ترین قسمت باشد و این در حالی است که آثار هنری نمایشگاه امسال نسبت به سال گذشته حدود یک و نیم برابر افزایش یافته است. در این بخش آثار هنرمندان خوشنویس با حدود ۱۹۰ اثر تقریباً نیمی از مجموعه آثار هنرهای سنتی قرآنی نمایشگاه را به خود اختصاص داده و نیم دیگر این آثار به هنرهایی در زمینه سفال، معرق، منبت، سرامیک، کاشی، نگارگری، قلمزنی، سوزن‌دوزی، شیشه گری، نازک‌کاری، ملیله‌کاری، مینا، خاتم و زری‌بافی اختصاص یافته است.

البته دیدن کارگاههای هنری دایر در نمایشگاه با حضور هنرمندان لطف دیگری دارد که در این میان می‌توان به حضور استاد محمود فراهانی تقاش اشاره نمود. استاد فراهانی یکی از شاگردان استاد حسین قولفر آغاسی بوده است و از هنرمندان صاحبنام عرصه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. این هنرمند پیشکسوت در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برای بازدیدکنندگان سرگذشت حضرت ابراهیم را نقاشی می‌کند و قرار است که این موضوع را در هشت مجلس و تا پایان ماه مبارک رمضان به پایان برساند. استاد فراهانی در حال حاضر در بخش آثار هنری نمایشگاه قرآن به خلق اثر خود می‌پردازد.

از دیگر آثار هنری و با ارزش ارائه شده در یازدهمین نمایشگاه قرآن کریم «قرآن الفی» است که این قرآن نتیجه ۱۴ ماه زحمت و تلاش هنرمندان ایرانی به خط مرحوم نبیزی در بخش فروش است. متن این قرآن در ۳۰۱ صفحه و هر صفحه در ۱۶ سطر در قطع رحلی بزرگ تنظیم شده و با ترجمه مقابل از مرحوم الهی قمشه‌ای به چاپ رسیده است. تذهیب این قرآن اثر افسانه خلیفی است که در ۱۱ رنگ در صفحات ابتدایی و در ۶ رنگ در بقیه صفحات، حاشیه متن قرآن را مزین کرده است. نمایش طولانی‌ترین قرآن جهان نیز یکی دیگر از آثار هنری باارزش این نمایشگاه است. نگارش این قرآن طویل در اندازه نزدیک به یک کیلومتر توسط هنرمند خوشنویس علیرضا اسکندری آغاز شده است. این قرآن و تنها قرآن به خط معلی است که نگارش آن از تابستان امسال آغاز شده و اگر به همین صورت ادامه یابد تا نمایشگاه سال آینده مراحل نهایی آن انجام خواهد شد.

صفحاتی از این قرآن در ابعاد هر صفحه ۲۵×۱۵ متر به نمایش در آمده است که جنس صفحات آن از پارچه مقوال است. اسکندری کاتب این قرآن که کار تذهیب و رنگ کردن آن را نیز خودش انجام می‌دهد، گفته است: «در نگارش این قرآن سعی کردم کلمات خوانا باشد چرا که در خط معلی نوشتن کلمات به صورت پشت سر هم کاری دشوار است.» آغاز نگارش این قرآن از جزء سی‌ام است و اکنون قسمت‌هایی از سوره نبأ از این قرآن به نمایش درآمده است.

نگارش جزء سی‌ام قرآن به خط معلی توسط سعید نقاشیان نیز از دیگر فعالیت‌های بخش هنری است. نقاشیان که حضور در شب‌های قدر را بهانه کتابت این بخش از قرآن می‌داند می‌گوید: «شاید نوشتن کل قرآن برای هر خوشنویس افتخاری باشد.» او که صاحب تابلوهای مختلفی در نمایشگاه است مشغول کتابت جزء سی‌ام قرآن بر روی کاغذهایی به قطع ۸۳ نیز می‌باشد.

چهار جلد قرآنی مزین به آیات قرآن و تذهیب با نام‌های هوشمند، جلال جم، اقبال خوشبختی و همای سعادت تابلوهای باارزش و قابل توجهی هستند که توسط بانوی نگارگر ایرانی ام‌البنین جعفری در این نمایشگاه در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است. جعفری از جمله هنرمندان پرکاری است که در ۵ سال گذشته با ارائه آثار جدید هر سال در نمایشگاه قرآن حضور داشته است. آثار

این هنرمند در بخش بانوان و در بخش میراث فرهنگی به نمایش درآمده‌اند. کوچکترین قرآن جهان نیز از دیگر آثار عرضه‌شده در یازدهمین نمایشگاه قرآن است. این قرآن در ابعاد ۸×۵ میلیمتر در ۴۰۰ صفحه توسط رائین اکبر خانزاده کتابت شده است.

این هنرمند علاوه بر نگارش کوچکترین قرآن جهان توانسته آیاتی از قرآن را بر روی دانه‌های شکر، تار مو و برنج کتابت کند. او در نگارش کوچکترین قرآن جهان با چشم غیرمسلح از مداد معمولی استفاده نموده است.

قطعاتی از قرآن‌های خطی منسوب به ائمه در بخش قرآن‌های خطی در یازدهمین نمایشگاه قرآن کریم نیز بسیار جالب توجه است. بخشی از قرآن کریم به خط کوفی منسوب به امام هادی(ع)، قرآن کریم به خط کوفی منسوب به امام حسن(ع)، یک برگ قرآن کریم به خط کوفی منسوب به حضرت علی(ع)، بخشی از قرآن کریم به خط کوفی روی پوست منسوب به امام حسین(ع)، ناممهر شاه‌اسماعیل صفوی و دعای الصباح منسوب به حضرت علی(ع) از آثاری است که در این بخش از نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

تابلوی ۷۲ «بسم‌الله الرحمن الرحیم» نیز از دیگر آثار باارزشی است که در بخش جوان نمایشگاه در معرض دید قرار گرفته است. این تابلوی معرق که توسط «روح‌الله

رادفر» طراحی و اجرا شده است، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. نگارش زیارت عاشورا در ۱۴ سطر به نیت ۱۴ معصوم، معرق‌کاری آیه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» به ۳۴ زبان، تکرار اسم جلاله «الله» به تعداد ۳۱۳ بار به نیت ۳۱۳ تن از یاران امام زمان (عج)، از جمله نکاتی است که در این تابلو به چشم می‌خورد. در هر صورت وجود آثار هنری باارزش دیگری که معرفی همه آنها در این فرصت مقدور نمی‌باشد، شاید جالب توجه‌ترین و مهمترین اتفاق یازدهمین نمایشگاه قرآن کریم باشد.

کتاب‌های جدید قرآنی

حضور ۱۰۱ ناشر در بخش فروش یازدهمین نمایشگاه قرآن کریم نیز از دیگر قسمت‌هایی است که بسیار مورد توجه مخاطبان و بازدیدکنندگان واقع شده است. ناشران علوم قرآنی امسال با حضور ۱۱ مؤسسه و ۱۰۱ ناشر حدود ۷ هزار عنوان کتاب عرضه کرده‌اند که تقریباً ۵۰۰ عنوان به انواع قرآن اختصاص یافته است. با توجه به آنکه در نمایشگاه سال گذشته ۶۷ ناشر در نمایشگاه حضور داشتند، تعداد ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه امسال حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است.

البته در کنار بخش فروش کتاب‌های دینی و قرآنی بخشی هم به معرفی جدیدترین کتب علوم قرآنی در بخش آثار مکتوب اختصاص یافته است. در این بخش جدیدترین آثار ناشران داخلی در حوزه علوم و معارف قرآنی در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. در این بخش کتاب‌هایی که برای نخستین بار در زمینه علوم و معارف قرآنی در سال ۸۱ و نیمه نخست سال ۸۲ روانه بازار نشر شده‌اند، با هدف معرفی این آثار به علاقه‌مندان مطالعات و پژوهش‌های قرآنی عرضه شده است. بر اساس آمار ارائه شده از سوی خانه کتاب، در نیمه اول سال ۱۳۸۱ حدود یک هزار و ۱۷۱ عنوان کتاب در زمینه علوم و معارف قرآنی به چاپ رسیده است که از این تعداد ۵۳۲ عنوان چاپ اول بوده است.

کودکان قرآن را دوست دارند

بخش کودک و نوجوان نمایشگاه امسال نیز بسیار جالب توجه و متنوع بوده است.

پایگاه بازی‌های رایانه‌ای قرآنی برای کودکان و نوجوانان در همین بخش فرصت مناسبی برای تفریح و آشنایی با مفاهیم قرآنی برای کودکان و نوجوانان بوده است. در این پایگاه نرم‌افزارهای قرآنی با محتوای بازی، قصه، جدول و دیگر موضوعات قرآنی خاص کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند با حضور در بخش کودک و نوجوان از این خدمات استفاده کنند. نمایش فیلم‌هایی با مضامین دینی و قرآنی از دیگر فعالیت‌های این بخش است.

کارگاههای بخش کودک و نوجوان نمایشگاه نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کارگاههای نقاشی، خطاطی و سفالگری فرصتی است تا کودکان مفاهیم قرآنی و دینی را با همراهی مربیان اجرا نمایند. در همین بخش از نمایشگاه مسؤولان در یک اقدام ابتکاری اتفاق جالبی را تدارک دیده‌اند. در این بخش، کودکان و نوجوانان می‌توانند در یک فضای دوستانه با قاریان نوجوان و کودک کشور که دارای مقام‌های ممتاز استانی و کشوری هستند دیدار کنند و با هم عکس یادگاری بگیرند.

این عکس‌ها در سایت اینترنتی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان و همچنین در سایت اینترنتی نمایشگاه قرآن به نمایش درمی‌آیند.

شیوا اویش

کتابخانه‌های مساجد را دریابیم

قرار بود گزارشی از کتابخانه‌های مساجد تهیه کنم. اینکه می‌بایست از کجا شروع می‌کردم کار سختی بود. بنابراین فکر کردم قبل از هر چیز، گزارشی با تحقیقی پیدا کنم تا در این زمینه بتواند کمکم کند. اولین جایی که به ذهنم رسید کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که فکر می‌کردم بهترین مکان برای پیدا کردن نیازمندی‌هایم باشد. تا رسیدن به کتابخانه وزارت ارشاد یاد دوران خردسالی و نوجوانی و کتابخانه مسجد محل افتادم. یادش بخیر، کتابخانه مسجد بهانه‌ای بود که حداقل هفته‌ای دو بار به آنجا می‌رفتم و شاید کتابخوانی و علاقه‌مندی به کتاب هم از همانجا شروع شد. کتابخانه مسجد محل، اولین کتابخانه‌ای بود که عضو آنجا شدم. هیچ‌وقت یادم نمی‌رود وقتی کارت عضویت کتابخانه را گرفتم احساس می‌کردم که خیلی مهم شده‌ام یا این که اتفاق مهمی در زندگی‌ام افتاده است که در واقع افتاده بود، چراکه عضویت در کتابخانه مسجد این فرصت را فراهم کرد تا هفته‌ای دو جلد کتاب بخوانم و بعد از آن بود که کار به هفته‌ای سه جلد و چهار جلد هم کشید و بعد عاشق کتاب و مطالعه شدن. جلسات کتابخوانی و مسابقات کتابخوانی از دیگر فعالیت‌های جذاب آن سال‌ها بود که در کتابخانه مسجد شکل می‌گرفت و جوایز هم طبق معمول کتاب بود و ما هم که عاشق کتابخانه مسجد شده بودیم کتاب‌های خودمان را به هماهنگ هدیه می‌کردیم. البته با امضا و این جمله که «من این کتاب را به کتابخانه مسجد هدیه می‌کنم» و چقدر لذت می‌بردیم آن سال‌ها و فکر می‌کنم که حالا هر چقدر کتابخان شدم به خاطر همان روزها و آن مربّی باسواد و مهربان بوده است که سال‌هاست خبری از او ندارم.

به کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌رسم و همه برگه‌دان‌ها را جست‌وجو می‌کنم چه موضوعی و چه نام، اما فقط دو عنوان کتاب در ارتباط با مساجد و کتابخانه‌ها پیدا می‌کنم که یکی از آنها موجود نیست و دیگری هم که اثری از استاد مکی است به کتابخانه‌های بزرگ جهان اسلام می‌پردازد و نام هیچ کتابخانه‌ای از مساجد ایران در آن دیده نمی‌شود. وقتی از کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مأیوس می‌شوم سراغ مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌روم با این امید که آنجا حتماً گزارش، آمار و ارقام و مطالب قابل توجهی در این رابطه پیدا کنم خصوصاً اینکه می‌دانستم آن مرکز ماهنامه‌ای با عنوان «مسجد» نیز منتشر می‌کند. مستقیم سراغ بخش مربوط به نشریه مسجد می‌روم که می‌گویند هیچ اطلاعی درباره کتابخانه‌های مساجد ندارند و پس از کل بررسی نمایه‌های مجله مسجد به دو گزارش درباره کتابخانه‌های مساجد برمی‌خورم. البته اول خوشحال می‌شوم چراکه عنوان گزارش‌ها «کتابخانه‌های مساجد را دریابیم» و «کتابخانه‌های مساجد» بود اما هر دو مطلب فوق یادداشت‌های کوتاهی بودند که به هیچ عنوان کمکی به تهیه گزارش من نمی‌کردند. اما این خبر که مربوط به سال ۱۳۷۰ بود بهانه رفتن به معاونت فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد را فراهم می‌کند خبر این بود: بزودی یک کتابخانه مرکزی مساجد تأسیس می‌شود. مسؤول فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد که ظاهراً بازنگی به این سمت منصوب شده است نیز از کم و کیف کتابخانه‌های مساجد اطلاعی ندارد و پس از تماس تلفنی با مرکز آمار و ارقام می‌گوید که اطلاعات کامپیوتری این مرکز نیز به نام مسجد، منطقه و نام امام جماعت محدود است و این سؤال برای من باقی می‌ماند که وقتی معاونت فرهنگی مرکز امور رسیدگی به مساجد خبری از کتابخانه‌های مساجد ندارد چه جای دیگری می‌تواند پاسخگو باشد؟ یک هفته گذشته است و هنوز موفق نشده‌ام گزارشم را تکمیل کنم به جز اولین جمله‌ای که برای مقدمه‌اش نوشته‌ام: کتابخانه‌های مساجد را دریابیم!

یادداشت

راشین خیریه

تصویرگران خلاق

تصویرسازی در واقع هنری است که منحصرآبه آرایش کتاب ختم نمی شود و در حقیقت نوعی زبان بصری است که رسالتی فراتر از زینت و آرایش صفحات کتاب دارد. تصویر با کودک حرف می زند و قصد دارد کودک را با مفاهیم پنهان و آشکار داستان آشنا کند. خواندن داستان و سپس دیدن تصاویر باعث می شود که قدرت تخیل کودک به جنبش در آید. به بیان دیگر دیدن تصاویر ارزشمند در کودکی موجب بالا رفتن سواد بصری کودک می شود که نقش مهمی در خلاقیت او در سال های آتی دارد. تصویرگر کودک را با دنیای خیالی آشنا می کند و او را تشویق به تفکر و خلق کردن می کند.

تصویرگر بویژه تصویرگر کتاب کودک، سعی می کند به بهترین شکل، داستان و شخصیت های داستان را به تصویر بکشد تا کودک بهتری از متن و هدف داستان داشته باشد. بنابراین او باید سعی کند تصاویر کتابش یکنواخت و خسته کننده نباشد و در عین حال که دارای ریتم و وحدت و انسجام است گاهی هم از تکنیک ها و ترفندهای جالبی برای تحرک بخشیدن به داستان استفاده کند. به عقیده من عنصر طنز و شیرینی نباید از تصاویر دور شوند. در واقع تصویرگر کتاب کودک تمام داستان را به تصویر نمی کشد بلکه این فرصت را به کودک می دهد تا در مورد قسمت هایی از داستان که تصویر ندارند در ذهن خود تصویری خیالی مجسم کند.

تصویرگر باید آگاهی کاملی از توانایی های خود داشته باشد تا به کمک آنها بتواند استعدادش را در به تصویر کشیدن شاخه مشخصی از کتاب آرایی به کار ببرد. همانطور که می دانید تصویرگری به دو شاخه کلی، تصویرگری تخیلی و غیرتخیلی تقسیم می شود و در این میان انتخاب گروههای سینما متناسب با داستان نقش مهمی را در کار تصویرگر بازی می کند. به این ترتیب تصویرگر خلاق باید با توجه به فضای داستان هر روز کاری جدیدتر و دیدی تازه تر به دنیا و اطرافش داشته باشد.

امیدوارم انجمن تصویرگران ایران بتواند وظیفه حمایت و پشتیبانی تصویرگران جوان را به خوبی ایفا کند تا تصویرگران توانای ایرانی بدون دغدغه های جانبی فکر خود را به کشف توانایی های خود و خلق آثاری در خور توجه، متمرکز کنند. به عقیده من تصویرگران ایرانی هیچ چیز کمتر از تصویرگران سایر کشورها ندارند زیرا من امسال در نمایشگاه تصویرگری براتیسلاوا BIB حضور داشتم و دیدم که غرفه ایران در سطح بالایی با غرفه های خارجی رقابت می کرد و کارها بسیار مورد توجه داوران خارجی بود. تنها در قسمت تولید کتاب ضعف های بزرگی از قبیل انتخاب کاغذ، نظارت بر کیفیت چاپ و البته کپی رایت و حق الزحمه تصویرگر داریم.

درضمن حضور تصویرگران در نمایشگاههای خارجی فرصتی بسیار ارزشمند و مفید قلمداد است که امیدواریم انجمن تصویرگران اندیشه ای در این زمینه داشته باشند.

کتاب و کار

مرتضی قدیمی

با راشین خیریه تصویرساز کتاب های کودکان و نوجوانان

جایزه برای تخیل و نگاه ویژه

همه چیز برای راشین خیریه از هنرستان گرافیک شروع می شود. روزی یکی از معلم های هنرستان می گوید کتابی را انتخاب کنید و آن را از نو تصویرگری کنید و راشین کتاب «گربه من نازنازیه» را برمی دارد و همه چیزش را عوض می کند و بعد از تمام شدن کارش فکر می کند به تصویرگری کتاب های کودکان و نوجوانان علاقه مند است. تا چند وقت پیش فقط کودکان و نوجوانان بودند که راشین را از تصویرهایش در کتاب هایی چون «کلوچه خانم»، «سری که بی کلاه ماند» و «چوپان ستاره شناس» می شناختند اما جایزه کنکور نوماى ژاپن در بخش جنبی نمایشگاه دوسالانه تصویرسازی در براتیسلاوای اسلواکی (BIB) بهانه ای شد که بسیاری از اهالی نشر کتاب های کودک و نوجوان و همچنین فعالان عرصه گرافیک نیز با نام و چهره با این دختر خنده رو و پرتلاش آشنا شوند.

جایزه راشین، کارهای جدیدش و تصویرگری برای کتاب های کودک و نوجوان بهانه ای بود تا یکی دو ساعت قبل از افطار با او بنشینیم و گفت وگویی داشته باشیم

اما علاقه مندی من به کتاب و داستان های کودکان و بیان خاطرات توسط راشین باعث شد تا حدودی آن طور که باید گفت وگویمان جدی و شاید هم مثل گفت وگوهایی که سر کلاس یاد گرفته بودم نباشد.

راشین خیریه که در کار خود از اعتماد به نفس بسیار بالایی برخوردار است با کارهایش توانسته در همین یکی دو سال اخیر نظر بسیاری از ناشران را جلب کند، تا آنجا که پس از تصویرگری چندین کتاب، جدیدآبر اساس طرحی داستانی در ذهن خودش تصویرهایی را خلق نموده است و در حال نوشتن داستان برای آن تصویرهاست.

راشین که فارغ التحصیل رشته گرافیک است از وضعیت موجود برای ادامه تحصیل گله می کند و می گوید این اتفاق خوبی نیست، در رشته هایی چون تصویر سازی که آزمون عملی نیز دارند، امتحان عملی در مرحله دوم انجام می شود.

راشین در انجام کارهایش متنی را انتخاب می کند که آن را دوست داشته باشد و بتواند از عهده اش برآید. او در انجام کارهایش از نگاه و نیز تکنیک هایی متفاوت استفاده می کند تا ایجاد خلاقیت کند.

او که تلاشی برای تصویرگری کتاب های بزرگسالان نیز داشته است تصور می کند در تصویرگری کتاب های کودکان و نوجوانان موفقتر است او استفاده از رنگ های شاد، فرم متفاوت و نگاهی خاص و در ارتباط با فضای زندگی کودکان و نوجوانان را از مشخصه های تصویرگری کتاب های کودکان و نوجوانان می داند.

راشین خیریه که در سال ۱۳۸۱ مقام نخست پنجمین بی ینال تصویرگری کتاب کودک در تهران را نیز کسب کرده است و فکر می کند رسیدن به یک تصویر خوب و موفق نتیجه تأثیر متقابل نویسنده و تصویرگر است تا آنجا که گاهی اوقات یک تصویر موفق می تواند تغییراتی در متن ایجاد کند همان طور که متن بستر ایجاد تصویر است. او می گوید البته قبل از نویسنده سفارش دهنده بوده است و به مرور این دیدگاه ایجاد شده که خلق یک کتاب مؤثر و جذاب نتیجه تلاش نویسنده و تصویرگر با متن و تصویر است و این اتفاق زمانی شکل می گیرد که هر دوی اینها تأثیر متقابل داشته باشند.

این تصویرگر جوان تخیل را یکی از مهمترین عوامل پیدا کردن تصاویری متفاوت و نیز جذاب برای شخصیت های داستانی می داند و در عین حال حضور در فضاهایی نزدیک به داستان را نیز بسیار مهم می داند تا آنجا که برای تصویرگری کتاب کندوان به این روستا در آذربایجان رفت تا از نزدیک با محیط آشنا شود. البته او استفاده از فیلم و مطالعات جانبی در مورد موضوع مورد نظر برای تصویرگری را نیز مناسب می داند. او برای تصویرگری جدیدترین اثرش که توسط شورای کتاب کودک به سفارش یونیسف ویژه معلولان تهیه شده است از تعدادی فیلم های تلویزیونی بسیار بهره برده است.

به نظر خیریه متن خوب، نگاه تازه، تکنیک جدید، فکر نو، شخصیت های جذاب و جدید همه می توانند از جمله عوامل یک تصویر موفق باشند. او فکر می کند متن می تواند بسیار ساده باشد ولی تصویرگر با خلق یک تصویر فوق العاده اتفاق با ارزشی را ایجاد می کند.

به اعتقاد او تصویر در کتاب های کودک و نوجوان برخلاف کتاب های بزرگسالان از ملزومات است چراکه یک تصویر خوب و موفق به درک متن و داستان کمک می کند، هر چند که تصور می کند بزرگسالان نیز به تصویر علاقه مند هستند.

گویا بودن تصاویر، رو بودن مفاهیم، وجود طنز، استفاده از فرم های مدرن و در عین حال پارامترهای شرقی از مشخصات کارهای راشین خیریه است.

«زنگوله» و «اتوبوس قرمز» نوشته سرور کتبی از جمله کتاب هایی است که خیریه برای آنها تصویرگری کرده است و زیر چاپ هستند، او همچنین مجموعه دو جلدی «غذاهای فراری» نوشته محمدرضا شمس را نیز که توسط انتشارات به نشر منتشر می شود و به آموزش زندگی حیوانات می پردازد تصویرسازی کرده است.

«گرگ بدبخت» طرح دیگری است که داستان و تصویرگری آن توسط خود راشین در حال اجراست. طرح اولیه این داستان نیز براساس قصه «گرگم و گله می برم» شکل گرفته است، این تصویرگر موفق جایگاه تصویرگری کتاب کودک در ایران را بسیار موفق می داند و تصور می کند اگر چاپ خوب و متن خوب هم وجود داشته باشد در عرصه ادبیات کودک و نوجوان بسیار موفق خواهیم بود. او که سفارشی هم از یک ناشر ژاپنی پذیرفته است می گوید اگر ملیت را در نظر نگیریم و کار به سادگی پیش برود تصویر می تواند جهانی باشد و مورد توجه همه کودکان قرار گیرد.

«پیوند دو دریا»، «قاصدکها چه کاره اند» و «سربالایی سرپایینی» از دیگر کتاب های این هنرمند است که تاکنون چاپ شده اند. راشین که حضور مادرش و تشویق های اساتیدی چون استاد مثقالی و استاد همتی آهویی را در کسب موفقیت هایش بسیار مؤثر می داند در جواب به این سؤال که چه تعریفی از یک تصویرگر موفق دارید می خندد و می گوید چقدر سؤال های سخت می کنید و بعد می گوید به عقیده من تصویرگر موفق یعنی بهرام خائف.

خبر

رئوس یک پژوهش فرهنگی

وضعیت کتابخانه های عمومی کشور

کیفیت و کارایی کتابخانه های عمومی کشور ۲/۱۴ درصد است که این نسبت در کشورهای پیشرفته ۲۴ درصد است.

براساس پژوهشی که در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته، کمتر کتابخانه ای در کشور وجود دارد که کتاب هایی در خود جای داده باشد که حداکثر ۱۰ماه از زمان انتشار آنها می گذرد، بلکه بیشتر کتاب ها قدیمی است و با پیشرفت علمی روز مطابقت ندارد.

در گزارش این تحقیق با اشاره به اینکه سرانه مطالعه در کشور ما براساس مطالعات گذشته ۲ دقیقه اعلام شده آماده است، از آنجا که ۷۰ درصد جمعیت کشور ایران زیر ۳۰ سال هستند، لازم است تنوع موجود در کتاب ها رعایت شود؛ چرا که پوشش دادن تمام سلایق نیازمند تنوع کتاب هاست.

این گزارش می افزاید: ۷۰ درصد مراجعان به کتابخانه های عمومی عقیده دارند که تنوع موضوعی کتاب های موجود در کتابخانه ها در جلب و جذب مخاطبان جوان اهمیت بسیار دارد.

همچنین براساس اعلام اتحادیه بین المللی انجمن های کتابداری لازم است تا برای هر نفر عضو کتابخانه ۳ جلد کتاب در کتابخانه ها موجود باشد که این تعداد برای هر عضو در ایران یک جلد کتاب است.

از سوی دیگر، وجود یک سوم نیروی شاغل در کتابخانه ها با تخصصی کتابداری ضرورت دارد، در حالی که در کشور ما در بهترین شرایط ۱۰ تا ۲۰ درصد کارکنان کتابخانه ها صاحب تخصص و مدرک دانشگاهی هستند.

آیندگان

فرید امین‌الاسلام

زیبایی‌شناسی خودویرانگری

بی‌تا ملکوتی، متولد ۱۳۵۲، فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی تئاتر، گرایش ادبیات نمایشی در سال ۷۶ از سال ۷۶ به عنوان منتقد تئاتر در مطبوعات شروع به کار کرد؛ در نشریاتی نظیر حیات نو، گزارش فیلم، عصر آزادگان، ملت ایران، همشهری، صحنه و هم‌اکنون مسؤول بخش تئاتر مجله هفت است. از سال ۷۵ به طور جدی به داستان‌نویسی و شعر پرداخت که حاصل آن یک مجموعه شعری به نام مسیح و «زمزمه‌های دفتر شاهنامه» است و مجموعه داستان تابوت خالی که مشتمل بر دوازده داستان کوتاه است. او به عنوان کارگردان تئاتر سه نمایش را به روی صحنه برده است. گفت‌وگوی زیر به بهانه چاپ اولین مجموعه داستان او انجام گرفته است.

اسم مجموعه داستان تابوت خالی را از روی داستان اول انتخاب کرده‌اید. لطفاً علت آن را توضیح دهید، آیا این اسم، یک استعاره است؟

ابتدا اسم مجموعه داستان را انتخاب کردم و در مراحل پایانی، تصمیم گرفتم که داستان تابوت خالی، داستان اول باشد. شاید توضیح علتش کمی سخت باشد که چرا تابوت خالی داستان اول مجموعه شد.

مهم‌ترینش حس خودم بود شاید و دیگر آن که به لحاظ ساختار و فرم، چکیده داستان‌های دیگر است البته نه قطعی. در خود داستان اینکه آن را داستان اول کتاب قرار خواهم داد، عنوان شده. به نوعی مرز میان دو راوی و مؤلف در هم تنیده شده که شاید برای ادبیات، تکنیک نویی به حساب آید. اما در مورد استعاره بودن، ممکن است در کنار عناصر دیگری که منجر به نوعی ادبیات با واسطه می‌شود، قرار گیرد. شکلی دگرگونه از تجربیات شخصی و جمعی که استعاره در کارکردی مدرن، جزئی از آن است. ادبیات غیر مستقیم، ادبیاتی است که می‌پسندم.

چون عنصر زبان همراه با نثر پاکیزه خصیصه اصلی داستان‌های شماست، درک پیام و حرف داستان در دل تکنیک‌های به کار رفته، مشکل می‌شود برای شما مضمون داستان مهمتر است یا تکنیک یا فرم بیانی آن؟ مضمون و آیا به خاطر همین شما مخاطب داستان‌های خود را مخاطب خاص می‌دانید؟

بحث مخاطب عام و مخاطب خاص دیگر کلیشه شده است. به آن معنای به کار گرفته شده در این روزگار به مرزبندی مخاطب خاص و عام اعتقادی ندارم اما شاید به دلیل علاقه شدیدم به فرم، زبان و تکنیک، آثارم را بتوان در گروه آثار پیچیده و کمی جدی به حساب آورد. من به کشف در اثر هنری معتقدم و سهل‌الوصول بودن برایم نوعی کسالت و ملال به بار می‌آورد. از اینکه از الف تا ی را بنویسم و به مخاطب اجازه ندهم خودش را در حیطه تخیل، تصور و تفکر شود و از آنجا که معتقدم مفاهیم، مضامین و تم‌ها تکراری هستند و مکرراً تکرار می‌شوند به نوع بیان آنها بیشتر فکر می‌کنم و اینکه در فرم و ساختار به چیز جدیدتری برسم. چیزی که در یک چارچوب هنری بگنجد.

اثر هنری باید از بیان گرایی پرهیز کند. اگر چه هر فرمی، محتوایی را پیش می‌آورد. حتی آبستره‌ترین آثار در لایه‌های پنهانی خود، مضمونی را بیان می‌کنند و یا نمایش می‌دهند. اگر مخاطب موفق به کشف کلیدها و کدهای زیبایی‌شناسانه هر اثر بشود، آن اثر از نظر من موفق است. در ادبیات، زبان مهمترین ابزار هنرمند است. اما چگونگی برخورد با آن است که هر اثری را نسبت به اثر دیگر متمایز می‌کند.

در اکثر داستان‌های شما عنصر آتش همراه با فعل «سوختن» به یک موتیف تبدیل شده است. آیا این مسأله عمدی یا آگاهانه بوده یا خیر؟

«سوختن» فعلی است که چه به لحاظ فیزیکی و چه به معنای متافیزیکی‌اش، همیشه با آن برخورد کرده‌ام. اما از آن جا که دوست ندارم، سعی کرده‌ام در ادبیّت متن داستان‌ها، جای خودش را بیابد. میل به خودسوزی یا خودویران گیری در حیطه

رفتارشناسی و روان کاوی مردم ما، به کارشناسان امور اجتماعی مربوط است، آن چیزی که به من به‌عنوان یک نویسنده مربوط است، پیدا کردن چارچوبی زیبایی‌شناسانه برای آن است.

پیدا کردن لایه‌های بعدی و پنهان مانده از زوایای یک زندگی، یک زندگی که شاید روزمره و مثل همه باشد. این خود ویرانگری که محصول صدها عامل بیرونی و درونی است، چیزی است که می‌بینم و با تمام وجود حس می‌کنم. شاید تلخ به نظر بیاید و این تلخی‌اش به مذاق بسیاری از منتقدان خوش نیاید ولی اولین اصل نویسنده بودن، صداقت است. حتی اگر بسیاری از اوقات به ضرر شخص تمام شود که می‌شود. اگر آتش و سوختن در داستان‌های من تبدیل به موتیف شده است، بخش اعظمش ناخودآگاه بوده است و البته بخشی آگاهانه. این همان چیزی است که بر نسل من می‌رود. نسلی که از آرمان و سیاست و پند و اندرز دوری می‌جوید. شاید اگر به شعار و مانیفست و فریاد و عربده اعتقاد داشتم، مقاله می‌نوشتم. اثر هنری حتی در بی‌قاعده‌ترین شکلش، چارچوبی دارد، اگر عصیانی دیده می‌شود، سعی کرده‌ام چارچوبی برایش پیدا کنم که در آن جای بگیرد.

راوی‌های داستان‌های مجموعه با تکنیک‌های متفاوت، داستان‌ها را روایت می‌کنند اما نثر و زبان داستان‌ها با هم تفاوت عمده‌ای ندارند. آیا این مطلب را قبول دارید؟

من به ادبیات اعتراف بسیار علاقه‌مندم، مانند آثار مارگریت دوراس. این برمی‌گردد به همان بحث نامعلوم بودن مرز راوی و مؤلف. البته به نظرم نمی‌آید که راوی‌های تمام داستان‌هایم، زبان مشابهی داشته باشند. راوی داستان اژدها با راوی داستان «اوردوز» خیلی متفاوت است. همان طور که راوی داستان تابوت خالی با راوی داستان به علاوه. البته قصد دفاع از این کتاب را ندارم این دیگر مربوط می‌شود به نظر منتقدان. اما حلقه‌هایی این دوازده داستان را به هم مربوط می‌کند چه در فرم و چه در محتوا. به عمد جملاتی را در داستان‌ها تکرار کرده‌ام. تصویری، رنگی، دیالوگی، ویرانی و ویران کردن نیز، محور اصلی تمام آنهاست. در ضمن در این دوازده داستان طبقه‌ای را انتخاب کرده‌ام که نزدیک به هم هستند. طبقه متوسط جامعه. این طبقه تقریباً دایره لغات و واژگانشان مشابه است. طبقه‌ای که کمتر به آن پرداخته‌اند. بیشتر ادبیات ما یا به طبقه مرفه و بالادست.

با توجه به اینکه روایت در داستان اژدها با قصه‌گویی گرایش دارد، البته یک قصه استعاری، به نظر شما تفاوت داستان و قصه در چیست و چرا در این داستان روایت به قصه‌گویی گرایش پیدا کرده است؟

هیچ گاه برای نوشتن یک داستان از تم شروع نمی‌کنم. دیدن یک تصویر، شنیدن یک اسم، یک حس جادویی زودگذر، چهره یک آدم و خیلی چیزهای دیگر برایم می‌تواند آغاز یک داستان کوتاه باشد. اما داستان اژدها شاید تنها داستان من است که ابتدا به مضمونش فکر کردم و به خط روایی‌اش؛ روایتی به قول شما استعاری که شاید به اسطوره هم پهلو می‌زند. پیدا کردن قالبی برای آن سخت بود. می‌خواستم از حالت افسانه‌گویی در بیاید و در عین انتزاعی بودن قابل درک شود. حتی اگر باورپذیر نباشد. فرق قصه و داستان که دیگر خود شما بهتر می‌دانید. همان قصه شاه مرد ملکه مرد است. می‌خواستم طرح و توطئه داشته باشد و نقشه داستانی‌اش درست پیاده شود اما غیر معمول. نمی‌خواستم زبانش قلمبه سلمبه شود. همان کاری که اکثر نویسنده‌هایی که می‌خواهند به اسطوره پهلو بزنند، از آن استفاده می‌کنند. می‌خواستم این پیچیدگی در پیرنگش باشد. در نتیجه داستان اژدها قصه نیست. روایتش هم تمثیلی نیست. شاید روایتی نمادین باشد.

بعضی از داستان‌هایتان را تقدیم کرده‌اید به آدم‌های خاص اما «کشتی مست» را به هنده سالگی آرتور رمبو تقدیم کرده‌اید، علت چیست؟

کشتی مست نام یک شعر معروف از آرتور رمبو است. جرقه آن داستان بعد از خواندن آن شعر جادویی زده شد. علت تقدیمش به آرتور رمبو جدا از آن که شاعر محبوب من است به این علت است.

از چاپ و توزیع کتابتان راضی هستید؟

از چاپ آن راضی هستم اما نوزیعش... این مشکل اکثر نویسنده‌هایی است که کارهای اول یا دومشان به بازار کتاب می‌آید. اکثر کتابفروشی‌ها قبول نمی‌کنند. مخصوصاً اگر از طریق پخش کننده‌ای باشد که با آن کار نمی‌کنند. اما فقط کافی است که همان کتاب در مطبوعات و محافل زیاد نقد بشود یا در یکی از جوایز ادبی کاندیدا شود، آن وقت همه کتابفروشی‌های ریز و درشت، دربه‌در به دنبالش می‌افتند. معیار جوایز ادبی است. حکایت غریبی است.

کارگاه

لیلا صادقی

داستان زبانگرا و معناگرا

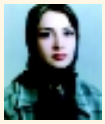

لیلا صادقی، ۲۸ فروردین ۱۳۵۶ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات و علوم انسانی آغاز کرد، سپس مطالعه متون ادبی کهن را در مقطع کارشناسی ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد و یک سال پس از فارغ‌التحصیلی، اولین کتاب او با نام «ضمیر چهارم شخص مفرد» (۱۳۷۹)، نشر هامون) پا به دنیای ادبیات گذاشت.

سبک و ساختار اولین اثر او که در مرز میان رمان و داستان بلند قرار دارد، تجربه‌ای بود در زمینه ادبیات زبانی و نیز ورود تصاویر به دنیای متن. حضور تصاویر و ساختارهای مرتبط داستانی در مجموعه شصت داستان او با نام «وقتم کن که بگذرم» (۱۳۸۰، نشر نیلوفر) ادامه یافت که در عین حال به طور متفاوتی حتی نسبت به اثر قبلی خود او، ارائه شد.

«اگه اون لیلاست، پس من کی‌ام؟» (۱۳۸۱، نشر آوا سرا) مجموعه ۱۱ داستانی است که نام نمام شخصیت‌های اصلی هر کدام لیلاست. مجموعه شصت داستان برگردان از نویسنده آمریکایی، مارک استانلی بوبین با نام «وهم بزرگ من زیر نظرم!» به صورت دو زبانه در ۱۳۸۱ توسط نشر آوا سرا به بازار آمد که آن نیز صورت جدیدی از داستانک‌های چند کلمه‌ای بود.

لیلا صادقی اکنون در رشته مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد تحصیل می‌کند. او زبان پهلوی را در محضر استاد فریدون جنیدی آموخته که کاربرد آن در ضمیر چهارم شخص مفرد دیده می‌شود. زبان عربی، زبان دوم او به شمار می‌رود که در وقتم کن که بگذرم نمونه‌های کارکرد زبان عربی محاوره در کنار فارسی مشهود است.

هر نویسنده‌ای، ادبیات خاصی دارد و داستان‌هایی که می‌نویسد، بر اساس نگرشی است که به ادبیات و داستان به‌طور کلی دارد. از آنجا که تازگی و نواندیشی، همیشه قابل تأمل و تجربه است، فکر می‌کنم ادبیات زبانی تنها ادبیاتی است که قابلیت تجربی بودن را دارد. ادبیات زبانی یعنی ادبیاتی که زبان در آن یکی از عناصر داستان است و همپای شخصیت‌پردازی و طرح و گره و غیره، نقش ایفا می‌کند. حتی شاید بشود گفت که همه اتفاق‌های داستانی در زبان داستان رخ می‌دهد. بدین معنا که این نوع ادبیات به دنبال بیان کردن موضوع‌های اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه هر موضوعی در اینگونه متون در زبان رخ می‌دهد و در خود متن آفریده می‌شود، به طوری که خواننده قادر به بازنمایی آن نخواهد بود، بلکه آن را هم‌نمایی می‌کند. به عنوان مثال، اتفاقی در متن رخ می‌دهد که هیچگونه اشاره‌ای به بیرون از متن ندارد، ولی این ذهن خواننده است که به مقایسه متن و جهان می‌پردازد. از آنجا که زبان عنصری زایاست و کاربرد قواعد زبانی نامحدود است، می‌توان داستان‌های نامحدودی را در زبان جست‌وجو کرد. چرا که هر کلمه‌ای، داستانی برای خود دارد و نیز هر شیء در جهان بیرونی؛ که این داستان تا حدی از خلال زبان کشف می‌شود (زبانگرا) و تا حدی از خلال روابط اشیا با نگاه راوی (معناگرا). در فضای متن‌های زبانی، تقریباً همه چیز داستان است. در ظاهر به نظر می‌رسد که این متن‌ها روایت ندارند و داستانی را تعریف نمی‌کنند، یعنی قصه‌گویی نمی‌کنند. در صورتی که خود زبان در این متن‌ها، داستان است و نیازی به گفتن ندارد، بلکه قصه در ذهن خواننده پردازش می‌شود و تنها باید دید که همنشینی کلمه‌ها در چه صورتی می‌تواند نطفه داستانی را به تولد برساند.

این نوع ادبیات داستانی که هر بار در هر داستان فقط یک بار اتفاق می‌افتد، قابل نقد نیست. چرا که نقد، ارزیابی اثر نسبت به تعاریف قبلی است و داستان زبانی با داستان‌های پیش از خود قابل مقایسه نیست. برای خوانش ادبیات زبانی باید به قواعد و امکاناتی که متن پیش روی خواننده قرار می‌دهد، توجه کرد. هر جا متن از حداکثر امکانات خود استفاده کرده باشد، می‌توان آن را متنی دانست که نیروهای بالقوه‌اش، به فعل رسیده و هر جا امکانات متن کشف نشده و بی‌استفاده باقی مانده باشد، آن متن از پس خود برنیامده و همچنان بالقوه مانده است.

نکته جالب این است که خوانش (نقد!) این ادبیات داستانی مانند خود داستان‌ها تجربی است و هر بار به یک صورت اتفاق می‌افتد. ناگفته نماند که به دلیل ارتباط عمیق داستان با زبان و قدمت تاریخی زبان، لازم است که نویسنده با تاریخ زبان و شکل‌های اولیه آن، زبانشناسی و تمامی علومی آشنا باشد که با شکل‌گیری زبان به گونه‌ای در ارتباط هستند، مانند روانشناسی (ارتباط ذهن و زبان) و غیره، چراکه همه اینها بر ساخت زبان داستان و داستان زبانی تأثیر می‌گذارد. برای کشف داستان‌هایی که در دل زبان هستند، باید دانش زبانی آگاهانه داشت. از دیگر خصوصیات ادبیات زبانی، چند لایه بودن آن است که هر خواننده‌ای با توجه به سطح دانش خود با این داستان‌ها ارتباط برقرار می‌کند. کما اینکه بعضی‌ها این داستان‌ها را کاملاً بی‌معنی تلقی می‌کنند! نکته آخر اینکه، هیچ نویسنده‌ای همه آثارش زبانی نیست و در اینجا تنها متن و دانش جهان ناخودآگاه متن مطرح است.

سایر محمدی

دکتر پرویز ورجاوند به سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد و در رشته‌های نقشه‌برداری باستانشناسی و فوق‌لیسانس علوم اجتماعی تحصیل کرد. سپس در فرانسه مدرسه عالی لوور و دوره انستیتوی انسانشناسی را گذرانید و دکترایش را در زمینه «معماری هخامنشی و ارزش‌های ویژه آن در مقایسه با معماری یونان و مصر» از دانشگاه سوربن گرفت.

سپس مدرسه عالی تتبعات فرانسه را گذرانید: «Prutique Ecole des houter e'tude» دکتر ورجاوند تاکنون حدود بیست عنوان کتاب اعم از تألیف و ترجمه چاپ و منتشر کرده است. او مدتی مسؤولیت بخش پژوهش‌های مردمشناسی و ایلات و عشایر مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران را بر عهده داشت. به مقام استادی تمام وقت دانشگاه تهران رسید، بعد از انقلاب در دولت موقت مسؤولیت وزارت فرهنگ و هنر را داشت. او تا به امروز همچنان در کار پژوهش و نوشتن کتاب و مقاله‌های گوناگون در زمینه‌های علمی و مسائل سیاسی حضوری فعال دارد.

گفت‌وگو با دکتر پرویز ورجاوند

فرهنگ ، تاریخ و کتابی در راه

آقای دکتر، اولین کتاب شما چه بود و در چه سالی منتشر شد؟

اولین کتاب من در سال ۱۳۴۴ با عنوان «روش بررسی و شناخت علمی ایلات و عشایر» به عنوان یک اثر متدولوژی از طرف مؤسسه تحقیقات و علوم اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شد.

شما در چند حوزه کار می‌کنید و در هر حوزه نیز آثاری چاپ و منتشر کرده‌اید؟

کتاب‌های من مربوط به مسائل انسانشناسی و ایلات و عشایر، باستانشناسی و هنر، معماری، تاریخ و تحقیقات میدانی منطقه‌ای است. درباره معماری و باستانشناسی می‌توان به «سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی»، «خراسان و ماوراءالنهر - آسیای میانه»، «میراث‌های تمدن ایرانی در سرزمین‌های آسیایی شوروی». در مورد بررسی‌های باستانشناسی، تاریخی و منطقه‌ای می‌توان به «سرزمین قزوین» و کار سنگین سه جلدی «سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین» اشاره کرد. به اعتباری در مورد دوران صفویه به بعد، از نظر شرح ساختار سازمانی حکومت، تحولات اجتماعی، جریان‌های مذهبی، روابط سیاسی با قدرت‌های منطقه و جهان، سیر کوشش‌های علمی و... مطالب آن جنبه فراگیر برای همه ایران می‌تواند به شمار آید. «پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی» که دیدگاهی است درباره اهمیت نقش پدیده فرهنگ در کار توسعه همه جانبه یا توسعه پایدار.

در زمینه مردم‌شناسی تاکنون چند عنوان کتاب نوشته‌اید؟

اولین کتاب من در این زمینه در واقع متدولوژی یا روش بررسی علمی ایلات و عشایر است. بعد کتاب «بامدی طایفه‌ای از بختیاری» است که بر مبنای آن روش شناسی به صورت یک کار میدانی جمعی انجام گرفت. دیگری «سفرنامه جنوب» است که نمودهایی از زندگی مردم منطقه هرمزگان در آن بازتاب یافته.

از میان آثاری که تاکنون نوشته و منتشر کرده‌اید، کدام یک از دیدگاه مخاطبان موفق‌تر بوده است؟

اگر به اعتبار تجدید چاپ‌هایی که شده حساب کنیم. برخی از آنها به چاپ سوم و چهارم رسیده و شماری نیز چاپ دوم شده‌اند و هم اکنون سال هاست که نایاب هستند، مانند «سبک‌شناسی هنر معماری» و «سفرنامه جنوب» و «خراسان و ماوراءالنهر». کتاب‌های: «کاوش رصدخانه مراغه و نگاهی به دانش ستاره‌شناسی ایران» «پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی»، «سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین» و «ایران و قفقاز -اران و شروان» هر یک از منظری ویژگی‌هایی داشته‌اند که به آن اعتبار توجه خاصی را به خود جلب کرده‌اند.

درباره کتاب کاوش رصدخانه بگویید.

این کتاب که در قطع رحلی چاپ شده حاصل چند فصل کاوشی هیأتی است که از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ زیر نظر من در تپه رصدخانه مراغه به کاوش مشغول بوده است. کوشیده‌ام تا تمامی مراحل کاوش و واحدهای یافته شده را همراه با نقشه‌ها، طرح‌ها و عکس‌های سیاه و سفید و رنگی معرفی کنم و برای نخستین بار از کهن‌ترین مرکز پژوهش‌های ستاره‌شناسی جهان پرده برداشته شود. معرفی برج مرکزی به قطر ۲۳/۶۰ متر و «ربع جداری» آن که به اعتباری کهن‌ترین ابزار قراول روی در کار رصد بشمار می‌رود، همچنین معرفی شیشه‌های رنگی به دست آمده در کاوش که به عنوان «صافی» برای بررسی اجرام سماوی با طول موج‌های مختلف کاربرد داشته‌اند و توفیق به اندازه‌گیری و رسم منحنی هر یک از جمله مواردی در این کتاب است که برای پژوهشگران رشته فیزیک و اپتیک از اهمیت خاصی برخوردار است. آنچه در بخش‌های نخستین کتاب درباره پیشینه دانش ستاره‌شناسی ایران از دوران پیش از تاریخ تا زمان پایه‌گذاری مرکز علمی رصدخانه مراغه آورده شده توجه بسیاری از پژوهشگران،

◆ یک کار سنگین دارم که حدود چهل سال به طور متناوب رویش کار شده و امیدوارم که بزودی منتشر بشود

ویژه دانشجویان رشته نجوم و علاقه‌مندان پرشمار ستاره‌شناسی «آماتور» را به خود جلب ساخته است. این کتاب که سال‌ها نایاب بود هم اکنون با رفع برخی مشکلات آنچنانی با افزودن یک بخش به آن از سوی انتشارات امیرکبیر در دست تجدید چاپ است.

در زمینه هخامنشیان هم آیا اثری منتشر کرده‌اید؟

می‌دانید که پایان‌نامه دکترای من مربوط است به بررسی معماری دوران هخامنشیان از جنبه‌های مختلف و مقایسه آن از نظر نقشه (پلان)، سازه‌بنا، پوشش، مواد به کار برده شده، تزئینات، مدول معماری، و فضای مجموعه‌ها با آنچه که در هنر معماری و عصر با آن برخورد می‌کنیم. ولی هنوز توفیق ترجمه آن به فارسی و چاپش دست نداده است. اما در کتاب «خراسان و ماوراءالنهر آسیای میانه» بخش عمده‌ای به باستانشناسی دوران هخامنشی در آسیای مرکزی اختصاص دارد. در جزوه کوچکی به نام «سیمای تاریخ و فرهنگ ایران در موزه‌های اتحاد شوروی» که حاصل بازدیدهایم از شماری از موزه‌های اتحاد شوروی سابق براساس دعوت آکادمی علوم شوروی تدوین شده، آثار ایرانی این موزه‌ها، از جمله آثار چشمگیری از دوران هخامنشی معرفی شده است.

درباره کتاب «سبک‌شناسی معماری در سرزمین‌های اسلامی» بفرمایید که از چه منظری مورد توجه قرار گرفت؟

این کتاب عبارت است از ترجمه دو کتاب از دو مجموعه بسیار معتبر درباره سبک‌شناسی هنر معماری در دوران‌ها و سرزمین‌های مختلف در جهان. کتاب اول جزء مجموعه سیزده جلدی «دوران‌های مهم هنر معماری جهان» و کتاب دوم جزء مجموعه «اصول و قواعد سبک‌ها» است. این کتاب در حالی که می‌تواند پاسخگوی علاقه‌مندان به هنر سرزمین‌های اسلامی باشد، به دلیل نحوه برخورد با مطالب و شیوه کار نویسندگان، آگاهی‌هایی فراتر از شمار زیادی از کتاب‌های نوشته شده درباره جهان سرزمین‌های اسلامی در اختیار دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های باستان‌شناسی و معماری قرار می‌دهد و با جزئیات و جنبه‌های تحلیلی گسترده‌تری آنها را آشنا می‌سازد.

نویسنده این کتاب‌ها چه کسانی هستند؟

نویسنده کتاب اول «ج.هوگ» است که بجز ایران آثار سرزمین‌های مصر، شمال آفریقا و اسپانیا، آسیای کوچک و ترکیه عثمانی و اردن و عراق و سوریه را مورد بررسی قرار داده است. کتاب دوم زیر نظر چهره شناخته شده‌ای به نام «هانری مارتن» و به وسیله مؤسسه معروف «فلاماریون» انتشار یافته است.

کتاب‌هایی که در چند سال اخیر در زمینه هنر و تاریخ هنر منتشر می‌شوند به نوعی به هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی از اسپانیا گرفته تا اروپای شرقی می‌پردازند. رویایی که در کتاب «سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی» هست چه تفاوتی با کتاب‌های تاریخ هنر دارد؟

ببینید پاسخ به پرسش شما بحثی در خور را می‌طلبد که در حوصله این گفت‌وگو نمی‌گنجد. به طور کلی باید بگویم در کتاب‌هایی که به طور مستقل به بحث معماری می‌پردازند کوشش بر این است تا آثار هر دوران و هر سبکی در تمامی جنبه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد. از نقشه «پلان» گرفته تا اسکلت و سازه، نحوه پوشش، فضاسازی‌ها، مصالح به کار گرفته شده، گونه‌های مختلف تزئینات و... در حالی که در بیشتر موارد در کتاب‌های تاریخ هنر، بحث از معماری به گونه‌ای هم عرض دیگر زمینه‌های هنری مطرح می‌شود و بیشتر کوشش بر این است تا جنبه‌های زیبایی شناسی و تأثیرگذاری فضاهای درونی و نمای بیرونی مورد توجه قرار گیرد.

در مورد کتاب «پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی» بفرمایید چه مقولاتی در حوزه فرهنگ بیشتر مورد توجه شما بوده است؟

این کتاب را من با این دید نوشتم که ذهنیتی روشن‌تر برای کسانی که به پدیده توسعه می‌اندیشند و در آن زمینه کار می‌کنند به دست داده باشم. پیش از آن نیز پژوهشگران دیگری هم در این زمینه کارهایی کرده بودند و بیشتر آنها به این نتیجه رسیدند که پدیده توسعه و پیشرفت یا توسعه همه جانبه و یا به اعتبار امروز «توسعه پایدار» نمی‌تواند محقق شود مگر اینکه بتوانید بنیاد چنین توسعه‌ای را بر جنبه‌های فرهنگی جامعه استوار سازید. جامعه‌ای می‌تواند در پیشرفت و توسعه همه جانبه و پایدار توفیق پیدا کند که به مسائل فرهنگی در جامعه‌اش توجه ویژه داشته باشد و شناخت دقیق از روند حرکت خود داشته باشد. در حوزه فرهنگ هر قدر که کشورها کهن‌تر باشند، این مسأله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این سرزمین‌ها مردم باید بتوانند از فراز و فرود توان فرهنگی خود، آگاهی بیشتری به دست بیاورند. هر جامعه‌ای که از نظر فرهنگی پویایی گسترده‌تری داشته، باید شناخت ژرفتری نسبت به هویت فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی اش داشته باشد، تا بتواند آن ارزش‌ها را در مسیر پویاتر شدن به کار گیرد و همچنین بتواند فرهنگ روز خودش را با فرهنگ پیشرفته جهان در پیوند و ارتباط قرار دهد و اگر قدرت آفرینش خود را از دست داده باز یابد.

در فصل سوم درباره مسائلی چون: حفظ هویت فرهنگی چرا؟، یکسان‌سازی فرهنگی، میراث فرهنگی و قدرت آفرینش، نهضت ملی و بازگشت به خویش، سلطه‌گر و مقاومت فرهنگی ملی، حفظ هویت فرهنگی برای وداع با «فرهنگ تسلیم» و... سخن گفته شده است.

جایگاه فرهنگ غرب را در این کتاب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دنیای غرب سعی می‌کند این ذهنیت را به وجود بیاورد که جهان امروز راهی برای پیشرفت در پیش رو ندارد جز اینکه به فرهنگ غرب تکیه کند. من کوشیده‌ام بگویم، ضمن ارج نهادن بر ارزش‌هایی که در فرهنگ غرب بویژه از قرن شانزدهم به بعد سر برآورد، ما باید به عنوان ایرانی به ویژگی‌های فرهنگی ایران تکیه کنیم. آنچه که می‌گویند فرهنگ غرب، فرهنگ علمی و فرهنگ، تعالی بخش است و فرهنگ شرق بر اشراق استوار است، آیا درست است؟ با نمونه‌هایی نشان داده‌ام زمانی که جامعه غرب کوچکترین آگاهی نسبت به علوم محض نداشت، ما در حدود هزاره سوم قبل از میلاد معادلات چند مجهولی را به اعتبار گلنوشته‌هایی که در شوش به دست آمده می‌شناختیم و کشف کرده بودیم و در نگرش ایرانی، نگرش علمی و چند و چونی هزاران سال قبل وجود داشته است. این چنین نبود که جامعه ما با نگرش‌های اشراقی مطلق با قضایا برخورد کند.

نشان داده‌ام که تمدن‌های ایران و هند از توانایی‌های لازم برخوردار بوده‌اند و توانسته بودند به ژرفای موضوعات علمی دست بیابند.

در بخش مربوط به دیدگاه علمی در دوران اوستایی با نگاهی بر گاتها نشان داده شده که زرتشت راه رسیدن به همه آگاهی‌ها را اندوختن دانش می‌داند و همه نیروی مادی و معنوی خود را از ایزد دانش طلب می‌کند.

همچنین با اشاره به این بیت فردوسی در مورد کار با «جام جم» که گونه‌ای از اسطرلاب بوده و می‌گوید: «ز کار و نشان سپهر بلند - در او کرد پیدا، چه و چون و چند» نشان داده شده که توجه به ماهیت، کیفیت و کمیت اشیا و اجرام تا چه حد محور نگرش علمی در فرهنگ ایرانی برای بازشناسی پدیده‌ها و

ناشناخته های جهان بوده است. بنابراین عقب‌ماندگی های دو سده اخیر را نمی توان و نباید به تمامی طول تاریخ نسری داد.

برای جبران این فاصله ژرف امروز باید با تمامی توان در مسیر فراگرفتن دانش و تکنولوژی مغرب‌زمین تلاش کنیم و آگاهانه آن را مال خود سازیم، در عین حال از ارزش های فرهنگ و میراث گذشتگان خود هم غافل نشویم. فرهنگ گذشته ما در طول تاریخ به روی فرهنگ های دیگر گشوده بود و آنچه از فرهنگ های دیگر گرفته به طور کامل هضم کرده و پدیده‌ای به وجود آورده که شبیه فرهنگ دیگران نبوده و هویتی ایرانی دارد.

در تأیید نظر شما، ما در طول تاریخ نه تنها فرهنگ و زبان ایرانی را از دست نداده‌ایم بلکه بر فرهنگ اقوام دیگر هم تأثیر گذاشته‌ایم...

بله درست است. ما تنها ملتی بودیم که در برابر یورش های سهمگینی چون تجاوز غرب در عهد

باید با تمامی توان در مسیر فراگرفتن دانش و تکنولوژی مغرب‌زمین تلاش کنیم و آگاهانه آن را مال خود سازیم، در عین حال از ارزش‌های فرهنگ و میراث گذشتگان خود هم غافل نشویم

باستان، عرب ها و مغول نه تنها زبان و هویت تابناک فرهنگ خویش را حفظ ساختیم که در زمینه های کلان بر همه متجاوزان تأثیر گذار بوده ایم. پژوهشگران بسیاری برآنند که آیین مسیح در ابعادی گسترده بشدت تداوم آیین مهری ایران بوده، هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی به گونه‌ای وسیع از معماری ایرانی الگوبرداری کرده است و چهره های درخشانی چون: خوارزمی، ابوالوفا، بیرونی، پورسینا، جرجانی، خیام و.... در زمینه های گوناگون علم، پیشگام و ستاره های درخشانی بوده‌اند که بر دانش جهان هم زمان و قرن ها بعد تأثیرگذار بوده‌اند.

شما بحث گسترش پدیده‌های فرهنگی و سطحی غرب را در جوامع عقب مانده مطرح کرده‌اید؛ از شیوه لباس پوشیدن تا آرایش مو، از طرف دیگر غفلت نکردن از تکنولوژی و فرهنگ مولد را خاطرنشان می کنید. در زمینه فرهنگ مکتوب و کتاب هم چنین مشکلاتی رایج شده یعنی کتاب‌های عامه‌پسند و سطحی بیشتر از آثار جدی مورد توجه چنین جوامعی واقع می‌شود. در حالی که بسیاری از آثار خطی فارسی از دوران گذشته هنوز منتشر نشده و در کتابخانه‌ها خاک می‌خورد.

بخشی از این مسائلی که به آن اشاره کردید، به واقع مایه تأسف است. درباره آثار خطی که هنوز پس از قرن ها انتشار نیافته باید با یک نگرش درست با آنها برخورد کرد. یعنی آثاری هستند که فقط برای گروه معینی از پژوهشگران می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. به همین خاطر نباید در این زمینه سرمایه گذاری های بی جهت بشود. می توان برخی از این آثار را که باید به عنوان آثار مرجع در اختیار دانشگاهها و پژوهشگاهها و گروههای محقق قرار بگیرد، در شمارگان پایین چاپ و منتشر کرد. اما درباره آنچه که از غرب به صورت کتاب و به صورت مکتوب می آید و برخی از این کتاب ها، سطحی و مبتذل هستند، باید گفت ابتذال از جمله مسائلی است که جای بحث و بررسی های فراوان دارد. اینکه این آثار را الگو قرار بدهیم، نابخردانه است و اینکه جلو چاپ و انتشارشان را هم بگیریم، پدیده‌ایست که تا به حال شدنی نبوده و از این پس هم به هیچ وجه عملی نخواهد شد. اگر ترجمه یک کتاب و یا متن اصلی یک کتاب را با هر استدلالی که داشته باشید نگذارید وارد جامعه شود نتیجه بخش نخواهد بود.

چون براحتی متن چنین کتابی وارد رایانه ها می شود و در دسترس همه قرار می گیرد. بنابراین راه حل این است که شما بتوانید ذهن جامعه را در مورد پسند آثار و در مورد اینکه بتواند قدرت گزینش معقولی داشته باشد، آماده کنید. بعد هم همزمان باید قدرت پژوهشی جامعه را بالا ببرید و پژوهشگرانی بپرورانید که قدرت به نقد کشیدن علمی آثار را داشته باشند. ما باید پنجره های ارتباطی خود را با جهان گشوده بداریم و از سوی دیگر قدرت شناخت و آفرینش را در جامعه خود افزایش بخشیم. یک جامعه پویا از نظر فرهنگی از برخورد با دیگر فرهنگ ها هراس به خود راه نمی دهد. جهان امروز حصار کشیدن برگرد جامعه را برای دور نگهداشتن آن از ورزش دیگر فرهنگ ها برنمی تابد.

فکر می کنید برای رسیدن به چنین جایگاهی در حوزه فرهنگ چه باید کرد؟

ببینید، امروز همه به این واقعیت رسیده‌اند که حکومت های سلطه گر و ساختار حکومت هایی که اجازه رشد اندیشه را نمی دهند و اندیشه را با محدودیت های گوناگون به بند می کشند، نه تنها به تثبیت اوضاع به سود خویش یاری نمی دهند که در میان مدت، جامعه را به واکنشی شدید تا مرز آشفتگی غیرقابل مهار نیز پیش می برند.

از سوی دیگر با ایجاد محدودیت ها، ملت هایی چون ملت ایران را که تا حدود دو قرن پیش از پویایی فرهنگی برخوردار بوده است برای این فشار، بارکود مواجه می سازند و قدرت آفرینش از توان می افتد، در نتیجه با توجه به نفوذ و حضور گسترده و فزاینده قدرت های غربی، به خودباختگی دچار می گردد و در تمامی زمینه ها غرب را الگو قرار می دهد و از آن پیروی بی چون و چرا می کند، همان چیزی که به ظاهر، ساختارهای سلطه گر ادعا دارند که می خواهند جامعه را از آن راه دور بدارند.

بنابراین معتقدم برای آنکه بتوانیم فرهنگ امروز را ایران بار دیگر به خودباوری و پویایی برسانیم، راهی جز آن نداریم که آزادی اندیشه و قلم را پاس بداریم، به فضای آزاداندیشی در جامعه بال و پر دهیم و در کنار برخوردار ساختن جامعه از دانش و توان پیشرفته دنیای غرب، موجبات آشنایی گسترده ملت، بویژه نسل جوان را با فرهنگ ملی و ارزش های آن فراهم آوریم و همتی والا به خرج دهیم تا بار دیگر حوزه گسترده فرهنگ ایرانی را باز زنده سازی کنیم و بستری مناسب برای همه باشندگان گستره وسیع از کناره آمو تا اروند و از دربند تا سند فراهم آوریم تا به تکاپویی تازه برای آفرینشی دوباره بپردازند.

الان چه کتابی در دست انتشار دارید؟

یک کار سنگین دارم که حدود چهل سال به طور متناوب رویش کار شده و امیدوارم که بزودی منتشر بشود. این کتاب اولین الگویی است که مسائل مربوط به شکل گیری یک شهر و تحولات یک شهر را در طول ۱۷۰۰ سال در مراحل مختلف و اثراتی که از نظر نظامی، موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و عوامل فرهنگی و مذهبی بر روی بافت و شبکه بندیش گذارده شده مورد کند و کاو قرار می دهد. این کتاب مربوط می شود به شهر قزوین با آن کار سه جلدی که پیش از این عرضه کردم نشان داده‌ام که اگر کسی بخواهد با تحولات شهرسازی هر شهری در طول قرون آشنا بشود، باید چگونه از همه جهات با زندگی یک شهر و باشندگان آن در طول تاریخش آشنایی بیابد.

این کتاب جدید همراه با نقشه های مختلف، عکس های فراوان و اسناد پرشمار در دو جلد منتشر می شود. بخشی از این کتاب حدود ۵ سال وقت مرا گرفت تا به کمک اسناد و مدارک و قباله ها و عقدنامه ها، وصیت نامه ها، وقفنامه ها و عکس های قدیمی که با مشکل فراچنگ آورده بودم، بتوانم پلان دقیقی از شهر صفوی قزوین به دست بدهم. میدان شاه آن را که الگوی میدان نقش جهان اصفهان شده را باید پرسپکتیو عرضه کنم. و بالاخره برای اولین بار بتوانم درباره سبک نقاشی «مکتب قزوین» در دوره صفویه همراه با عکس ها و طرح های فراوان سخن بگویم.

یادداشت

رضا جولایی ـ انتشارات جویا

قضیه فرشته موکل بر خزاین باد و نمایشگاه کتاب

مدت هاست که خبر تعطیلی مکان فعلی نمایشگاه بین المللی کتاب و جابه جایی احتمالی آن را به نقطه ای پرت، با نگرانی دنبال می کنم و علی رغم خوشبینی نسبی بعضی از مسوولان شاهد حکم قاطعانه شهردار تهران هستم که عنوان دکترا و به ناچار فرهنگی بودن را هم بدک می کشند و محترمانه امر می کنند که، آقایان مشکل لاینحل ترافیک تهران، گره خورده به ده روز ایام برگزاری نمایشگاه کتاب و برای حل این مشکل بساط تان را جمع کنید و بروید دنبال کاری دیگر تا هم مشکل ترافیک و هم چند مشکل اجتماعی دیگر حل شود!

برای من که حدود بیست و چند سال قبل مانند بسیاری از ناشران دیگر، با افتخار پا به این شغل نهادم و علی رغم تمام موانع، با حداقل امکانات و نداشتن پشتوانه مالی و ارتباطات آنچنانی که بدبختانه رسم جاری اجتماع ماست، فراز و نشیب ها و بیشتر نشیب ها را تحمل کردم تا مفتخر به داشتن شغلی فرهنگی باشم، پذیرفتن این حکم ساده نیست و چیزی است در حد پذیرش تیر خلاص، نمایشگاه بین المللی کتاب برای ناشرانی که از امکانات گسترده پخش و روابط آنچنانی دولتی و رانت خواری برخوردار نیستند، سوای تعاملات فرهنگی، محلی بود برای تأمین بخشی از هزینه سالانه و سرمایه بر باد رفته، یا سرمایه‌ای که سود ناچیزی دارد و فروش مستقیم آن، در سال ما را برای مدتی سر پا نگه می داشت. اما ظاهراً می باید چند سالی مثل کولی ها بساط خود را احتمالاً در گوشه و کناری که از سر صدقه در اختیار ما می نهند پهن کنیم بعد هم تبعید شویم به نقطه‌ای دور افتاده که معلوم نیست چند سال دیگر روی رونق و آبادانی نمایشگاه فعلی را به خود خواهد دید و این از نظر حضرات آمر، یعنی به ارزش چیپس و پفک، بیسکویت و رب که هنوز هم خبر برگزاری نمایشگاهش را می شنویم و مشکل ترافیکی ایجاد نمی کند بسیار بالاتر است از کتاب. با وضعیت بحرانی کتاب مکرر به تأمل در احوال خود می پردازیم.

خیلی سخت است که آدم بعد از سال ها مبارزه با ضدارزش هایی که مبدل به ارزش شده بخواهد عقب گرد کند و حالا به خود- و فرزندانش که آنها را هم تشویق به کار فرهنگی کرده- بگوید شرمنده‌ام، اشتباه کردم پسرم، دخترم، شما هم باید زرنگ می شدید، عرضه به خرج می دادید، ارزش ها را زیر پا می گذاشتید، به حقوق دیگران تجاوز می کردید و به شغل شریف دلالی که هزاران نمونه آن فراوان به چشم می خورد می پرداختید. کار کتاب کار جانکاه و کشنده‌ای است که جز حسرت برای شما و اطرافیانتان چیزی باقی نمی گذارد.

خیلی سخت است بعد از این همه سال آنچنان وضعیت متزلزلی داشته باشی که با هر بادی بلرزی و آنچنان بلرزی که در ارزیابی ارزش هایت به تأسف برسی.

خیلی سخت است ببینی در جامعه‌ای شصت، هفتاد میلیونی، ارزش ها آنچنان بالا و پایین شده که کتاب خواندن و کتاب نوشتن و سرمایه گذاری در این مقوله فرهنگی کاری عبث و زاید از طرف جماعت تلقی شود، سهل است مسوولان نیز چنین بی اعتنا و متکبرانه با این قضیه برخورد کنند که در قبال درخواست ها و نامه های نمایندگان ناشران مصرانه بر اوامر قبلی خود تأکید کنند. البته شاید حق دارند، مصالح جامعه را که به خاطر ننه من غریبم بازی های یک عده آدم پرت و پلا فدا نمی کنند.

کتاب خواندن و کتاب نوشتن و تولید آن هم شد کار؟ آدم عاقل عمر و سرمایه‌اش را در این راه می گذارد؟ کار یعنی بساز و فروشی، یعنی برج سازی، بقیه معطلند و بعضی ها مثل ما ناشران، ول معطل.

می توان بدبینانه تر از اینها هم به این قضیه نگاه کرد. کافی است کمی صغرا و کبرا دنبال هم بچینیم و استدلال کنیم که با این ترتیب میان تعطیلی بعضی مراکز فرهنگی و نمایشگاه کتاب رابطه‌ای هست و بعضی مسوولان که علاقه‌ای به کتاب و گسترش فرهنگ مطالعه ندارند تصمیم به تعطیلی چندساله نمایشگاه کتاب و بعد تبعید آن به شورآباد فرهنگی گرفته اند، شاید در طی این مدت و بعد از آن به تدریج عادت نابسند تولید کتاب و کتابخوانی از سر بعضی ها بیفتد.

تولیدکنندگان این صنف هم اگر عرضه دارند بروند دلالی و اگر ندارند رو به قبله دراز بکشند و این بعد از توقف خریدهای گاه و بیگاه دولتی دومین ضربه مهلک است بر پیکر صنعت نشر. منتظر سومین ضربه هم که آزاد شدن قیمت کاغذ است باشید.

از مدت ها قبل زمزمه هایی برای انتقال نمایشگاه کتاب به گوش می رسید. نظرخواهی های سالانه، این باور خوش بینانه را القا می کرد که لابد محل کاملاً مناسبی برای این کار در نظر گرفته خواهد شد که هم رعایت تمام موارد معماری و هم اجتماعی و فرهنگی و ایضاً ترافیکی در آن شده باشد و دسترسی مردم به آن مطلوبتر باشد و این یعنی استقبال بیشتر جامعه‌ای که با مطالعه، کسب علم و فرهنگ و ادبیات بیگانه است و در نهایت چرخیدن روانتر چرخ های فرهنگ در جامعه‌ای که مردمش سالانه چند ثانیه‌ای بیشتر کتاب نمی خوانند، یعنی نه پول خرید کتاب را دارند و نه ضرورتی برای مطالعه در خود احساس می کنند- کدام جوان تحصیلکرده‌ای را می شناسید که حسرت وضع مالی فلان دوست و آشنای بی سواد و دلال با کاسب خود را نخورده باشد؟

اما وقتی صحبت از حومه تهران و پرند و نقاط دیگر به میان آمد تازه به هوش آمدیم که ما ساده دلان چی فکر می کردیم و چی شد؟ گذشتن روزانه از میان ترافیک تهران و رسیدن به مکانی چنان بعید و بازگشت شبانه از میان همین ترافیک برای خود ناشران نیز ناممکن است؛ (همکاران عزیز فکر چادرهای صحرایی باشند) چه برسد به جماعتی که همین طوری هم علاقه به مقوله کتابخوانی را از دست داده اند؛ (یا از اول نداشته اند).

بعضی از مسوولان هم خوش بینانه اظهار نظر می کنند که لابد کسی که منار را از جا می کند فکر کندن چاهش را هم کرده. اما من که بدبین هستم می گویم تا کندن چاه سال ها مانده و دست آخر یا چاله‌ای کنده می شود یا سیاهچاله‌ای که منار و منارنشان را از صورت مسأله محو کند.

البته این حرف ها صرفاً درد دلی است برای همکاران و گمان نمی کنم باد آن را به گوش سیاستگذاران برساند؛ یا اگر برسد هم البته خوشایندشان نیست.

حکایت فرشته ای است که وکیل است بر خزاین باد و این فرشته هم که برای ما حکم ملک مکافات را پیدا کرده رأی مبارکش قرار گرفته بر خاموش کردن چراغ ناشران که البته چراغ فرهنگ خاموش شدنی نیست.

کار کیفی در حوزه نشر

در ابتدای ورودی یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم محوطه‌ای سرپوشیده قرار دارد که محل عرضه کتاب‌های ناشران قرآنی کشور است. این فضا همراه با چند غرفه‌ای که در طبقه دوم محل برگزاری نمایشگاه مستقر شده‌اند، بخش ناشران و کتاب‌های قرآنی این دوره است.

در این رابطه با ناصر آزادیان معاون کمیته ناشران (بخش ناشران، نهادها و مؤسسات نمایشگاه) پیرامون غرفه‌ها ناشران، کتاب‌ها و آمار حضور نشر مکتوب نسبت به نمایشگاه سال قبل گفت‌وگو کرده‌ایم.

آزادیان ۳۶ ساله در حال حاضر یکی از مسؤولان شرکت به‌نشر (آستان قدس رضوی) است. وی قبلاً فعالیت در مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران را نیز تجربه کرده است.

در این دوره نمایشگاه چند ناشر شرکت کرده‌اند؟

نزدیک به ۱۰۱ناشر برای حضور در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم ثبت نام کرده بودند که حدود ۸۵ ناشر و مؤسسه حضور دارند. از این تعداد ۷۰ناشر در محوطه بیرونی و نزدیک به ۱۵ ناشر هم در طبقه بالای محل برگزاری نمایشگاه غرفه‌هایشان را دایر کرده‌اند.

چند عنوان کتاب عرضه شده است؟

این ناشران حدود ۷۰۰۰ عنوان کتاب عرضه کرده‌اند.

آمارها نسبت به سال گذشته چه تغییری داشته است؟

میزان استقبال ناشران ۳۰ درصد افزایش داشته است. سال گذشته حدود ۶۵ ناشر حضور داشتند. از نظر عناوین کتاب‌ها هم امسال بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ عنوان کتاب نسبت به سال گذشته بیشتر شده است.

معیار حضور ناشران در نمایشگاه چه چیزی بوده است؟

شرط ورود هر ناشری چاپ ۱۰ عنوان کتاب در حوزه علوم قرآنی بوده است. این حوزه (قرآنی و مذهبی) با کد ۲۹۷ در رده‌بندی موضوعات شناسایی می‌شود که شامل حدیث، قرآن، ادعیه، مفاتیح، نهج البلاغه، داستان‌های مذهبی و... است.

سال گذشته ۵ عنوان کتاب قرآنی معیار بود ولی امسال به ۱۰ عنوان ارتقا پیدا کرده است. ممکن است ناشری تعداد زیادی کتاب مذهبی داشته باشد ولی ۱۰ عنوان کتاب قرآنی را چاپ نکرده باشد بنابراین نمی‌توانست در نمایشگاه حاضر شود.

کتاب‌ها برای فروش هستند یا نمایش و اگر فروشی هستند با چه تحقیقی عرضه می‌شوند؟

بله، برای فروش هستند و طبق آئین‌نامه حداقل باید ۱۰ درصد تخفیف داشته باشند.

استقبال نسبت به سال گذشته چطور بوده است؟

نسبت به سال قبل اصلاً خوب نبوده هر چند ناشرانی که در طبقه بالای نمایشگاه هستند وضع بهتری دارند. در واقع نسبت به سال گذشته چون میزان بازدیدکنندگان کمتر بوده و میزان فروش کتاب‌ها هم افت داشته است.

فکر می‌کنید چرا امسال استقبال کمتر بود؟

سال گذشته تبلیغات برای نمایشگاه زیاد بود و برنامه‌های زنده تلویزیونی مردم را در جریان نمایشگاه قرار می‌داد ولی امسال اینطور نبود. البته از نظر مکانی هم جای مناسبی برای برپایی نمایشگاه نبوده است.

آماری از فروش کتاب‌ها و افت آن نسبت به سال قبل دارید؟

به طور نسبی می‌توانم بگویم که شاید به اندازه ۲۰ درصد کتاب‌های سال گذشته فروش داشته‌ایم.

فکر نمی‌کنید مشکلات دیگری نظیر غرفه‌آرایی یا روش‌های عرضه کتاب در این موضوع نقش داشته‌اند؟

نه، چون نسبت به سال قبل تفاوت زیادی نداشته است. جالب است که بازدیدکنندگان اصلاً نمی‌دانند چه ناشرانی حضور دارند. اگر تبلیغات نمایشگاه خوب نبوده، اطلاع‌رسانی خوبی هم صورت نگرفته تا بازدیدکننده از حضور ناشران اطلاع داشته باشد...

از ۱۰، ۲۰ روز قبل از شروع نمایشگاه، قرار بوده محل برگزاری جای دیگری باشد و این روی برنامه ناشران و نیز ستاد تأثیرگذار بوده است، ضمن آنکه امسال ستاد برگزاری توان مالی کمتری داشت. در کل اگر قرار است این نمایشگاه دائمی باشد، باید جای ثابتی برای آن در نظر گرفته شود و برنامه‌ریزی‌ها از یک سال قبل (و نه یک ماه قبل) انجام شود و هر بخش آن هم متولی خاصی داشته باشد تا همه مسؤولیت‌ها یک جا متمرکز نشود.

با این حساب، آیا نمایشگاه توانسته رونقی در نشر کتاب‌های قرآنی ایجاد کند؟

ببینید، روزها دانش‌آموزان به نمایشگاه می‌آیند و کتاب قرآنی زیادی نمی‌خرند. شب‌ها هم که خانواده‌ها و بزرگسالان می‌آیند، بیشتر مفاتیح و قرآن و نهج‌البلاغه می‌خواهند. از این نظر فروش خوب است ولی کتاب‌های تخصصی این حوزه نه.

من آماری گرفتم که سال گذشته حدود ۶۰ درصد کتاب‌های غرفه‌ها قرآن و مفاتیح و ادعیه بود ولی امسال چون شرط حضور ۱۰ عنوان کتاب قرآنی بود، از نظر کیفی و تخصصی وضع بهتری داشت، هر چند امسال بازدیدکننده کمتر بود و ناشران زیاد راضی نبودند.

چرا بعضی از ناشران مثل همه نمایشگاهها، از غرفه‌بندی ناراضی بودند؟

این انتقاد را وارد نمی‌دانم. مثلاً ناشری غیر از کتاب‌های خودش، کتاب‌های چند ناشر دیگر حتی آنهایی که در نمایشگاه حضور دارند را می‌فروشد! اگر قرار باشد هر ناشری فقط کتاب‌های خودش را بفروشد، متراژ غرفه‌ها مناسب و کافی است. ما متراژ هر غرفه را با توجه به فهرست کتاب‌های ناشر (که ضمیمه درخواست حضور در نمایشگاه کرده بود) تعیین کردیم، ضمن آنکه قرار نیست غرفه‌ها تبدیل به انبار شود. روال کار به این صورت است که از هر کتابی چند نسخه می‌آورند و اگر نیاز شد باز هم سفارش می‌دهند. من در سالن ناشران جایی داشتم که آن را هم به ناشران دادم. در کل متراژ غرفه‌ها بر اساس عنوان کتاب‌های ناشران بود.

فکر می‌کنید برای برگزاری بهتر نمایشگاه در سال آینده چه باید کرد؟

امسال بحث جدی بود که نمایشگاه در جای دیگری (مصلای تهران) باشد ولی امکان‌پذیر نشد حتی در جریان هستم که قرار بود جای دیگری برگزار شود. به هر حال برای سال آینده گمان می‌کنم اولویت آن است که جای دیگری را با امکانات مناسبتر در نظر بگیرند و با توجه به مسأله تبلیغات و اطلاع‌رسانی، کار کیفی‌تر و تخصصی‌تری را برای حوزه نشر در نظر بگیرند. در کل بهتر است سال بعد برای کار فرهنگی برنامه‌هایی جهت کیفی‌تر شدن تدارک ببینند.

نمایشگاه قرآن در ۵۸ شهر

همزمان با آغاز دهه دوم برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم و در پی استقبال گسترده مردم کشورمان، نمایشگاه قرآن کریم، همزمان با تهران، در ۵۸ شهر و مرکز استان، در سراسر کشور بر پا شد.

مسؤولان نمایشگاه قرآن، علت گسترش دامنه برپایی نمایشگاههای قرآنی در سراسر کشور را «استقبال بی‌سابقه مردم برای برپایی نمایشگاه قرآن در نقاط مختلف کشور» عنوان کرده‌اند.

گزارش‌ها حاکی است هم‌اکنون نمایشگاه قرآن، علاوه بر ۲۵ مرکز استان، در ۳۳ شهر دیگر کشورمان، برپا شده است.

همزمان با برپایی یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در ۹ شهر استان فارس نیز، نمایشگاه قرآن بر پا شده است.

بر این اساس همچنین در شهرهای استان‌های یزد و بوشهر مجموعاً ۱۲ نمایشگاه قرآن برپا شده است.

بیش از ۱ شهر در استان‌های هرمزگان، خوزستان و لرستان نیز اقدام به برپایی نمایشگاه قرآن کرده‌اند.

از شهرستان‌های مختلف نیز خبر می‌رسد که مردم بسیاری از شهرهای دیگر کشورمان، خواستار برگزاری نمایشگاه قرآن در شهر خود شده‌اند.

گفتنی است در کنار ادارات و سازمان‌های دولتی، نقش سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی در برپایی نمایشگاههای قرآن در سراسر کشور، بسیار پررنگ است.

از یزد خبر می‌رسد که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد با همکاری ادارات فرهنگ و ارشاد شهرستان‌های این استان اقدام به برگزاری هفت نمایشگاه قرآن کریم کرده است.

این نمایشگاهها در ایام ماه مبارک رمضان در شهرستان‌های زارچ، ابرکوه، مهریز، صدوق، میبد و بافق برپا شده است. که در آن چهار هزار و ۵۱۰ عنوان نرم‌افزار قرآنی، ۲۲ هزار جلد کتاب شامل ۳۵۰۰ عنوان کتاب‌های علوم قرآنی، ۱۲۷۰ اثر هنری و ۹ جلد پایان‌نامه کارشناسی در نمایشگاه یزد در معرض دید بازدیدکنندگان گذاشته شده است.

در بخش کودک و نوجوان نیز ایستگاه نقاشی و خوشنویسی، مسابقات قرآنی و خاطره‌نویسی برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است. همچنین در بخش مهد قرآن و دارالقرآن به کودکان زیر شش سال که نمی‌توانند بخش‌هایی از قرآن را قرائت کنند، جوایزی اهدا می‌شود.

مدیر کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد افزود، آموزش قرآن به روش سنتی و مکتبخانه‌ای و روش‌های نوین در نمایشگاه انجام می‌شود. همچنین صحافی و ترمیم قرآن و کتب نفیس به روش سنتی در حضور بازدیدکنندگان انجام می‌شود.

با توجه به همزمانی شهادت آیت‌الله صدوقی و ماه مبارک رمضان، غرفه‌ای به نمایش آثار این شهید محراب و پخش قیام زندگینامه ایشان و همچنین بخش دیگری برای پاسخگویی به سؤالات شرعی و قرآنی بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده است.

در سندرج نیز سومین نمایشگاه علوم قرآنی گشایش یافت.

در این نمایشگاه بیش از ۳۲۰۰ عنوان کتاب در موضوعات علوم قرآنی و ۲۰ نسخه قرآن خطی و نفیس در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است.

مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی نیز از برپایی چهارمین نمایشگاه علوم قرآنی استان در ارومیه خبر داد.

وی گفت: یک هزار و ۵۰۰ عنوان کتاب از ناشران کشور و دیگر مسؤولان افتتاح شد، ۲۰ هزار عنوان کتاب عرضه می‌شود.

در کرمان نیز نمایشگاه بزرگ قرآن و علوم قرآنی آغاز به کار کرده است. در این نمایشگاه بیش از ۳۵۰۰ عنوان کتاب (در قالب ۵۰ هزار جلد) ۱۲۰۰ عنوان برنامه نرم‌افزاری و رایانه‌ای و نوارهای صوتی قرآنی و... عرضه شده است.

از شیراز هم خبر می‌رسد نمایشگاه بزرگ قرآن شیراز با پیام آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی افتتاح شد.

در این برنامه با اهدای لوح تقدیر از خدمات استاد محمد نعمتی تجلیل شد.

اخبار کوتاه

■ مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی گفت: این مرکز یک هزار و ۲۵۱ جلد کتاب در ۸۴۹ عنوان و بیش از ۵ میلیون و ۳۲۰ هزار شمارگان در موضوعات مختلف تاریخی، علمی، فرهنگی و قرآنی منتشر کرده است.

■ مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انجمن دوستی ایران و فرانسه با همیاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همایش بین‌المللی بزرگداشت «هانری کربن» فیلسوف، ایرانشناس و اسلام‌شناس بزرگ غرب را برگزار می‌کنند.

■ ترجمه متن کامل قرآن کریم توسط «طاهره صفارزاده» شاعر و مترجم برجسته قرآن، به دو زبان فارسی و انگلیسی در یک CD منتشر شد.

■ سرپرست مدارس جمهوری اسلامی ایران در امارات گفت: تشکیل کمیته بررسی کتاب‌های مدارس ایرانی در خارج از کشور یک ضرورت است.

■ در دومین نمایشگاه بین‌المللی فرهنگی و هنری «یک جهان یک خانه» که در پکن با حضور چهل کشور جهان برگزار شد، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز با عرضه آثار فرهنگی و هنری شرکت داشت.

■ پایان‌نامه‌های برتر دانشجویی دانشکده‌های علوم قرآنی سراسر کشور در بخش دانشجویی نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم عرضه شده است.

■ مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، همزمان با برگزاری نمایشگاه قرآن، تازه‌ترین ترجمه کامل قرآن کریم به زبان انگلیسی را ارائه کرد.

■ نخستین قرآن مجید با شیوه جدید چاپ که مشکلات و غلط‌های روخوانی را کاهش می‌دهد، از سوی انتشارات مدرسه عرضه شد.

■ در پی خریداری زندان قصر از سوی شهرداری تهران، محمود احمدی‌نژاد شهردار تهران از آغاز عملیات احداث پروژه فرهنگی، تفریحی و هنری در محل زندان قصر خبر داد.

■ رئیس فرهنگسرای قرآن خواستار تصویب طرح جامعی در شورای عالی انقلاب فرهنگی برای فعالیت‌های قرآنی شد.

■ دبیرکل انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان خواستار دائمی شدن نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم شد.

■ نخستین قرآن دیجیتالی ساخته «عبدالله کانو» تازه مسلمان اهل کره، در نمایشگاه قرآن عرضه شد.

■ نشست ویژه فعالیت‌های قرآنی بانوان کشور با حضور دو تن از اعضای شورای عالی قرآن، داوران بین‌المللی، قاریان و مدرسان قرآن کریم برگزار شد.

■ فرهنگسرای اقوام به مناسبت ماه مبارک رمضان، مسابقه نمایشنامه‌نویسی «قصه‌های قرآنی» را برگزار می‌کند.

■ فرهنگسرای مدرسه شب شعر «عشق، سجاده، خون» را با حضور شاعران مطرح کشور برگزار کرد.

■ همایش ادبیات و گفت‌وگوی دانش‌ها از سوی انجمن علمی ادبیات دانشگاه پیام نور اهواز هفتم آذرماه برگزار می‌شود.

■ اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی پاکدشت با همکاری فرمانداری این شهرستان اقدام به تهیه، تدوین و انتشار مجموعه‌ای با عنوان «اغر رمضان» (نخستین بانک اطلاعاتی درباره ماه مبارک رمضان) کرده است. همچنین با همکاری انجمن قرآن و نهج‌البلاغه پاکدشت، کلاس‌های آموزش قرآن در کتابخانه‌های عمومی این شهرستان تشکیل شد.

■ در مراسم افطار بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس که با حضور شاعران برگزار شد، نقش شعر در تبیین ماندگاری حماسه دفاع مقدس و ترویج و اشاعه فرهنگ مقاومت بررسی شد.

■ جمال میرصادقی گفت: «با توجه به رشد بالای ترجمه در ایران و گرایش شدید خوانندگان به این آثار، دیگر کسی سراغی از نویسندگان ایرانی نمی‌گیرد».

■ میهمان آبان ماه انجمن شاعران ایران عبدالعلی دستغیب بود که به بررسی جایگاه «نقد شعر» در ایران پرداخت.

■ مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها مسأله غیاب زمان در بوف کور را به بحث می‌گذارد. این جلسه دوم آذرماه برگزار خواهد شد.

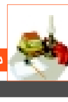

کیمیا امیری

صادق هدایت؛ نسخه پیش از چاپ

دانش‌آموز سال‌های دور این هفته ما، نویسنده‌ای نام‌آور و صاحب شهرت جهانی است. البته این نویسنده سال‌ها قبل درگذشت، اما آثار و نوشته‌هایش همچنان در زمره شاخص‌ترین آثار ادبیات داستانی معاصر جای دارد. بله، او کسی نیست جز صادق هدایت که زندگی‌اش هم، اگر نه بیش از آثارش اما به اندازه آن خواندنی و دانستنی است. بهانه رفتن به سراغ سال‌های دانش‌آموزی هدایت، انتشار کتاب ۱۲۰۰ صفحه‌ای هدایت، از مجموعه پژوهشگران معاصر ایران، است. این مجموعه که تاکنون ۵ مجلد آن روانه بازار نشر شده است، به کوشش «هوشنگ اتحاد» گردآوری، تدوین و تألیف شده است و در نوع خود، کاملترین زندگی‌نامه و شرح آثار درباره این دست از پژوهشگران است. با سپاس از آقای اتحاد و نیز مدیر انتشارات فرهنگ معاصر که نسخه پیش از چاپ را در اختیار ما قرار دادند، توجه شما خوانندگان، بخصوص دانش‌آموزان را به گوشه‌هایی از دوران دانش‌آموزی هدایت و خلقیات و رفتارهای وی در آن دوران، جلب می‌کنیم؛ با این توضیح که این دوران به‌صورت خاطرات از زبان هدایت و یا دوستان و نزدیکانش بیان می‌شود.

صادق را در کودکی، به دلیل ظرافت و زیبایی و داشتن موهای طلایی و چشمان آبی، همه افراد خانواده دوست می‌داشتند و بنا به گفته محمود هدایت: برادرم صادق در همه دوره کودکی مایه سرگرمی بزرگ و کوچک خانواده بود. حرکات و گفتار شیرین و دلچسبش همه ما را سرگرم می‌کرد. در پنج شش سالگی، خیلی زودتر از معمول و سن خودش آرامش و سکوتی در او دیده می‌شد. شیطنت‌های بچگانه نداشت، غالباً در خودش فرو می‌رفت و از دیگر کودکان کناره می‌گرفت.

محمود می‌افزاید: یادم می‌آید وقتی صادق پنج شش ساله شد، ناگهان همه حیوانات و پرندگان اهلی خانه ما و حتی پرندگان رهگذر نااهلی نیز یک حامی کوچولو پیدا کردند. دیگر کسی جرأت نداشت مقابل او سر مرغ یا خروسی را ببرد. کسی نمی‌توانست به پرنده‌ها، به گنجشک‌ها و آشیانه آنان آسیب برساند. هر وقت گوشه‌ای کز می‌کرد و غمگین می‌نشست، ما حدس می‌زدیم که حتماً کسی به گربه یا سگی آسیب رسانده و به سوی آنان سنگ پرت کرده است. این کوچولو چقدر حیوانات را دوست داشت... قلب کوچک او بار محبت همه حیوانات بی‌گناه و بی‌آزار عالم را به دوش می‌کشید... چه کسی هست که نداند این محبت و دوستی در همه حال با او و در آثارش بوده است.

در حدود هفت سالش بود که به مدرسه علمیه رفت... اما تا کلاس سوم متوسطه را در مدرسه دارالفنون گذرانده بود، هیچ کداممان نفهمیدیم که او چگونه مدرسه می‌رفت، چگونه درس می‌خواند و چگونه قبول شد. او چنان آرام و خموش می‌رفت و می‌آمد و به درسش می‌پرداخت که هیچ کداممان متوجه طرز درس خواندن او نمی‌شدیم. زیرا هرگز اتفاق نمی‌افتاد که او در طول تحصیل از ما کمک بخواهد. مثل یک جوکی هندی گوشه‌ای می‌نشست، تنها و آرام درسش را می‌خواند، بدون آنکه حتی از یکی از ما در مورد حل مسائل یا مشکلات دیگر کمکی بخواهد. این عادت یا بهتر بگویم این فضیلت تا آخر عمر برایش باقی مانده بود. همیشه قائم به ذات خویش بود. هیچ گاه در هیچ مورد از ماها طلب کمکی نکرده بود... هیچ گاه.

درست یادم هست او کلاس پنجم یا ششم ابتدایی بود که یک روز پیش من آمد و یک روزنامه کوچک به دستم داد و گفت: اینها را من درمی‌آورم. قطع این روزنامه که خودش مطالب آن را نوشته بود، یک هشتم اندازه معمول بود. روزنامه کوچک او را نگاه کردم، دیدم اسمش را گذاشته «ندای اموات». آرم این روزنامه که خودش آن را نقاشی کرده بود، خیلی عجیب و وحشتناک بود. یک کودک ده دوازده ساله چطور می‌توانست این همه احساس تند و تیز داشته باشد. آرم روزنامه کوچک او چه بود؟ تصویری خیالی و در عین حال و هم‌انگیز. او این آرم را نقاشی کرده و داده بود از روی آن کلیشه ساخته بودند و این کلیشه را روی چند صد ورق چاپ کرده بود و همیشه آن را آماده داشت. هر هفته تعدادی از آنها را با نوشته‌هایش پر می‌کرد و در بین هم‌کلاس‌ها، دوستان و افراد فامیل توزیع می‌کرد. بله کلاس پنجم یا ششم ابتدایی بود که این روزنامه را برای بچه‌ها منتشر می‌کرد. (سپید و سیاه ۱۳۴۶ ب: ص‌ص ۱۱، ۶۰)

پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به مدرسه دارالفنون رفت که در زمان احداثش نوعی پلی تکنیک بود و در آن زمان بهترین دبیرستان تهران شمرده می‌شد. در پانزده سالگی، مبتلا به چشم‌درد سختی شد. دکترها گفتند که باید شش ماهی خواندن و نوشتن را موقوف کند و این باعث شد که او به قدر یک سال تحصیلی از هم‌شاگردی‌هایش عقب بیفتد. علل و علاج چشم درد معلوم نبود. می‌توانست هر چیزی باشد، لیکن، با توجه به شناختی که از ساختمان روانی هدایت داریم، کاملاً ممکن است که علت آن روانی بوده باشد، نه جسمانی. سال بعد (۱۲۹۸ ش)، برای ادامه دوره دوم متوسطه به مدرسه سن‌لویی فرستاده شد. در سن‌لویی، درس‌ها هم به فارسی تدریس می‌شد هم به فرانسه. (همایون کاتوزیان ۱۳۷۲: ص ۲۸)

خاطره‌های محمود هدایت از آن سال‌ها یکی پس از دیگری زنده می‌شوند: وقتی خودش برای ادامه تحصیل مدرسه سن‌لویی را انتخاب کرد، همه ما حدس زدیم که ذوق و اشتیاق او به فراگرفتن زبان فرانسه نیز به بریدن او از دبیرستان دارالفنون کمک کرده است. او عاشق زبان و ادبیات فرانسه بود. در دارالفنون هم که تحصیل می‌کرد، برای تقویت زبان فرانسه، یک معلم خصوصی گرفته بود. اصولاً آن روزها در مدرسه دارالفنون کسی نمی‌توانست زبان فرانسه یاد بگیرد. همه ما برای تقویت زبان فرانسه یک معلم خصوصی داشتیم. به هر حال، صادق سال سوم مدرسه سن‌لویی بود که زبانش به نحو شگفت‌انگیزی پیشرفت کرد و چیزی نگذشت که باب مکاتبه با کتابخانه‌های مهم اروپا را باز کرد و از این رهگذر بود که حادثه مهم و عجیبی در زندگی دوره جوانی و بلوغ او آغاز گشت... این حادثه چنان عجیب و حیرت‌انگیز است که بی‌شک بدون آگاهی از آن یا عوامل ایجادکننده آن کمتر توفیق شناخت آثار و حالات کیفی او میسر خواهد بود.

او پانزده یا شانزده ساله بود که دست به مطالعه کتاب‌های مخصوص زده با کتابخانه‌های مهم و معروف فرانسه مکاتبه می‌کرد و با هزینه‌های گزاف این کتاب‌ها را به دست می‌آورد. کتاب‌هایی که او مطالعه می‌کرد نه فقط به درد ما نمی‌خورد بلکه ما را دچار حیرت نیز می‌کرد؛ زیرا همه این کتاب‌ها مربوط به علم سرایر (occultes siences) بود.

او ماهی دو سه جلد از این کتاب‌ها می‌گرفت و سپس گوشه‌ای می‌نشست و ساعت‌ها به مطالعه آنها می‌پرداخت. به مطالعه مسائلی در زمینه احضار روح، جادوگری، کیمیاگری، جفر، رمل، کف‌بینی و پیشگویی! و عجیب‌تر اینکه گاه خود نیز دست به عملیاتی در این زمینه می‌زد.

من، اکنون هر بار که آثارش را می‌خوانم، به سهولت، رد پای یک سلسله از همان مطالعات بخصوص را که در آغاز جوانی شروع کرده بود پیدا می‌کنم. او، در اکثر آثارش، چه فراوان از روح، از جاودانگی روح، از سه قطره خون، از دختر اثیری، از اکسیر و از زندگی جاودان، از زمان‌های مابعد زندگی خاکی سخن می‌گوید! یادم می‌آید نخستین کتابی که در این زمینه من در دست صادق دیدم میراکل (Miracle) بود، کتابی درباره سحر و افسون و جادوگری. پدرم اکثراً به او نصیحت می‌کرد که دست از این کار بردارد و آن کتابها را دور بیندازد، اما او گوشش بدهکار نبود. تعدادی گردنبند و انگشتر و نگین داشت که به قول خودش، همه آنها سحر و جادو شده بودند. اسم آن نگین‌ها (Gemme Atzel) بود. روی آنها، عکس پرندگان و حیوانات حک شده بود. صادق، تا چشم پدر را دور می‌دید، آنها را بین افراد فامیل تقسیم می‌کرد. به خانم‌ها گردنبند و به ماها نگین می‌داد و معتقد بود که این اشیای سیاه‌رنگ خوشبختی می‌آورد.

اعتقاد این جوان پانزده شانزده ساله تماماً از مطالعه آن کتاب‌ها حاصل شده بود. او پس از آمدن از مدرسه و انجام دادن تکالیفش، گوشه‌ای می‌نشست و هر یک از این کتاب‌ها را چندین بار مطالعه می‌کرد. بعد بر و بچه‌های فامیل یا بچه‌های کلفت و نوکرها را دور خودش جمع می‌نمود و سعی می‌کرد آنها را خواب بکند، اما موفق نمی‌شد. او هر چه در این زمینه می‌خواند می‌خواست آنها را آزمایش هم بکند و ما خنده‌مان می‌گرفت؛ زیرا نه توانسته بود کیمیاگر بشود، نه روح کسی را احضار بکند، نه از آینده کسی خبر بدهد و نه کسی را خواب بکند و مدتی هم بیخود سرش به این کارها گرم بود. تنها حاصلی که از این زحمات گرفت تهمتی بود که نصیبش شد. به این ترتیب که فامیلی داشتیم چندین سال از صادق بزرگتر بود و عقلش هم پاره‌سنگ برمی‌داشت. منسوبین او شایع کرده بودند که صادق خان او را خواب کرده و عقلش را در عالم خواب از او گرفته است، در حالی که تا آنجا که یادم می‌آید این موجود اصولاً از روز اول بی‌عقل متولد شده بود؛ وانگهی، صادق کجا می‌توانست کسی را خواب بکند. به هر حال، او همچنان در این کارها سرگرم بود که ناگهان کتابی از پاریس به دستش رسید که او را از جا تکان داد. اسم این کتاب شارلاتانیزم دو وواله (Charlatanisme de voile) بود. این کتاب که پرده از حقه‌بازی‌های علوم سرایر برداشته بود، صادق را از خواب گران بیدار کرد و حاصل آن همه زحمات هیچ شد. طفلکی با چه اشتیاقی دنبال این کار بود (سپید و سیاه ۱۳۴۶ ب: ص‌ص ۱۱، ۶۰)

نیما یوشیج و حسین پژمان بختیاری از دوستان این دوره او هستند که با تفکرات شاعرانه خود او را به آثار منظوم نیز دلبند ساختند.

مدرس جدیدی به نام پرپروتیکه برای سن‌لویی آمد که هم فارسی بلد بود و هم باستان‌شناسی خوانده بود. وقتی با صادق، به سبب تعریفی که از او در دفتر شنیده بود، ملاقات کرد، از اطلاعات عمومی و رفتار وی بسیار خوشش آمد و مایل شد که با او بیشتر مراوده داشته باشد و صادق هم می‌خواست با محاوره و تمرین، بیش از پیش، به زبان فرانسه و اصطلاحاتش وارد شود، این حسن تصادف را غنیمت شمرد و روزبه‌رز دوستی آنها محکمتر و صمیمی‌تر شد. (جنتی عطایی ۱۳۵۷: ص ۲۵)

صادق در این باره می‌گوید: تو مدرسه سن‌لویی یک کشیش بود که بهش فارسی یاد می‌دادم و او در عوض به من درس فرانسه خصوصی می‌داد. موجود عجیبی بود، با وجود کشیش بودن، سلیقه خاصی در ادبیات داشت؛ چشم و گوشش باز بود، از خدا و پیغمبر هم، بجا و نابجا، صحبت نمی‌کرد. اصلاً او مرا تشویق به چیز نوشتن کرد. کتاب‌های مریمه، تئوفیل گوتیه، موپاسان، گوبینو، بودلر، ادگار آلن‌پو، هوفمان را به دستم می‌داد. خوشبختانه هیچ تعصب ادبی نداشت. ادبیات روسی، آلمانی، اسپانیایی... و بالاخره هر چیز به نظرش جالب می‌آمد و عجیب این بود که تازه نویسنده‌هایی را هم که بعداً مشهور شدند می‌شناخت. اما انتخاب نویسنده‌ها بی‌حساب و کتاب نبود. دون کیشوت را اول به من داد بخوانم. آن‌قدر هم از پاریس و وفور کتاب گفت، آنقدر از کوچه پس کوچه‌های پاریس تعریف کرد که وقتی به پاریس رسیدم، انگاری سال‌ها آنجا زندگی کرده بودم. (فرزانه ۱۳۷۲: ص ۹۲)

صادق در ۱۳۰۴ ش، از سن‌لویی فارغ‌التحصیل شد. این نشان می‌دهد که هدایت دوره دبیرستان سن‌لویی را از ابتدا شروع کرده بود. اطلاعی درباره وضع تحصیلی او در دست نیست، اما تاریخچه تحصیلات عالی‌اش در اروپا حاکی از آن است که در تحصیلات دانشگاهی وضع مطلوبی نداشته است. از سوی دیگر، او از همان دوران مدرسه، به‌صورتی گسترده و با ولع، متون ادبی فارسی و فرانسه را مطالعه می‌کرد و علاقه خاصی نیز به «علوم خفیه» از خود نشان می‌داد که آن را تا آخر عمر حفظ کرد، گرچه به دین بخصوصی گرایش نداشت. صرف این علاقه زمینه‌هایی از یک کنجکاوی بیمارگونه نسبت به معنی و هدف زندگی را آشکار می‌سازد که تأثیر خود را روی بعضی داستان‌ها، نوشته‌ها، نامه‌ها و مکالمات او با دوستانش گذاشته است.

تقی رضوی هم‌کلاسی او در مدرسه سن‌لویی که بعداً دوست سراسر زندگی‌اش شد، به یاد می‌آورد که صادق جوان پسری خجالتی، گوشه‌گیر، بسیار حساس و اغلب گرفته بود: در کلاس روابطم با هدایت در حد سلام و علیک بود که یک روز مارمولکی به مدرسه بردم تا سر درس تاریخ طبیعی نشان بدهم. هدایت آن را که دید یکراست آمد به طرفم و شروع کرد به بد و بیراه گفتن و متهم کردن من به زجر دادن حیوان بیچاره. توضیح دادم که همه این کارها در راه علم و دانش می‌شود. در جواب گفت: ظالم همیشه بهانه‌های خوبی برای اعمال پلیدش پیدا می‌کند. پس فرق بین من و تو و آدم‌کش‌هایی مانند چنگیزخان چیست؟ جواب دادم: اصلاً قابل مقایسه نیست. او گفت: چرا، هست، چون که اگر بشر دست از کشتن حیوانات بردارد، آدم هم نخواهد کشت.

این دو دانش‌آموز تا پایان زندگی نسبتاً کوتاه هدایت یاران نزدیک یکدیگر باقی ماندند... او یک سال زودتر از هدایت مدرسه را تمام کرد؛ به خرج دولت به پاریس رفت تا طب بخواند و پزشک شود. آنها در این فاصله منظماً به هم نامه می‌نوشتند، لیکن فقط یکی از نامه‌های این دوره هدایت (از تهران به پاریس، به تاریخ ۶ اکتبر ۱۴/۱۹۲۵ مهر ۱۳۰۴) به جای مانده که بویژه، با توجه به کم بودن اطلاعات درباره مراحل اولیه زندگی هدایت، سندی است بسیار مهم در فراهم آوردن شناخت دقیق از افکار و حالات او، پیش از آنکه ایران را به قصد ادامه تحصیل در فرنگ ترک کند. نامه با تشکر از رضوی بابت کتابی که از پاریس ارسال داشته آغاز می‌شود و چنین ادامه می‌یابد: گویا برای اینکه عنوان آن کتاب magique بود، برای بنده فرستادید، اما این کتاب ادبی است و افسانه‌های چینی بود، هیچ دخلی به جادو و جنبل نداشت. (همایون کاتوزیان ۱۳۷۲. ص‌ص ۲۸-۳۰)

کتاب

هدایت از زبان دیگران

صادق هدایت، ونسان مونتی، ترجمه حسن قائمیان، نشر اسطوره، چاپ اول: ۱۳۸۲، ۲۲۲۰ نسخه، ۲۱۶ صفحه (مصور)، ۲۲۰۰ تومان.

بخش اول این کتاب با عنوان «صادق هدایت» نوشته ونسان مونتی با پیشگفتاری از ژان کامبورد، در دو بخش شخص صادق و آثار صادق، به بررسی شخصیت و آثار این نویسنده شهیر می‌پردازد.

بخش دوم کتاب با عنوان «هدایت و آثار او» در بردارنده متن سخنرانی هانری ماسه در مجلس یادبود چهارمین سالمرگ هدایت و مقالاتی از ژیلبر لازار، فیلیپ سوپو، رُژه لسکو، آندره روسو و... درباره هدایت و آثار اوست.

عکس هایی از هدایت، سنگ مزار او، روی جلد حاجی آقا و نخستین صفحه بوف کور به خط و نقاشی صادق هدایت پایان‌بخش این کتاب است.

این روزها

پیمان قاسم‌خانی: فیلمنامه نویس

خواندن برای دل

پیمان قاسم‌خانی، یکی از فیلمنامه‌نویسان جوانی است که اسم او را زیاد بر پرده نقره‌ای سینما و صفحه تلویزیون دیده‌ایم. مجموعه طنز پاورچین شاید جزو آخرین مواردی باشد که نام قاسم‌خانی را به عنوان سرپرست نویسندگان بر صفحه تلویزیون دیده‌ایم.

او در این مجموعه با نویسندگان دیگری چون سروش صحت، منصور ضابطیان و... نیز همکاری داشت.

یکی دیگر از فیلمنامه‌های موفق قاسم‌خانی، نان و عشق و موتور ۱۰۰۰ بود که با موضوع جذاب و بازی جالب توجه گوهرخیراندیش، سروش صحت، اکبر عبدی و بهاره رهنما توانست تماشاگران زیادی را به سمت سینما بکشاند.

قاسم‌خانی ذهن خلاقی در زمینه نوشتن آثار طنز دارد و موضوعات ساده و روزمره زندگی امروز را با خلاقیت خود، تبدیل به سوژه‌ای تمام عیار برای خندیدن می‌کند.

او تا به حال به عنوان بازیگر هم در فیلمی سینمایی به نام عاشقانه حضور داشت که با خسرو شکیبایی و بهاره رهنما همبازی بود. قاسم‌خانی همیشه پرکار است و همیشه هم در حال خواندن. او این روزها در حال نوشتن فیلمنامه‌ای است با عنوان موقتی «سایه‌ها» که احتمالاً سامان مقدم، کارگردانی آن را پس از فیلم مکث به عهده خواهد داشت. با قاسم‌خانی درباره این روزهایش و کتاب‌هایی که در دست دارد صحبت کرده‌ایم.

از آنجا که در حال نوشتن فیلمنامه هستم، فرصت چندانی برای مطالعه رمان و داستان‌های بلند ندارم. برای همین هم بیشتر سراغ داستان کوتاه می‌روم. این روزها همزمان سه کتاب متفاوت می‌خوانم. یکی مجموعه آثار آنتوان چخوف و دیگری کتابی از ریموند کارور با عنوان فاصله و آخری هم کتابی است مربوط به کودکان به نام پی‌پی جوراب بلند.

کارور همیشه جزو نویسندگان مورد علاقه‌ام بوده است و آثارش را مورد تحسین قرار می‌دهم. چخوف هم که به هر حال جای خودش را دارد. اما درباره پی‌پی جوراب بلند باید بگویم که من بشدت به ادبیات کودک علاقه‌مندم و همیشه هم آنها را دنبال می‌کنم.

کتاب‌های قدیمی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هنوز که هنوز است، از کودکی تا به حال بالای تختم چیده شده‌اند مثل فلفلی و آستون یا لک‌لک‌ها بریام.

قدیم‌ترها فیلمنامه‌ای هم برای کودکان نوشته بودم که قرار بود تبدیل به سریال شود اما به خاطر هزینه سنگینی که دارد، تا به حال ساخته نشده است.

من زمانی که در حال نوشتن فیلمنامه‌ای هستم، از موسیقی تأثیر بیشتری می‌گیرم تا خواندن کتاب. برای همین هم در این مدت، کتاب‌ها را فقط برای دل خودم می‌خوانم، نه چیز دیگر.

گفت‌وگو

ساناز اقتصادیا

گفت‌وگو با پانته‌آ بهرام (بازیگر)

یادها و خاطره‌ها

شاید پانته‌آ بهرام، دیگر احتیاج به معرفی نداشته باشد. آنها که فیلم‌های بانوی من، توکیو بدون توقف و... همچنین نمایش یضایی و دیگر هنرمندان را در این مدت اخیر دیده باشند به خوبی با چهره بهرام و تسلط او در عرصه بازیگری آشنایند.

گفت‌وگوی ما در آخرین روزهای اجرای نمایش شب هزار و یکم و البته آخرین روزهای اکران فیلم‌های او انجام شد. گفت‌وگویی سراسر بغض و خنده که از یادمان نمی‌رود.

در گفت‌وگویی از شما خواندم که «هزار و یک‌شب» را خوانده‌اید و به نظرم جالب آمد، چون دیگر بازیگران نمایش «هزار و یک‌شب» این اثر را نخوانده‌اند.

بله خوانده‌ام. البته نه به طور کامل. به این دلیل که بسیاری از داستان‌ها و ماجراهای آن را از گوشه و کنار شنیده بودم.

کتاب را از کجا پیدا کردید؟

یک نسخه کاهی قدیمی از هزار و یک شب را در کتابخانه دایی مرحومم پیدا کردم. همیشه کتابخانه غریبی برای من بود. او خودش شاعر بود و با تخلص بابک افق شعر می‌نوشت. نسخه اصیل و البته پوسیده این کتاب را خواندم.

دوره دانشجویی کتاب را پیدا کردید و خواندید؟

بله. آن زمان باید تحقیقی درباره هزار و یک شب می‌نوشتم و برای همین سراغ این کتاب رفتم.

در کتابخانه غریب دایی، چیز دیگری هم برایتان جالب بود؟

او آنقدر به کتاب‌هایش علاقه داشت که کمتر اجازه سرک کشیدن به کتابخانه‌اش را می‌داد. خصوصاً اینکه کتاب‌های وسوسه‌انگیزی در آن پیدا می‌شد که البته هیچ کس اجازه امانت گرفتن آنها را نداشت.

خودتان هم، چنین کتابخانه‌ای را دارید که این طور به آن علاقه‌مند باشید؟

بله. یکی از اقبال‌هایی که من داشتم این بود که از کودکی با قصه و کتاب بزرگ شدم. پدر و مادرم بشدت اهل مطالعه بودند و مادرم همیشه از خاطراتش تعریف می‌کند که در کودکی او را وادار می‌کردم که یک کتاب را چندین و چندبار برایم بخواند. اولین کتابی را که خودم توانستم آن را بخوانم و هدیه مادرم بود هنوز در کتابخانه‌ام دارم.

چه یادگاری قشنگی... البته شاید دوران کودکی وقت بیشتری برای مطالعه داشتید تا الان که سالی چند تئاتر و فیلم بازی می‌کنید و به نظر سرتان خیلی شلوغ می‌آید!

(می‌خندد) گفت‌وگویمان خیلی گفت‌وگوی یادها و خاطره‌ها شده، چون درباره هر چیز که می‌خواهیم صحبت کنیم به عقب‌تر برمی‌گردیم و از کسی یا چیزی یاد می‌کنیم.

اصلاً نیز گفت‌وگو را می‌زنیم «یادها و خاطره‌ها».

شاید فکر خوبی باشد. من دوست بسیار عزیز و نازنینی داشتم که مرداد ماه از دنیا رفت. این دوست عزیز سال هفتاد و یک از من یک قول گرفت. او از من خواست که همیشه و در هر حالتی نیم ساعت از روزم را صرف مطالعه کنم.

و شما با این همه شلوغی، به وعده‌تان وفا می‌کنید؟

بله. خیلی خوشحالم که این قول را به او دادم و به آن هم عمل می‌کنم. من همیشه خواندن را دوست داشتم اما این قول، مرا به هر روز خواندن موظف کرد و

◆ بازیگری که اهل کتاب نیست باید خودش را خیلی خام در اختیار کارگردان و متن قرار دهد

است و با تمام این مشغولیت‌ها، خواندن کتاب را فراموش نمی‌کنم.

مثلاً سه روز پیش کتاب «شب‌های هزار و یک شب» مجید محفوظ را تمام کردم. این روزها هم دو نمایشنامه پیشنهادی برای بازی در جشنواره فجر را می‌خوانم.

همیشه فرضیه‌ای در ذهن دارم مبنی بر اینکه بازیگران یا کاملاً کتابخون و اهل مطالعه‌اند و یا اصلاً طرف کتاب و کتابخوانی نمی‌روند و به کلی با این مقوله بیگانه‌اند. شما هم به چنین فرضیه‌ای معتقدید؟

بله، من هم اعتقاد دارم. چون به نظرم کتاب خواندن عشق به خصوصی می‌خواهد و کم کم تبدیل به نیاز درونی می‌شود که حتماً باید به آن پاسخ داد. تبدیل به عطشی می‌شود و باید آن را برطرف کرد و اگر اصلاً چنین نیازی در درون کسی نباشد دیگر پاسخ دادن به آن هم معنا ندارد. من هم معتقدم که این ماجرا حد وسط و میانه ندارد.

قرار نیست توصیه کنم یا بند و اندرز به کسی بدهم اما براستی مطالعه در هر زمینه‌ای و بخصوص کار ما تأثیر زیادی دارد. مگر این «نیم ساعت عزیز مطالعه» چقدر به روند کار روزانه ما لطمه می‌زند که از آن بگذریم. حتی یک ربع مطالعه و فکر کردن و آشنایی با سبک‌های جدید نوشتار هم می‌تواند مؤثر باشد.

شاید قبل از سؤال پیشین بایدبین را از شما می‌پرسیدم که آیا واقعاً نوع مطالعه و میزان آن بر حرفه شما تأثیر می‌گذارد و به ایفای نقش‌هایتان کمک می‌کند؟

اکثر بازیگرها- از جمله من - وقتی می‌خواهیم نقشی را بازی کنیم، دنبال یک مایه ازای بیرونی برای آن می‌گردیم که حتی ممکن است پیدایش نکنیم، وقتی بازیگری اهل مطالعه است، فاکتورهای پیدا کردن ما به ازای بیرونی نقش برایش خیلی بیشتر و در دسترس‌تر است. مثلاً در همین نمایش «شب هزار و یکم»، من که با داستان و قصه آشنا بودم خیلی مسلط‌تر بودم تا بازیگری که اهل کتاب نیست و باید خودش را خیلی خام در اختیار کارگردان و متن قرار دهد. پس طبیعی است که برگ‌های برنده من بیشتر از او باشد.

شما خودتان هم اهل نوشتن هستید؟

رشته دانشگاهی من، ادبیات نمایشی است. منتها خیلی جسارت نوشتن ندارم. شاید به دلیل جاه‌طلبی‌ام باشد. من وقتی بازی می‌کنم، می‌دانم که با تجربه پانزده ساله کاری، می‌توانم به کار و نقش مسلط باشم. به خاطر همین با اعتماد به نفس درباره کارم صحبت می‌کنم. اما در زمینه نوشتن، باید سوژه خیلی خاصی به ذهنم برسد یا سبک نوشتاری متفاوتی که دست به این کار بزنم. دلم نمی‌خواهد یک کار سرسری انجام بدهم.

یعنی به دلتان هم اهمیت نمی‌دهید؟ چون خیلی وقت‌ها آدم‌ها حرف‌های دلشان را می‌نویسند و اتفاقاً موفق هم می‌شوند.

برای دلم می‌نویسم. مثلاً سال‌هاست که شعر می‌گویم و خیلی هم دوست دارم یک روز جسارت چاپ کردن آنها را پیدا کنم.

طرح‌های مختلف نمایشی هم هست که واقعاً فقط برای دل خودم می‌نویسم. مثلاً یک اپیزود از نمایش «رقص کاغذپاره‌ها» را من نوشته بودم و آن اولین و آخرین نوشته‌ای بود که از من کار شد. با وجود اینکه خیلی برای نوشتن مجدد تشویق شدم ولی خودم احساس کردم هنوز برای جاه‌طلبی من کم است.

فکر می‌کنید این جسارت نوشتن کی پیدا شود؟

سال گذشته من متنی را برای جشنواره فجر نوشتم که دوستان لطف کردند و آن را رد کردند و این رد شدن متن، کمی من را به عقب پس زد. اما به این معنا نیست که از نوشتن دست برمی‌دارم. بلکه منتظر یک فکر خارق‌العاده و شگفت‌انگیزم که امیدوارم تا سال آینده اتفاق بیفتد.

پس می‌خواهید اینجا هم برگ برنده رو کنید.

دقیقاً. می‌خواهم کاری باشد که بتوانم راجع به آن صحبت کنم و درباره‌اش حرفی برای زدن داشته باشم.

امیدوارم این اتفاق زودتر برای شما بیفتد .

خبر

فعالیت‌های اخیر موزه سینما

موزه سینما به دنبال فعالیت‌های خود در زمینه رشد، گسترش و تعالی سینما و مقولات مربوط به آن، در صدد انتشار بیش از ده جلد کتاب سینمایی است.

ظاهراً تهیه و تنظیم این کتاب‌ها به عهده روزنامه‌نگاران و فعالان مطبوعاتی گذاشته شده است که از میان آنها می‌توان به روبرت صافاریان، هوشنگ گلمکانی، پیروز کلانتری، شادمهر راستین و... اشاره کرد. هر کدام از کتاب‌ها درباره موضوع خاصی در زمینه سینماست. موضوعاتی از قبیل معرفی بنیاد سینمایی فارابی، فیلم کوتاه، در بیست و پنج سال گذشته، معاونت سینمایی از آغاز انقلاب تا کنون، تاریخچه فیلم مستند از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و... محورهایی است که روی آن کار می‌شود. علاوه بر این، عزیز ساعتی در تدارک ساخت فیلمی درباره تاریخ سینماست.

قرار است کلیه موارد مطرح شده تا بیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر آماده شود. فعالیت‌های ذکر شده زیرنظر موزه سینما و جمال امید ادامه دارد.

در شماره‌های بعد اطلاعات بیشتری در این زمینه منتشر می‌کنیم.

فیلم و کتاب‌های دینی در کنار هم

پنجاه اثر سینمایی در بازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم حضور یافته‌اند. از این پنجاه اثر که انتخاب آنها برعهده مهرداد فرید (فیلمساز و منتقد) و حمید جمعدار (کارشناس سینمایی بنیاد فارابی) بوده، شش اثر متعلق به بانوان و چهل و چهار اثر دیگر متعلق به آقایان است.

این جشنواره در سه بخش آثار مستند، داستانی و پویانمایی برگزار شده است. این فیلم‌ها همزمان با برگزاری نمایشگاه قرآن در سالن حجاب نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم و همین طور سالن شماره ۳ سینما فلسطین به نمایش در می‌آید.

سهیل جهان بیگلری دبیر بخش جشنواره فیلم یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم است و مجید مجیدی، مجتبی راعی، سیدرضا میرکریمی، عبدالحسن برزیده و محمود ارجمند هیأت داوران این جشنواره را تشکیل می‌دهند.

گفت‌وگو با «منوچهر اکبرلو» نویسنده و مدرس تئاتر

یک کمیک استریپ و ۶ اثر تازه

منوچهر اکبرلو، دانش‌آموخته تئاتر از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس پژوهش‌های هنری است. او پیش از این کارشناس هنرهای نمایشی در وزارت آموزش و پرورش بوده و اکنون مدرس تئاتر در دانشگاه آزاد و مرکز آموزش نیروی انسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. وی با بسیاری نشریات در زمینه‌های نقد و پژوهش ادبیات و هنر همکاری کرده و هم اکنون دبیر سرویس فرهنگ و ادب نشریه «مهر» است؛ گرچه می‌گوید تصمیم دارد از روزنامه‌نگاری کنار بکشد و بیشتر به پژوهش و کتاب روی بیاورد. از این نویسنده در زمینه تئاتر، تاکنون مجموعه نمایش‌نامه‌های «اسب سفید بالدار» «زنده باد نمایش» «پلنگ و آدمیزاد» «می‌خواهم برگردم زمین» و نیز سه مجموعه تئاتر آموزشی برای سه مقطع کودک، نوجوان و جوان منتشر شده است. داوری جشنواره‌های تئاتر از دیگر فعالیت‌های اوست. وی همچنین عضو هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر و بازرسی انجمن تئاتر خیابانی است. آخرین اثر منتشر شده او برای نوجوانان یک مجموعه کمیک استریپ با نام کلی «ماجراهای بچه‌های شهر خورشید» است که جلد اول آن توسط نشر «جام اندیشه» به تازگی منتشر شده است. با وی گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.

وضعیت کنونی کتاب‌های نمایشی یا نمایشنامه برای بچه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نمایشنامه کودکان، زیر مجموعه نشر آثار نمایشی است. به نظر من بحران موجود در این بخش طبیعی است. تئاتر در تئاتر شهر ما رونق دارد.این غیرقابل انکار است. اما به هر حال مخاطب آن محدود است. چه از لحاظ کمیت و چه از نظر طیف اجتماعی. بهترین معیار، کتابفروشی حاشیه کافه‌تریای تئاتر شهر است. چون این کتابفروشی در قلب حیات تئاتری ما قرار دارد اما مشتری ندارد. به هر کس هم بگویی چرا، همان طور که قهوه هزارتومانی‌اش را سر می‌کشد می‌گوید که مثلاً قیمت ۸۰۰ تومانی کتاب، گران است؛ مسأله در اینجاست که در زمانه ما کسی احساس نمی‌کند نیاز دارد مطالعه کند. پیشکسوتان فکر می‌کنند آن قدر که آموخته‌اند برای حضور در جامعه کنونی تئاتر کفایت می‌کند. جوان‌ها هم کار خود را راحت کرده‌اند. آنها با شنیدن چند عبارت تأویل و دریدا و خوانش و این حرف‌ها، جدایی خود را از دانش گذشتگان اعلام کرده‌اند. آنها همه جا می‌گویند که دوره حافظ و شاملو و شکسپیر و سوفوکل گذشته است.

سرکلاس درس در دانشگاه، دانشجویانی را می‌بینم که حرف را قطع می‌کنند و می‌گویند فکر نمی‌کنید دوره این حرف‌ها گذشته؟ ما می‌خواهیم حرف خود را بزنیم. آشنایی با نمایشنامه‌نویس یونان باستان یا تعزیه به چه کار ما می‌آید؟ و این می‌شود که نیازی به کتاب را هم در خود حس نمی‌کنند. دلیلش را هم من بیشتر تنبلی می‌دانم. اینکه می‌خواهند سریع و از راه میان بر به هدف برسند. به دنبال این وضعیت، در بخش نمایشنامه برای کودکان و نوجوانان هم همین مسأله وجود دارد و به غیر از چند ناشر دولتی و گاه چند ناشر خصوصی کسی نمایشنامه کودک و نوجوان منتشر نمی‌کند. در حالی که نمایشنامه کودک و نوجوان با میلیون‌ها مخاطب بالقوه روبه‌رو است.

از طرفی مشکل دیگر ما آموزش و پرورش است. شما اگر یک نمایشنامه داشته باشید و بخواهید به دست بچه‌ها در مدارس برسانید باید با آدم‌های زیادی هماهنگ باشید. هر کدام هم سلیقه خود را دارند. متن دست‌نویس نمایشنامه شما در بخش‌های مختلف آن قدر دست به دست و حاشیه‌نویسی می‌شود که چیزی از آن باقی نمی‌ماند. راه بسته است. فقط چند ناشر وابسته به آموزش و پرورش مثل «مدرسه» و «تربیت» می‌توانند حجم انبوهی از کتاب‌های خود را در مدارس توزیع کنند. بحث من کیفیت آثار این دو ناشر نیست. چند کتاب خودم هم توسط همین ناشران چاپ و توزیع شده.این دو ناشر هم مانند همه ناشران دیگر آثار ضعیف و قوی دارند. منظور من این است که ناشران دیگر هم اجازه داشته

◆ از کودکی به کمیک استریپ علاقه‌مند بودم

باشند کتاب‌های خود را در مدارس توزیع کنند. اگر به همان مجوزی که هیأت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به یک کتاب می‌دهد بسنده شود، آن وقت شاهد انتشار تعداد بسیاری زیادی نمایشنامه خواهیم بود. الان فقط در تهران صدها مدرسه وجود دارد. اگر از هر ده مدرسه یک مدرسه بخواهد نمایشنامه‌ای اجرا کند و هر گروه هم به طور متوسط پنج متن نیاز داشته باشد مجموعه آن شمارگان دهها هزار نسخه‌ای متون نمایشی می‌رسد.

در زمینه نمایشنامه‌های کودک و نوجوان چه پیشنهادی دارید؟

مشخصاً استفاده و اقتباس از میراث ادبی کهن چون تاریخ طبری و کتاب‌های پندآموزی چون کلیله و دمنه و مرزبان نامه؛ منابع سرشاری برای نگارش ادبیات نمایشی برای کودکان است. همین الان درصدبالایی از کتاب‌های داخلی که مورد استقبال کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد برگرفته از این متون هستند از کتاب‌های جدی گرفته تا «حسنی»های بازاری.

به هر حال به نظر من راهی نداریم جز آنکه به ادبیات کهن روی بیاوریم. در دنیا هم همین کار انجام می‌دهند. «هری پاتر» چیزی نیست جز نگارش نو و جذاب از داستان‌های کهن اروپا. با استفاده از متون کهن، کودک و نوجوان ما با محیط تاریخی و فرهنگی خود ارتباط برقرار می‌کند و از طریق درک ادبیات کلاسیک، می‌تواند بین فرهنگ دیرین و فرهنگ امروزی پیوند برقرار کند. تا چنین نکند هرگز نخواهد توانست هویت ملی و واقعی خود را به دست آورد.

از سوی دیگر کودک و نوجوان با تجارب مختلف زندگی از گذشته تا حال آشنا می‌شود تا دریابد که در برخورد با هر مسأله از چه روشی‌هایی باید بهره ببرد تا به سوی آنها نرود.

درباره آخرین کتابتان که یک کمیک استریپ است توضیح دهید. چرا کمیک استریپ؟

از کودکی به کمیک استریپ علاقه‌مند بودم. کتاب‌های «تن تن» همیشه برایم الگویی بوده است از کتاب خوب و جذاب و خواندنی. کمیک استریپ ترکیب موفقی است از کلام و تصویر. ما در دوره‌ای نشر آثار کمیک استریپ را منع کردیم فقط به این خاطر که کتاب بازاری تلقی می‌شده است. بدون توجه به اینکه کمیک استریپ خودش فقط یک «فرم» است. شما در این فرم می‌توانید هر محتوایی را بریزید. محتوا قابل ارزش‌گذاری است، نه فرم. فرم به صورت مستقل نه خوب است و نه بد. فرم اگر متناسب با محتوا بود یا با آن همگن نبود؛ مثبت یا منفی می‌شود. همیشه منتظر فرصتی بوده‌ام تا این فرم جذاب را تجربه کنم. همیشه دوست داشته‌ام «تن تن» ایرانی با محتوای فرهنگ این جایی را ببینم. تن تنی که به جای فرهنگ سلطه‌طلب و متکبر اروپایی ملاک خوبی‌ها را به انسان بدهد. حالا فرهنگش شرقی باشد چه بهتر و ایرانی که باشد قالب خورده است. تا اینکه با آقایان «سیدعلی امامی» و «فریدون رضوی» آشنا شدم. آنها یکی از اهدافشان را در راه انداختن نشر «جام اندیشه» انتشار آثار کمیک استریپ قرار داده‌اند. مجموعه «ماجراهای بچه‌های شهر خورشید» که جلد اول آن با نام «راز انبار قدیمی» مدتی است منتشر شده با مایه‌های تخیلی - علمی «نخستین قدم من است در راه رسیدن به کمیک استریپ‌های بومی و منتظر نقد اهل قلم هستم. دوست دارم این فرم جذاب از مهجوریت و انگ بازاری بودن بیرون بیاید. من خودم خواندن را با همین نوع کتاب‌ها آغاز کردم. مثل بسیاری دیگر از نویسندگان و کتابخوان‌ها، کمیک استریپ خوب یکی از راههای کتابخوان کردن بچه‌ها است. نگران نباشیم که بچه‌ها تنبل بار بیایند. ما خودمان تجربه دیگری داریم. هیچ کدام با کتاب‌های سنگین شروع نکرده‌ایم. همه ما شعر خواندن و شعر شنیدن را با «الل مثل» شروع کرده‌ایم. باید بگذاریم لذت آهنگین بودن کلام با همین عبارات ظاهراً پیش پا افتاده در بچه‌های ما شکل بگیرد.

از کارهای جدیدتان بگویید.

شش جلد کتاب برای نهضت سوادآموزی تهیه می‌کنم که حالت کمک درسی دارد. همه در قالب داستان، مفاهیم اجتماعی مورد نیاز سوادآموزان را مطرح می‌کنند. سه کتاب دیگر هم آماده دارم که بعد از چاپ در کیهان بچه‌ها آن را به صورت یک کتاب منتشر خواهد کرد. ابراهیمی همچنین در حال حاضر یک داستان تخیلی به نام «دیو و لیلی» می‌نویسد که احتمالاً در نشر شباویز منتشر می‌شود.این نویسنده و شاعر کتاب «مارمولک دروغگو» را برای گروه سنی خردسالان در نشر شباویز و کتاب «حکایت اردیبهشت» که زندگینامه حضرت فاطمه زهرا(س) است را در نشر صابرین زیر چاپ دارد.ابراهیمی چندی است مقالاتی را درباره موضوعات مختلف می‌نویسد که این مقالات در مجله کیهان بچه‌ها چاپ می‌شود. وی قصد دارد این مقالات را به صورت کتاب منتشر کند.

یادداشت

نگار پدرام

جشنواره پژوهش‌های ادبیات کودک

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اولین جشنواره پژوهش‌های ادبیات کودکان و نوجوانان را برگزار می‌کند.

برگزاری این جشنواره در نوع خود اتفاق خوبی است. چون تا به حال کانون چندان در زمینه پژوهش فعالیت جدیدی نداشته است.

دست‌اندرکاران ادبیات کودکان و نوجوانان همیشه از کانون انتظار داشته‌اند در این زمینه هم فعال باشد. بنابراین همین که به این عرصه هم توجه شده جای تشکر دارد.

اما چگونگی برگزاری این جشنواره جای تأمل دارد. اولاً فراخوان جشنواره مبهم و غیرحرفه‌ای است. چون در این فراخوان مشخص نیست این جشنواره چه موضوعاتی را در بر می‌گیرد.

ثانیاً مهلت ارسال آثار تا پایان آبان و زمان اعلام نتایج آذرماه اعلام شده، عجیب است چگونه داوران یک جشنواره مهم می‌توانند دهها پژوهش حجیم را در مراحل مختلف مقدماتی و نهایی بررسی کنند و برای این کار تنها دو هفته زمان لازم داشته باشند.

از طرفی با توجه به شواهد موجود، ممکن است در اولین دوره تنها از چهره‌های فعال (با توجه به حجم کار آنها و شناخت عمومی) تقدیر شود. چرا که بررسی دقیق تمام تحقیق‌ها و پژوهش‌ها در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان با این روش یعنی در مدت دو هفته قطعاً کامل نخواهد بود.

امیدواریم هدف کانون از برگزاری این جشنواره فقط یک نمایش نباشد، بلکه شاهد جشنواره‌ای علمی و حرفه‌ای باشیم.

خبر

آثار خائف در خانه هنرمندان

نمایشگاهی از آثار مرحوم بهرام خائف از بیست و ششم آبان به مدت سه روز در خانه هنرمندان بر پا شد.

در این نمایشگاه که به همت انجمن تصویرگران کتاب کودک برگزار شد تمام آثار مرحوم خائف به نمایش گذاشته شد.

بهرام خائف از تصویرگران برجسته کتاب‌های کودکان بود که در دوره فعالیت خود جوایز بین‌المللی مهمی را کسب کرد.

این تصویرگر چندی پیش بر اثر عارضه قبلی در گذشت.

وی خالق آثاری چون «دنیای رنگین کمان»، «توکا در قفس»، «ما چند نفریم»، «حکایتامه» و... است.

بر و بچه‌ها

جعفر ابراهیمی

کتاب «خرگوش و رودخانه» نوشته جعفر ابراهیمی (شاهد) که بازتگی توسط نشر شباویز منتشر شده، در فهرست کتاب‌های درسی کشور چین قرار گرفت.

ابراهیمی اخیراً کتاب «ماه خورشید کلاه» را برای چاپ در انتشارات کمک‌آموزشی (رشد) نوشته است. وی مشغول نگارش یک داستان بلند در قالب طنز است که بعد از چاپ در کیهان بچه‌ها آن را به صورت یک کتاب منتشر خواهد کرد. ابراهیمی همچنین در حال حاضر یک داستان تخیلی به نام «دیو و لیلی» می‌نویسد که احتمالاً در نشر شباویز منتشر می‌شود.این نویسنده و شاعر کتاب «مارمولک دروغگو» را برای گروه سنی خردسالان در نشر شباویز و کتاب «حکایت اردیبهشت» که زندگینامه حضرت فاطمه زهرا(س) است را در نشر صابرین زیر چاپ دارد.ابراهیمی چندی است مقالاتی را درباره موضوعات مختلف می‌نویسد که این مقالات در مجله کیهان بچه‌ها چاپ می‌شود. وی قصد دارد این مقالات را به صورت کتاب منتشر کند.

مجید فروغی

۲۵ هزار نمایشگاه در ۲۵ هزار مدرسه

ترویج فرهنگ کتابخوانی در مدارس

در سال‌های اخیر مسؤولان فرهنگی، مؤلفان و ناشران از نبود فرهنگ مطالعه و کتابخوانی به عنوان یکی از دلایل عمده رکود بازار نشر یاد می‌کنند. آنها معتقدند که رفع این معضل نیازمند برنامه‌هایی برای توسعه فرهنگ مکتوب و افزایش شاخص‌های مطالعه در بین دانش‌آموزان است.

در این راستا توزیع مناسب کتاب برای دسترسی دانش‌آموزان سراسر کشور به کتاب، مورد توجه مسؤولان و دست‌اندرکاران فرهنگی و آموزشی قرار گرفت و از جمله طرح‌هایی که در این خصوص انجام شد، برپایی ۵دوره از طرح ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۱۰ هزار مدرسه است. امسال این طرح با همکاری وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت گسترده‌تر با برپایی ۲۵هزار نمایشگاه کتاب در ۲۵ هزار مدرسه کشور با حضور ناشران مختلف از ۱۵ تا ۲۵ آذرماه اجرا می‌شود. بی‌شک اجرای این طرح و برنامه‌هایی در این جهت در صورتی که مبتنی بر پژوهش و مطالعه علمی باشد، می‌تواند نقش مؤثری در گسترش فرهنگ کتابخوانی دانش‌آموزان داشته باشد و در نتیجه به ایجاد جامعه‌ای اهل مطالعه و کتاب و رونق بازار نشر کمک کند.

عبدالحمید خرسندرو:

از ۵میلیاردبه۵۰میلیارد

عبدالحمید خرسندرو، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی انتشاراتی منادی تربیت و مجری طرح ۲۵ هزار نمایشگاه کتاب در ۲۵ هزار مدرسه، درباره ارزیابی طرح برپایی نمایشگاه‌های کتاب مدارس در دوره‌های قبل می‌گوید: نقد مستمر و بازنگری دائمی این حرکت یعنی مجموعه فعالیت توزیع کتاب در سراسر کشور، امری واجب است و بازنگری مداوم، نقد از درون و اصلاح ساختار به عنوان سیاست‌های ماست که دائماً انجام می‌شود. به همین دلیل این طرح به لحاظ کمی و کیفی در حال گسترش است. به لحاظ کمی در میزان خرید کتاب ما از ۵ میلیارد ریال به ۵۰ میلیارد ریال در امسال رسیده‌ایم. به لحاظ کیفی و محتوایی هم شرایط احراز داوری تنظیم شد و داوران انتخاب کتاب بر مبنای ویژگی‌ها و تخصص انتخاب شدند و ضوابط انتخاب کتاب هم تنظیم و تدوین شد تا کار به سمت قانونمندی پیش برود. همچنین این طرح در دو دوره با رویکرد مخاطب‌شناسی مورد ارزیابی قرار گرفت. علاوه بر این امسال طرح مدارسه محوری در دبیرستان‌ها اجرا می‌شود، به این معنا که در بخش تجهیز کتابخانه این طرح، مدیران، معلمان، مربیان و مجموعه اولیای مدرسه بر مبنای نیازهای واقعی کتابخانه، کتاب‌های مورد نیاز را انتخاب و به ما اعلام می‌کنند و کتاب‌ها براساس نیاز واقعی مجموعه مدارس خریداری می‌شود. در واقع این موارد تغییر و تحولاتی است که بر مبنای بررسی مستمر و بازنگری مداوم اتفاق می‌افتد.

خرسندرو با اشاره به تأثیر این طرح بر افزایش شاخص‌های مطالعه می‌گوید: همه به اینکه شاخص‌های مطالعه در کشور مطلوب نیست، اعتراف دارند. برای اینکه دانش‌آموز کتابخوان و اهل مطالعه باشد، مجموعه‌ای از عوامل دخالت دارند که یکی از آنها توزیع مناسب است. صرفنظر از تهران در سطح کلان کشور، توزیع کتاب یکی از مشکلات عمده است. ما در پنج دوره این طرح را به صورت‌های مختلف مثلاً به صورت متمرکز استانی یا

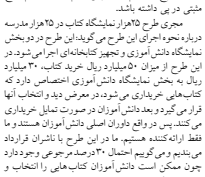

مدرسه‌ای و... اجرا کردیم و پاسخ گرفتیم. همین پاسخ‌ها ما را ترغیب کرد تا امسال در جهت افزایش شاخص‌های مطالعه طرح را تعمیم و گسترش دهیم که امیدواریم نتایج مثبتی در پی داشته باشد.

مجری طرح ۲۵هزار نمایشگاه کتاب در ۲۵ هزار مدرسه درباره نحوه اجرای این طرح می‌گوید: این طرح در دو بخش نمایشگاه دانش‌آموزی و تجهیز کتابخانه‌ای اجرا می‌شود. در این طرح از میزان ۵۰ میلیارد ریال خرید کتاب، ۳۰ میلیارد ریال به بخش نمایشگاه دانش‌آموزی اختصاص دارد که کتاب‌های خریداری می‌شود، در معرض دید و انتخاب آنها قرار می‌گیرد و بعد دانش‌آموزان در صورت تمایل خریداری می‌کنند. پس در واقع داوران اصلی دانش‌آموزان هستند و ما فقط ارائه‌کننده هستیم. ما در این طرح با ناشران قرارداد می‌بندیم و می‌گوییم احتمال ۳۰ درصد مرجوعی وجود دارد چون ممکن است دانش‌آموزان کتاب‌هایی را انتخاب و خریداری نکنند. در بخش تجهیز کتابخانه‌های دبیرستان‌ها هم انتخاب توسط معلمان، مربیان و مدیران صورت می‌گیرد. در واقع ۴۰ میلیارد ریال کتاب‌هایی که خریداری می‌شوند، به انتخاب دانش‌آموزان، معلمان و مدیران است و فقط یک پنجم از کل میزان خرید کتاب به انتخاب داوراتی است که پنج دوره موفق داشته‌اند، چون در این دوره‌ها هیچ مرجوعی نداشتیم. در واقع با خرید کتاب بر مبنای ارزشیابی دو دوره قبل به دنبال علمی کردن خرید کتاب هستیم. همچنین همزمان با افتتاح نمایشگاه، سایت اطلاع‌رسانی نمایشگاه نیز راه‌اندازی می‌شود.

وی حضور ناشران خصوصی را از ویژگی‌های عمده این طرح می‌داند و می‌گوید: در این طرح از تمام ناشران دعوت شد تا نازه‌های نشر خود را عرضه کنند و حضور ناشران خصوصی نیز افزایش یابد که خوشبختانه با استقبال مواجه شد و ۸۰ درصد خرید کتاب از ناشران خصوصی صورت گرفت تا برای آنها فضایی ایجاد شود و فقط ۲۰ درصد خرید از ناشران دولتی و آموزش و پرورش انجام شد.

مدیرعامل مؤسسه منادی تربیت این طرح را طرح ملی که نیازمند حمایت ملی است می‌داند و می‌گوید: اگر بناست شاخص‌های مطالعه را گسترش دهیم، ابتدا باید عوامل بازدارنده را شناسایی کنیم و شناخت این عوامل نیازمند یک کار پژوهشی است. بنابراین باید دست به پژوهش بزنیم تا کار، مبنای علمی داشته باشد و از سوی دیگر ساختار را دائماً بازنگری کنیم.

امیدواریم این طرح گسترش علمی بیابد و خریدها مبتنی بر پژوهش علمی باشد و تا حد مقدور اعمال سلیقه‌ها کاهش پیدا کند. این طرح ملی است و همه باید وظیفه خود بدانند که آن را تصحیح کنند. ما مدعی نیستیم که کار بی‌عیب است و بی‌شک کاستی‌هایی وجود دارد، اما اگر نگاه به این طرح اصلاحی باشد، می‌توان آن را رونق داد تا همه از آن بهره‌مند شوند. در واقع با این طرح مخاطبان شناسایی می‌شوند و ناشران به سلیقه‌های مخاطبان پی می‌برند، بنابراین دانش‌آموز از کتاب خوب و ناشر از فضای مناسب برخوردار می‌شود. ما منتظر نقد عالمانه و منصفانه هستیم. تصحیح این طرح به عنوان یک ساختار سالم توزیع کتاب وظیفه همه است و تخریب آن وظیفه هیچکس نیست. ما رفیق ناشران هستیم، نه رقیب آنها.

خرسندرو، پیرامون برنامه‌های جنبی نمایشگاه کتاب مدارس می‌گوید: برنامه‌های جنبی برعهده ما نیست و ادارات آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق مختلف به تناسب شرایط خود برنامه‌هایی را طراحی و اجرا می‌کنند. به طور مثال سال گذشته آموزش و پرورش آذربایجان غربی همایش گسترش مطالعه دانش‌آموزان را برگزار کرد و در مناطق دیگر برنامه‌هایی مثل نمایشگاه عکس، طرح مدیاز کتاب و... در کنار نمایشگاه برگزار شد. ما امیدواریم امسال کار موفق‌تر از دوره‌های قبل باشد. در این طرح وزیر آموزش و پرورش و وزیر کشور هماهنگی کردند تا استانداران و فرمانداران حضور داشته باشند. از سوی دیگر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی خواسته است تا درگیر این طرح شوند و با صدا و سیما هم برای پوشش خبری و تبلیغی مناسب این طرح هماهنگی شده است. بنابراین این یک طرح ملی است که عزم و حمایت ملی را می‌طلبد تا نتایج مثبتی برای جامعه در پی داشته باشد.

دکتر علی‌اصغر فانی:

ترویج فرهنگ کتابخوانی

دکتر علی‌اصغر فانی، معاون آموزش و پرورش نظری و مهارت‌های وزارت آموزش و پرورش درباره طرح نمایشگاه‌های کتاب در مدارس می‌گوید: این طرح از سال تحصیلی ۷۴-۷۳ به منظور ترویج فرهنگ کتابخوانی دانش‌آموزان آغاز شد که امسال به مناسبت بیست و پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اوج خود رسیده است و ۲۵ هزار نمایشگاه کتاب در ۲۵ هزار مدرسه در سه دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه افتتاح می‌شود. همزمان با اولین روز هفته کتاب با عنوان کتاب و دانش‌آموز در دبیرستان البرز در این طرح سعی شده که ناشران بیشتری درگیر شوند و کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۸۱ و ۸۲ با تنوع گسترده عرضه شود. به این منظور گروه‌های بررسی و انتخاب کتاب هم با گستردگی بیشتر در بخش‌های تربیتی و آموزشی، کار انتخاب کتاب‌ها را انجام دادند تا آثاری که در نمایشگاه عرضه می‌شوند متنوع، متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و در جهت اهداف آموزش و پرورش باشند.

فانی با اشاره به اهداف این طرح می‌گوید: ترویج فرهنگ کتابخوانی در سطح جامعه بویژه دانش‌آموزان یکی از اهداف عمده این طرح است چون معتقدیم اگر دانش‌آموزان به مطالعه عادت کنند، می‌توانیم امیدوار باشیم که جامعه آینده ما، جامعه‌ای کتابخوان باشد.

آشنا کردن دانش‌آموزان با تازه‌های نشر، تقویت و توسعه وضعیت نشر کشور، توسعه فرهنگ مکتوب و توسعه و تقویت کتابخانه‌های آموزشگاهی از اهداف این طرح است. البته در جهت ترویج فرهنگ کتابخوانی در سال‌های اخیر اقداماتی انجام شده، به طوری که در چهار سال اخیر سرانه کتاب دانش‌آموز از ۱۵ به ۵ افزایش یافته است و یکی از دلایل افزایش سرانه کتاب دانش‌آموز به طرح نمایشگاههای مدارس باز می‌گردد. ما برای اینکه به نقاط ضعف و قوت این طرح پی ببریم، نظام ارزشیابی را برای این طرح پیش‌بینی کرده‌ایم تا مشخص شود که اهداف ما تا چه اندازه تحقق یافته است. چون در هر حرکتی کارایی و اثربخشی باید مورد مطالعه قرار گیرد.

وی درباره سایر برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در کنار نمایشگاه و در هفته کتاب می‌گوید: تجهیز ۵هزار کتابخانه دبیرستان‌ها یکی از برنامه‌های ماست که به هر دبیرستان ۳میلیون ریال اختصاص می‌یابد. در این طرح معلمان و مدیران مدارس با توجه به موجودی کتابخانه و اولویت‌های خود نیازهای خود را اعلام می‌کنند و مؤسسه منادی تربیت این کتاب‌ها را خریداری می‌کند. در این برنامه ۳۰ درصد هزینه توسط مدرسه و ۷۰ درصد از کمک‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش تأمین می‌شود.

برگزاری دوره آموزش تخصصی کارشناسان کتاب و کارشناسان فعالیت‌های ادبی وزارت آموزش و پرورش در ساری همزمان با نمایشگاه از جمله برنامه‌های ماست که می‌تواند در تخصصی کردن امر کتاب و کتابخوانی در مدارس مؤثر باشد. همایش دانش‌آموزان کتابخوان و پژوهشگر همزمان با هفته کتاب و پژوهش به منظور تشویق دانش‌آموزان به کتاب و تحقیق و تربیت دانش‌آموزان پرسشگر در یزد برگزار می‌شود. با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دو مسابقه برای دانش‌آموزان با عنوان «اولین کتابی که خوانده‌ام» و «اگر مسؤول کتاب و کتابخوانی بودید چه می‌کردید» برگزار می‌شود که دانش‌آموزان می‌توانند مطالب و مقالات خود را درباره این دو موضوع ارسال کنند.

همچنین امسال برای اولین بار طرح دانش‌آموزان مؤلف را اجرا می‌کنیم. در این طرح دانش‌آموزان دوره متوسط که آثاری منتشر کرده‌اند، شناسایی شده و کتاب‌هایشان گردآوری می‌شود تا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال آینده در غرفه دانش‌آموزان مؤلف عرضه شود.

اخبار کوتاه

- رئیس سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران از تأسیس فرهنگسرای فناوری اطلاعات خبر داد.
- مراسم شب شعر پاییزان در مراکز فرهنگی قلمرو غرب سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران برگزار شد.
- انجمن ادبی نیما و انجمن اسلامی دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز همایش بزرگداشت محمود دولت‌آبادی را آذرماه امسال برگزار می‌کنند.
- سعید آذین نویسنده، شاعر و مترجم برنامه «نگاهی به ادبیات ملل» فرهنگسرای ملل به بررسی ترجمه در ایران می‌پردازد.
- جهانگیر هدایت، برادرزاده صادق هدایت، از وجود غلط‌های چاپی فراوان و تحریف در آثار این نویسنده، ابراز نگرانی کرد.
- دایرةالمعارف واژگان و اصطلاحات جنگ هشت ساله ایران و عراق، تا پایان سال منتشر می‌شود.
- «شریعه خرد» یادنگار کنگره نکوداشت منزلت علمی استاد محمدتقی جعفری زیرنظر علی‌اکبر رشاد تهیه و توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد.
- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان گفت: براساس بررسی‌های کارشناسی، به ازای هر هفت نفر در خراسان، یک جلد کتاب وجود دارد.
- خانه فرهنگ و رودآورد کلاس‌های تفسیر قرآن ویژه ماه مبارک رمضان برگزار می‌کند.
- مسابقه بزرگ کتابخوانی با موضوع مهدویت و نماز از سوی نماد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه قم برگزار می‌شود.
- دارالقرآن نیروی مقاومت بسیج طرح بزرگ قرآن در خانه را برگزار می‌کند.
- ۱۳۳ کتاب، ۷۰ پروژه تحقیقاتی، ۵۰ پایان‌نامه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا به دبیرخانه چهارمین جشنواره علمی و پژوهشی فردوسی رسیده است. این جشنواره در هفته پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود.
- کتابخانه علامه جعفری یک مسابقه کتابخوانی از کتاب جاذبه و دافعه علی (ع) اثر استاد مطهری برگزار می‌کند.
- آیین بزرگداشت هشتادمین سال تولد استاد آشفته (شاعر مذهبی) در تالار فرهنگی فجر شهرضای اصفهان برگزار شد.
- رئیس شورای اسلامی شهر تهران با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری نمایشگاه دائمی قرآن گفت: جای خالی نمایشگاه یا موزه دائمی قرآن در شهر تهران محسوس است.
- سومین همایش قرآنی دادگستری کل استان تهران با حضور مسؤولان دادگستری و قاریان برجسته بین‌المللی برگزار شد.
- مجموعه کامل آثار صمد بهرنگی، در سه دفتر توسط انتشارات بهرنگی در تبریز منتشر شد.
- نمایشگاه مصحف ایران با ارائه هزار سال هنر کتاب‌آرایی قرآن مجید، خوشنویسی و... در آرامگاه نادری مشهد برپا شد.
- سومین همایش استانی «از کعبه تا کوفه» با حضور جمعی از شاعران استان گیلان و تهران در رشت برگزار شد.
- پایگاه اینترنتی پیام شرق با هدف اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی پیرامون مباحث مختلف تاریخی، مذهبی و سیاسی به نشانی www.Payamesharqh.com راه‌اندازی شد.
- رئیس سازمان دانش‌آموزی آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان رباط کریم گفت: دانش‌آموزان ۲۵ آموزشگاه تازه تأسیس این منطقه، کتاب‌های کمک‌آموزشی ندارند.
- رئیس نهضت سوادآموزی شاهرود گفت: برای ترویج فرهنگ کتابخوانی، کتابخانه سیار با ۱۵۰۰ جلد کتاب در شهرستان شاهرود فعال می‌شود.
- پنجمین جشنواره سراسری شعر و قصه «غدیر» در تالار غدیر شهر قم برگزار شد.
- چهارمین کنگره سراسری شعر «ایوار» ۱۸ و ۱۹ دی ماه امسال در مجتمع فرهنگی ـ هنری ارشاد خرم‌آباد برگزار می‌شود.
- کانون فرهنگ و ادب فرهنگسرای بهمن به منظور آشنایی، ترغیب و تشویق جوانان و نوجوانان در زمینه ادبی، اقدام به تشکیل کارگاه داستان‌نویسی به صورت رایگان (با حضور محمدرضا گودرزی، چهارشنبه‌ها از ساعت ۱۶) نموده است.
- در ادامه سلسله گفتارهای فرهنگی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیزدهمین نشست این مرکز با عنوان «انسان و انقلاب تکنولوژیکی» با سخنرانی دکتر شهیدخت خوارزمی برگزار شد.
- نمایشگاه تازه‌های نشر در حوزه علوم قرآنی تا ۲۷ رمضان در نگارخانه وصال برپاست.
- نمایشگاه کتاب‌های تخصصی علوم قرآنی و نمایشگاه پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های قرآنی همراه با نمایشگاه و فروشگاه کتاب و CDهای مذهبی تا ۲ آذرماه در محل دانشکده علوم قرآنی برپاست.
- دومین نمایشگاه سراسری قرآن در سرای سعدالسلطنه قزوین با عرضه ۱۵۰۰ عنوان کتاب و تخفیف ۲۵ تا ۳۰ درصدی برپا شد.
- نمایشگاه بزرگ کتاب با عنوان «صحراب» در محوطه دبستان مالک‌اشتر بروجرد برپا شد. در این نمایشگاه که تا پایان آبان دایر بود، بیش از سه هزار عنوان کتاب در قالب ۵۰هزار جلد و با موضوعات مختلف از ۳۰ ناشر گشایش عرضه شد.
- در نمایشگاه بزرگ «تربت» در بندرانزلی، آثار و کتاب‌های دانش‌آموزان و فرهنگیان شهر عرضه شد.
- کامل‌ترین نرم‌افزار تفسیر قرآن شامل ۲۵۰ هزار صفحه از تفسیر و ترجمه‌های قرآنی بزودی منتشر می‌شود.

سرگذر

سهیل محمودی

داستان تبعید دوست عزیز ما

هر آنکه جانب اهل وفا نگهدارد
خدائش در همه حال از بلا نگهدارد
گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند
نگاهدار سر رشته تا نگهدارد
دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته‌ات به دو دست دعا نگهدارد
لسان‌الغیب حافظ شیرازی

نمی دانم، بار اول چه کسی پیشنهاد داد. یک پاتوق و همایش بزرگ فرهنگی در تهران. آن هم با همکاری و هزینه‌ها و همدلی خود مردم. فقط دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مراکز حقوق بگیر از بودجه عمومی، در اینجا پیروانند. نه کارفرما و صاحب دستور و فرمانده و آمر. نمایشگاه کتاب تهران را می گویم. آن هم به همین هنجار و ریخت و هیئت و سامان و شکلی، که سال‌هاست برگزار می شود. در بهار. اردیبهشت ماه. در محل دائمی نمایشگاهها. اتوبان چمران.

در سال های اولیه انقلاب، نمایشگاههای متفرقه کتاب را به یاد دارم. این سو و آن سو. و هر یک به مناسبتی. مثلاً بیست و دو بهمن، هفته دفاع مقدس، هفته کتاب و مانند اینها. اما نمایشگاه کتاب، آن هم با این حجم و به این گستره و در این محل و با این استقبال، از اتفاقات تاریخ ماست. نه تاریخ بعد از انقلاب. که در همه تاریخ این سرزمین. همه ناشران و کتابفروشان جمع شوند؛ هر چه کتاب تولید کرده‌اند، بیاورند؛ همه سالن ها و غرفه های نمایشگاه پر شود؛ هر چه نویسنده و شاعر و مؤلف و صاحب اثر مکتوب سراغ داریم، بیایند؛ و بیشترین تعداد بازدیدکننده از یک نمایشگاه در طول سال و در کل ایران هم بیایند. این اتفاق از آن اتفاق های خجسته است. نمی دانم که پیشنهاد داد این اجتماع عظیم را. فکر اولیه از که بود؟ مجریان اولیه این فکر چه کسانی بودند؟ سال های اول، این حرکت چه مشکلاتی داشت؟ تداوم و پیگیری کار، چگونه انجام شد؟ اینها را نمی دانم. من در خلوت خودم کتاب می خوانم و چیز می نویسم. اما می دانم که بیش از همیشه، در همه طول سال، این ده -دوازده روز است، که یک لحظه در خلوتم قرار نمی گیرم. می زنم بیرون. و هر قرار و مدار و دیدار و وعده‌ای هم دارم، همانجاست. نمایشگاه کتاب. اصلاً دلم برای بسیاری از عزیزان که تنگ شده، در همانجا می بینمشان. هر کسی هم مرا بخواهد ببیند، در همان حوالی پیدایم می کند. جاهای دیگر هر چقدر هم که پاتوق باشند، باز خصوصی اند. شخصی اند. فراگیر نیستند. اما نمایشگاه کتاب، یک پاتوق همگانی است. پاتوق را هم با مثبت ترین حال و هوایش می گویم. کدام نویسنده و شاعر و هنرمند و نقاش و خطاط و... را سراغ داری، که طالب دیدارش باشی و نتوانی در نمایشگاه کتاب تهران پیدایش کنی و به دیدارش برسی. انگار قیامت است اینجا. همه به دیدار هم می رسند. همه برپا و سرحال در ازدحامند و در شور و نشور.

و عجیب آزادند آدم ها در این محیط. راحت می روند و می آیند. بی هیچ امر و نهی خارج آهنگی. که آدم هایی از این دست، خود بایدها و نبایدها را - حتی اگر قبول هم نداشته باشند -رعایت می کنند. که چراغ نمایشگاه به عنوان یک پاتوق فرهنگی، روشن بماند. و عجیب تر آنکه معمولاً در اجتماعات، مرزبندی های فکری و اجتماعی و فلسفی و سیاسی، موجب بسیاری از جدایی ها و تفرق هاست، اما در این نمایشگاه، همه هستند. هر نحله و گرایش و تفکری. هیچ کس هم جا را برای دیگری تنگ نمی کند. سر و وضع ها و ظواهر گوناگون و منش های متفاوت و ادبیات ها و دیالوگ ها دیگرگون و حال و هوای دور و نزدیک همه در نمایشگاه کتاب تهران، جا می گیرند. تغییر و تحول های سیاسی و اجتماعی، مدیریت های متفاوت فرهنگی، جابه جایی وزیران و مدیرکل های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم، در این زمینه دخلی نداشته اند. نمایشگاه، در ذات و جوهره خود، کارش را کرده و پیش رفته. متعلق به همه بوده. نهایت آنکه چهار تا سالن سخنرانی و صندلی های جایگاه افتتاحیه و اختتامیه را به فلان موافق و مخالف زیاد و کم داده‌اند. آن هم مهم نبوده. مهم خود غرفه ها و سالن ها و

مردم و اهل فرهنگ بوده‌اند. که آمده‌اند. حضور داشته‌اند. و ارزش بخشیده‌اند به کتاب و قلم و نشر و ناشر و نویسنده و کتابخوان. آن هم در این بلبشوی اقتصادی و دلتنگی های عدم رغبت برخی به کتاب و دلتنگی های اهل فرهنگ و مشکلات شمارگان پایین و... بالاخره این نمایشگاه کتاب در محل دائمی نمایشگاهها در اتوبان شهید چمران، عرض اندامی بوده شایسته در برابر همه این مشکلات و کاستی ها. و نشانه‌ای بوده از اینکه فرهنگ هست، نفس می کشد، خواهان دارد، و قرار است کتاب در این شلوغی های روز و روزگار، فریادرس همه ما باشد.

اما و اما. خبرها خوش نیستند. نمایشگاه کتاب، در حال تبعید است. یعنی همه مشکلات شهری در تهران حل شده. حالا که شرکت واحد اتوبوسرانی هیچ مشکل و کاستی ندارد؛ حالا که تاکسی رانی هیچ کاستی و مشکلی ندارد؛ حالا که در هیچ کجای شهر هیچ خیابانی با مشکل ترافیکی روبه رو نیست ؛ حالا که هیچ مسأله‌ای به نام معضلات شهری در تهران نداریم؛ به عنوان آخرین مزاحم و تنها معضل باقی مانده، نمایشگاه کتاب را به عنوان یک مانع از سر راه زندگی آسوده در تهران برداریم و پرتاب کنیم به نمی دانم جاده ساوه، پرندک، جاده قم، شورآباد، حسن آباد، چی چی آباد و چی چی نه آباد، تنها مشکل این شهر، یک نمایشگاه کتاب است. که باید برود و از جلوی چشم دور شود. و مزاحمتی برای شهروندان پدید نیاورد. همیشه اتوبان و حوالی آن خلوت است و بی دردسر. فقط همین نمایشگاه بین‌المللی و مردمی کتاب است که شهر را بیخود شلوغ کرده است. همین. و باید تبعید کرد این شلوغ مزاحم وقت‌نشناس را. به کجا؟ به چی چی آباد. به جاده نمی دانم کجا. به جایی که پای آدم و عالم بسختی به آن برسد. به جایی که اینهمه معرکه به پا نکند. این همه ازدحام ایجاد نکند. این همه آدم را بی جهت دور خودش جمع نکند. اصلاً باید بیندازیمش بیرون. با این همه درد سرهایش.

ooo

من اصلاً شهردار تهران را نمی شناسم. اسم و نام و نشان اعضای شورای شهر را هم نمی دانم. به جز سه تن. که از قضا با همه اختلاف دیدگاههایم با این سه تن، به آنها رأی دادم. در آن بلبشوی قبلی و شلوغی انتخابات این دوره شورای شهر، نام چند نفر را نوشتم و در صندوق ها انداختم. فکر هم نکردم که چپ اند یا راست. این طرفی اند یا آن طرفی. که از حساب وکتاب های این وری و آن وری هیچ نمی دانم. فقط ده - دوازده نفر را به ایمان و درد و سابقه‌ای - یا حضوری و یا از دور - می شناختم. و با همه تفاوت دیدگاهم، به ایمان و وطن دوستی و مردم گرایی شان باور داشتم. و از قضا، سه تن از آنها، رفتند به این شورای شهر حالیه. دکتر شیبانی پیرمرد صاحب درد. مهندس چمران مایتسال آرام و متین. و پهلوان رسول خادم جوان نجیب و افتخارآفرین. خوشت بیاید و بدت بیاید به این سه تن، در کنار نام های دیگری که به شورا نرفتند، رأی دادم. و حالا به عنوان یک رأی دهنده‌ای که هیچ کس را در شورای شهر و شهرداری، جز این سه تن نمی شناسد، می گویم: نمایشگاه کتاب عزیز، نمایشگاه عزیز کتاب، نمایشگاه کتاب تهران را دریابید! چشم به هم بزنید اردیبهشت فرا می رسد. نگذارید، نمایشگاه کتاب تهران تبعید شود. که این تبعید، یعنی تعطیل. من با آگاهی از بسیاری اختلاف دیدگاهها که با شما داشته، به شما رأی دادم. چرا که شما را صاحب فرهنگ، فرهنگ‌دوست و فرهنگ‌دار می دانستم. و حالا، به عنوان یک صاحب رأی ناچیز، اما آگاه، از شما می خواهم نگذارید در معرکه و لجبازی، در بلوای سیاست و سیاست بازی، نمایشگاه کتاب قربانی شود. آقایان، فکر کنید باستانی پاریزی عزیز با ماشین «لاداء»ی تاریخی اش، بخواهد برود نمایشگاه کتابی که در کجاآباد برپا شده. چگونه برود؟ فکر کنید خانم دکتر قمر آریان بزرگوار، که او خود در کنار همسرش شادروان زرین کوب، بیشترین خدمت را به کتاب و کتابخوانی کرده‌اند، قرار است سوار تاکسی سرویس شود و نیمی از روز در راه باشد تا برسد به کجاآبادی که نمایشگاه کتاب قرار است برپا شود و نیمی از روز هم برگردد به خانه اش. فکر کنید خانم دانشور. فکر کنید استاد عبدالمحمد آیتی. دکتر شهیدی. فکر کنید جناب دکتر ابوالقاسم گرجی. فکر کنید این همه پیر و بزرگتر و پیشکسوت اهل کتاب بخواهند ساعت ها به خارج از شهر بروند و بیایند. حتی ما کوچکترها. حتی جوان ها.

بزرگواران! نمایشگاه کتاب تهران، باید در خود تهران برپا شود. نمایشگاه را، کتاب را، ما را تبعید نکنید.

یا علی مدد

راسته کتابفروش‌ها

نصرالله حدادی

زنده باد دلال

سال‌هاست به هنگام شروع سال تحصیلی و بازگشایی مدارس و دانشگاهها، تعداد زیادی از کتاب‌های ناشران بخش خصوصی و دولتی، درسی می شوند و دانش‌آموزان و دانشجویان باید «پاشنه گیوه را ور بکشند» و «حالا ندو، کی بدو» دنبال اینگونه کتاب‌ها.

آن دسته از دانش‌آموزان و دانشجویانی که مقیم تهران هستند و یا شانس آورده و در تهران قبول و پذیرفته شده‌اند، این بخت را دارند که کتاب را به هر صورتی به دست آورند، اما شهرستانی‌ها، کمتر این شانس و اقبال را دارند، بی دغدغه و دردسر سال تحصیلی را آغاز کنند. کافی است کتابی خواهان داشته باشد و ناز و ادای برخی از ناشران هم به دنبالش، «حالا خر بیار و باقالی بار کن» و «همه سر کار می روند» تا کتاب را تهیه کنند.

کتاب فیزیک مشهوری که توسط یکی از ناشران دولتی به چاپ می رسد، ویراست ششمش به بازار آمده است.

اساتید، ترجمه قبلی را قبول دارند و در این بین آنکه مسأصل و معطل است، دانشجوی بیچاره‌ای است که نمی داند چه باید بکند.

کتاب روانشناس به نامی که از سوی یک انتشارات نیمه دولتی به چاپ می رسد، اول مهر در بازار نبود و قیمت آن در بازار سیاه به دو برابر رسید و این روزها «دست فلک هم به آن نمی رسد» و باز هم این دانشجوی بخت برگشته است که علاوه بر تحصیل در دانشگاه نیمه آزاد و آزاد، باید بازار سیاه کتاب را نیز تحمل کند.

چند کتاب در حیطه اخلاق و معارف اسلامی، که ناشری در قم دارد، به صورت پخش انحصاری در اختیار یک مؤسسه است.

هیچ کدام از کتابهای این مؤسسه «در دسترس نمی باشد» و مشتی ضداخلاق، به نام دلال، آن را در بازار سیاه گاه تا پنج و ده برابر قیمت به دانشجوی مسأصل می فروشند.

نکته گفتنی در مورد این کتاب‌ها، دولتی بودن اکثریت قریب به اتفاق ناشران آنان است و عدم مآل‌اندیشی و عکس‌العمل به موقع، موجب پدید آمدن بازار آشفته‌ای شده است که تنها مشتی دلال از آن استفاده می برند و بس.

آیا سخت است محاسبه تعداد دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی در سراسر کشور؟ در رشته‌های تخصصی به خوبی می توان شمارگان درخواستی را حدس زد و به چاپ رساند و در رشته‌های عمومی و کتاب‌هایی که برای بسیاری از دانشجویان سراسر کشور «پاس کردن واحدش» اجباری است نیز به همین طریق. پس چرا بازار سیاه کتاب؟

نکته حایز اهمیت دیگر، چاپ اینگونه کتاب‌ها از سوی مشتی طرار و فرصت طلب است که کتاب را به نام ناشر اصلی با همان شکل و شمایل به چاپ می رسانند و «از آب کره می گیرند» و عدم برنامه‌ریزی ناشر را با دسته دسته اسکناس «پشت سبز» بدون هیچ دردسر و تردیدی عوض می کنند و در این بین آن که ضرر می کند، باز هم دانشجوست.

متأسفانه آنقدر تعداد اینگونه کتاب‌ها زیاد است و هر سال به تعداد آنها افزوده می شود که حد و حساب ندارد و کافی است گشتی در روبه‌روی دانشگاه تهران بزنیم تا دریابیم چقدر این بازار آشفته است. وضعی که در مورد کتاب‌های درسی دانش‌آموزان تا قبل از تشکیل سازمان کتاب‌های درسی وجود داشت و با تشکیل این سازمان از بیخ و بن برکنده شد.

این خیال، با توجه به گستردگی رشته‌های تحصیلی و گسترش انواع و اقسام دانشگاهها، در حال حاضر محال به نظر می رسد و انحصار بعضی از کتاب‌ها، در دست ناشران دولتی، هر سال چنین بازاری را تدارک می بیند.

آیا اصراری برای به وجود آمدن چنین بازاری هست؟ و سؤال اساسی‌تر: چرا از آزار و اذیت و معطلی مردم «ککمان نمی گزد» و ناراحت نمی شویم؟ هر چند این سؤال را باید از متولیان امر آموزش عالی کشور پرسید: چرا «چاه را نکنده، منار را می ربایند» و کتاب مورد نیاز دانشجو را تأمین نکرده، او را وادار می کنند تا آن را تهیه کند و بخواند واحدش را پاس کند؟

با یک «حساب دو دونا، چهار تا» می توان حدس زد صنعت نشر کشور از این راه چقدر متضرر می شود و آنکه بیش از همه ضرر و خسارت تحمل می کند، دانشجو است و به طریق اولی، نظام آموزشی کشور، که با فرهنگ دلالی رشد کند.

من نمی دانم روی سخنم با چه کسانی می تواند باشد، اما از همه ناشران دولتی که اینگونه کتاب‌ها را در اختیار دارند، از طرف دهها هزار دانشجویی که سرگردان به دنبال کتاب‌های آنان هستند، استدعا می کنم کتاب‌هایشان را به موقع چاپ کنند، تا من خیال نکنم زنده باد دلال!

یادی از دو استاد

سیدعلی‌محمد رفیعی

آغازین روزهای آذرماه برای من همواره یادآور درگذشت دو استاد تأثیرگذار است: شادروان عباسعلی استاد ولی (آقاشیخ عباس نجار) و زنده‌یاد استاد سید حسن میرخانی (سراج الکُتّاب).

مردسطرهای زُلال

نام عباسعلی استاد ولی (۱۳۰۰-۱۳۷۰/۹/۳) که بعدها به آقاشیخ عباس نجار معروف شد را برخی از پیرمردان تهرانی به یاد دارند. مردی که مجالس گیرا و جذاب چندین ساعته او سرشار از آموزه‌های قرآن و حدیث بود. از جوانی به دروس و مطالعات دینی گرایش یافته بود اما هیچ‌گاه از راه دین ارتزاق نمی‌کرد. روزها نجاری می‌کرد و شبها درس می‌خواند و داشتن پیشه تا آخر عمر او ادامه یافت با این تفاوت که با گذر عمر، نجاری به مبلسازی و سپس به کتابفروشی تغییر شکل داد. حالّاتی داشت و مکاشفاتی و سوزی و عشقی. عارفان معاصر اهل شریعت را دیده بود و تشنگی دیدار مرد خدایی و یادگیری نکته‌ای آموزنده و مفید داشت. معتقد بود که کنار نهادن منابع اصیل و دست اول و پرداختن به منابع دست چندم عمر هدر دادن است. مهمترین تأثیر او این بود که جوانان دوستدار معارف را به مطالعه قرآن و منابع اصیل روایی حوالت می‌داد و خود، آن قدر کتاب به آنها معرفی می‌کرد و آن قدر آثار روایی داشت و آن قدر از آنها سخن می‌گفت و نقل قول می‌کرد که شاگرد، پس از مدتی اندک، خود را در دریایی از معارف اصیل، زلال و ناب غوطه‌ور می‌دید و به نکاتی پی می‌برد که بسیاری پس از دهها سال مطالعهٔ دینی به آن دست نمی‌یابند.

او برای انتقال مفاهیم اصیل تشیع به نسلهای جوان و مردم کوچه و بازار، عبا و عمامه را کنار نهاده بود و در قهوه‌خانه‌ها و مکانهای عمومی و مجالس خصوصی خود و دیگران سخن می‌گفت و می‌خواند. نفوذ کلام او که تصنع نداشت، از درون مطمئن و عاشق او مایه می‌گرفت و از متون و معارفی که برای او یقینی بودند.

او بر برخی از کسانی که امروزه اهل دانش دینی‌اند تأثیر نهاده و راه آنها را با معارف ناب اهل بیت هموار کرده است.

نبوغ هنری و روح عرفانی

استاد سید حسن میرخانی (سراج الکُتّاب) (۱۲۹۰-۱۳۶۹/۹/۵) بی‌نیاز از معرفی است. حتی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، عکس و زندگینامه کوتاهی از او را در کتاب هنر خود خوانده‌اند. در یادکردهای او همه جا از اخلاق والا، زهد و روح عرفانی او سخن می‌گویند گرچه نبوغ هنری او والاتر و بالاتر از همه اینهاست و همین ویژگی بود که استادان معاصر خوشنویسی ایران به افتخار شاگردیش می‌بالند. ذهن پویا و خلاق و مرتبتی که در اجتهاد هنری خود به آن رسیده بود، میراث استادان گذشته و تجربیات بزرگترین خوشنویسان متقدم، او را به اوج کمال خوشنویسی نستعلیق رسانده بود.

متأسفانه در انتقال آموزه‌های هنری این استاد به نسل معاصر، بسیار کمتر از آن‌چه باید، کاری صورت پذیرفته است. در برخی مجموعه‌ها که نمونه‌هایی از خطوط او را می‌شود دید، آثار درجه ۲ یا ۳ او عرضه شده‌اند و از بسیاری قطعات سحرآفرین و قوی او خبری نیست. کتابهایی که خوشنویسی کرده بود دیگر به چاپ نمی‌رسند یا با کیفیت نازل و افت کیفیت خط روبه‌رو هستند. تقریباً همه خوشنویسان معاصر به‌ویژه جوانان علاقه‌مند، از این بیخبرند که او و برادرش (استاد سید حسین میرخانی) و خوشنویسان بزرگ گذشته، نه بر روی میز که بر روی زانو می‌نوشتند و استاد سید حسن میرخانی زمانی که بر روی صندلی و پشت میز می‌نشست سکویی به زیر پامی نهاد تا پای او بالاتر بیاید و بر روی زانو بنویسد. فواید این کار بیش از آن است که در این مختصر بگنجد. او قلم را تنها با دو انگشت -سبابه و شست- می‌گرفت و این دو انگشت او در هنگام نوشتن کاملاً راست و بدون خم شدن مفصلها بودند. این گونه نوشتن، چنان قدرت و امکان چرخش به قلم می‌دهد بدون آن‌که نیاز به استفاده بیمورد از مچ باشد. این گونه قلم به دست گرفتن بیش از اندازه کار خوشنویس را پیشرفت و سرعت می‌بخشد. قط قلم آنها بیش از قلم معاصران کج یا اصطلاحاً محرف بود تا جایی که زاویه نشست قلم بر روی کاغذ به همان اندازه‌ای می‌شد که در خط نستعلیق باید باشد. زبانه و میدان قلم او حداقل به اندازه محیط دایره استوانه قلم بود و شکل آن زیبایی و طرح خاصی داشت که اصطلاحاً به آن «سینه کبوتری» می‌گویند.

بخشی از زیباییهای مفردات آثار این استاد به خاطر همین شیوه نوشتن است و مابقی به روح بلند و آزاد و نبوغ شگرف و نظر دقیق و زیبایی شناس او برمی‌گردد.

تعهد اخلاقی و دینی او به جامعه و به‌ویژه همدمی او با جوانان و علاقه‌اش به هدایت آنان مایه آن شد که به تصحیح و نگارش مهمترین آثار عرفانی و اخلاقی در میان شاهکارهای ادب پارسی بپردازد که از آن میان می‌توان به آثار نظامی، مولانا، سعدی و حافظ اشاره داشت. نام این سلسله کتابها را «نشر کتب اخلاق» نهاده بود و خود، همه مراحل آن را -از سرمایه گذاری تا پیگیری کار لیتوگرافی و چاپ و صحافی و پخش- بر دوش می‌کشید. «دیوان بنده» که مجموعه سروده‌های اوست، سالها متن مورد علاقه مجالس عرفانی بود و در آن سروده‌هایی می‌توان یافت که بعدها مشهور شدند.

جایشان خالی و روانشان شاد

و پیامبر گوید: «پروردگارم! مردم من این قرآن را کنار نهادند و فرو گذاشتند.»
قرآن کریم، سوره فرقان (۲۵)، آیه ۳۰

خدا را! خدا را! درباره قرآن. مبادا دیگران با عمل به آن بر شما پیشی گیرند.
امیر مؤمنان علی(ع)، گزیده میزان‌الحکمه، حدیث ۱۶۰۵۵ به نقل از نهج‌البلاغه

آشنایی با کتابشناسی جهانی علوم قرآنی

تدوین کتابشناسی و کتابنامه در جهان اسلام از سده‌های اول ظهور اسلام آغاز شده است. فهرست این ندیم را اولین اثر در این زمینه می‌توان نام برد. تدوین کنندگان منابعی که نام کتابشناسی به خود گرفته‌اند، شوق اطلاع‌رسانی دارند. آنها می‌خواهند بیشترین اطلاعات را حداقل در یک موضوع در کمترین زمان ممکن به اطلاع محققان برسانند.

از آنجا که کتابشناسیها بهترین ابزار اطلاع‌رسانی پژوهشی‌اند و می‌توانند سنگ زیرین تحقیقات و تألیفهای متعدد قرار گیرند و ضمناً از اجرای پژوهشهای موازی و تکراری بکاهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مؤسسه پارسا (پایگاه اطلاع‌رسانی اسلامی) در ادامه تدوین و انتشار سلسله آثار مرجع، این بار کتابشناسی توصیفی و موضوعی علوم قرآنی را به منظور راهنمایی پژوهشگران، اندیشمندان و دانشجویان عرضه کرده است.

این کتابشناسی در دو بخش تدوین شده است: (۱) قرآن و علوم قرآنی، (۲) معارف قرآنی.

۱. قرآن و علوم قرآنی

در این بخش که عمده کتاب است، کلیه آثاری که مستقیماً با قرآن و یا یکی از شاخه‌های علوم قرآن مرتبط‌اند به شکل موضوعی معرفی شده‌اند: تفسیر و ترجمه، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اعجاز قرآنی، قسمها و مثلها، اوصاف قرآن و مسائل جدید قرآن‌پژوهی.

۲. معارف قرآنی

در این بخش کتابهایی که درباره موضوعها و مفاهیم قرآن تألیف شده معرفی شده است؛ مانند: منابعی که به اخلاق قرآنی پرداخته‌اند یا منابع فقهی، فلسفی و کلامی که درباره قرآن نگارش یافته‌اند. این بخش ۱۷ شاخه (از اخلاق تا هنر) را در بر می‌گیرد.

شیوه ارائه اطلاعات

هر واحد اطلاعاتی در کتابشناسی جهانی علوم قرآنی با یک شماره پیاپی مشخص می‌شود و شامل سه قسمت اصلی است:

۱. مأخذشناسی،
۲. نمایه موضوعی،
۳. چکیده.

مأخذشناسی

مأخذشناسی هر منبع، شامل هفت قسمت است: پدیدآورنده، عنوان، دستیار پدیدآورنده، مشخصات، ارتباطات محتوایی، کدها و ملاحظات.

چینش مدخلها بر اساس حروف الفبایی نام پدیدآورنده، و پس از آن، مطابق ترتیب الفبایی «عنوان» شکل گرفته است.

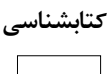

این کتابشناسی، با معرفی ۹۵۰۰ کتاب، در چهار جلد رحلی همراه با لوح فشرده، همزمان با بازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم منتشر شده است

در ابتدای هر منبع، علامت ویژه‌ای نمایش داده شده است که نشانگر زبان آن منبع (عربی، انگلیسی، فرانسه، اردو یا آلمانی) است.

پدیدآورندگان. جهت دقیقتر کردن نقش پدیدآورندگان و عرضه اطلاعات بیشتر به خوانندگان، در این کتابشناسی با دید جزئی‌تری به پدیدآورندگان نگریسته شده است.

عنوان. پس از سرشناسه، عنوان قرار می‌گیرد و چنانچه اثری عنوان فرعی هم داشته باشد، پس از عنوان اصلی و با علامت (:) می‌آید.

مشخصات اثر. پس از ذکر پدیدآورندگان، مشخصات کتابشناختی یک اثر ذکر می‌شود که شامل تعداد و شماره جلد، محل نشر، ناشر، تعداد صفحه، زبان، شمارگان، قطع، نوع جلد و بهای آن است. آن‌گاه نوبت به فهارس، منابع، کتابنامه، عکس، نمودار و... می‌رسد. پس از اتمام این مشخصات، چنان‌چه منبع دارای مقدمه یا ضمیمه باشد ذکر می‌شود و در پایان، محل نگهداری منابع آمده است. مواردی که محل نگهداری آن ثبت نشده و یا با عنوان آرشیو آمده، به این معنی است که این منابع از کتابخانه‌های شخصی، نمایشگاهها و مانند آنها فیشبرداری شده و محل قابل مراجعه عموم، برای منبع یافت نشده است.

عناوین مقالات مجموعه مقاله‌ها به همراه نام نویسندگان آنها، پس از مشخصات کتابشناختی آن مجموعه ذکر گردیده است.

ارتباطات محتوایی. عنوان اصلی متن مبدأ در ترجمه یا متن نقد شده و مورد شرح و... در این قسمت ذکر می‌شود. البته در صورتی که عنوان اصلی از لابه‌لای مشخصات کتابشناختی به دست آید، به خاطر پرهیز از تکرار، عنوان اصلی آورده نشده است. برای این منظور از عبارت: عنوان متن شرح شده، یا نقد شده و... استفاده شده است.

همچنین مدخلهای وابسته به هر یک از منابع (در صورت آمدن در این کتاب) با عنوان: آثار پیرامون این اثر، مشخص شده‌اند.

کدها پس از اطلاعات کتابشناختی، در صورتی که اثر دارای شابک، کد دیویی و کنگره باشد -در مواردی که در فهرست فیپا موجود بوده است- ذکر می‌شود.

نمایه‌های موضوعی

کلیه منابعی که فرایند مأخذشناسی در مورد آنها انجام پذیرفته، با استفاده از زبان کنترل شده نمایه‌سازی شده‌اند.

برخی منابع دارای موضوعهای متعددی هستند؛ یکی اصلی و بقیه فرعی. در این موارد نمایه‌های موضوعی به دو صورت آمده‌اند: نمایه اصلی با حروف برجسته و نمایه‌های فرعی با حروف معمولی به نمایش درآمده است و هر کدام از این نمایه‌ها با علامت (:) از یکدیگر جدا شده‌اند. همچنین در ذیل بعضی موضوعها آثار ارجاعی معرفی شده‌اند؛ این بدان معناست که نمایه اصلی اثر در ذیل موضوع دیگری قرار دارد که به آن ارجاع شده است.

چکیده‌نویسی

متونی که از ویژگی پژوهشی و علمی بالاتری برخوردار بوده‌اند، چکیده شده‌اند. در مجموع برای بیش از ۴۰٪ منابع، چکیده تهیه شده است.

چکیده‌های کتابشناسی جهانی قرآن عمدتاً از نوع توصیفی و گاه توصیفی- تشریحی است و تابع اصول و قواعد کلی زیر است:

۱. تعداد کلمات آن محدود است و معمولاً از ۲۵۰ کلمه تجاوز نمی‌کند.

۲. از هر نوع نقد و نظر و ارزشگذاری و داوری درباره متن چکیده‌شده (جز در موارد بسیار اندک)، خودداری و خوب و بد آن به خواننده واگذار شده است.

فهرستواره‌ها

چند فهرستواره بر اساس حرف الفبا تنظیم و ضمیمه شده است که با مراجعه به آنها می‌توان به‌صورتی روشمند، از اطلاعات کتب و منابع استفاده کرد. این فهرستواره‌ها عبارت‌اند از: عناوین، پدیدآورندگان، ناشران، موضوعها به‌صورت الفبایی و به‌صورت سلسله مراتبی، عناوین به لاتین، کدهای دیوئی و کنگره و فهرستواره نرم‌افزارهای قرآنی.

کتابشناسی علوم قرآنی، با معرفی ۹۵۰۰ کتاب، در چهار جلد رحلی همراه با لوح فشرده، همزمان با یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم منتشر شده است.

کتاب

مجموعه مقالات نصر

جاودان خرد (مجموعه مقالات دکتر سید حسین نصر)، به اهتمام دکتر سید حسن حسینی، جلد اول، چاپ اول، قطع وزیری، ۵۲۱ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۴، بها: ۳۷۰۰۰ ریال.

این کتاب مجموعه مقالاتی از دکتر سید حسین نصر است که در طی چهل سال گذشته نیمی در ایران و نیمی دیگر در خارج از کشور نوشته شده‌اند، اعم از این که نتیجه تحقیقات نویسنده‌اند یا به انگیزه برگزاری بزرگداشتها و جشنهای مختلف مربوط به چهره‌های نامدار حکمت و معرفت به رشته تحریر درآمده‌اند.

۴۲ مقاله این کتاب در شش فصل دسته‌بندی شده‌اند: مطالعات اسلامی و ادیان تطبیقی؛ تصوف، عرفان و هنر سنتی؛ فلسفه اسلامی و مباحث فلسفی؛ مباحث علمی و تاریخ علوم؛ بزرگان تفکر اسلامی، و ایران و فرهنگ آن.

عناوین این مقالات عبارت‌اند از:

۱. نظری به ادیان عالم؛ ۲. گزارشی از کنفرانس بین‌المللی اسلامی در پاکستان؛ ۳. گزارشی از اولین مجمع علمی درباره تشیع در مغرب‌زمین؛ ۴. دین در جهان معاصر؛ ۵. دین و فلسفه؛ ۶. ویژگیهای فرهنگ اسلامی؛ ۷. اسلام در غرب (اروپای غربی و آمریکا)؛ ۸. پلورالیزم دینی و اسلام؛ ۹. عالم خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی؛ ۱۰. تصوف و تأثیر آن در موسیقی؛ ۱۱. عرفان نظری و سیر و سلوک در تصوف؛ ۱۲. وجود و نکسر آن؛ ۱۳. ملاصدرا در هندوستان؛ ۱۴. هرمس و نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی؛ ۱۵. اهمیت تحقیق در فلسفه اسلامی در عصر حاضر؛ ۱۶. فلسفه در ایران باستان؛ ۱۷. کنگره فلسفی پاکستان؛ ۱۸. نفوذ فلسفه اسلامی در مکتبهای فلسفی مغرب زمین؛ ۱۹. برخی مسائل مربوط به تاریخ فلسفه در ایران اسلامی؛ ۲۰. انسان، فلسفه وجود و اگزیستانسیالیزم؛ ۲۱. رسالهٔ فی حقیقة‌العشق از شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی؛ ۲۲. سنت فلسفی در ایران و اهمیت آن در جهان معاصر؛ ۲۳. شرح مونس العشاق سهروردی؛ ۲۴. ایرانیان و فلسفه اسلامی؛ ۲۵. حکمت ایرانی؛ ۲۶. طرح مجلدات منتخبات فلسفه در ایران؛ ۲۷. حوزه فلسفی و عرفانی تهران؛ ۲۸. نظریات ابوریحان بیرونی درباره معنی طبیعت و روشهای تحقیق در علوم طبیعی؛ ۲۹. مختصری درباره تحقیقات نوین در تاریخ نجوم اسلامی؛ ۳۰. از کیمیای جابر تا شیمی رازی؛ ۳۱. عوامل مؤثر در علم و تحقیق در ایران؛ ۳۲. شیعیانان نامی اسلامی؛ ۳۳. نکاتی چند درباره شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی؛ ۳۴. مفسر عالم غربت و شهید طریق معرفت شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی؛ ۳۵. زندگانی سهروردی از زمهٔ الارواح نوشته شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری؛ ۳۶. مقام رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ فلسفه و علوم سیاسی؛ ۳۷. چرا فارابی را معلم ثانی خوانده‌اند؛ ۳۸. غزالی حکیم معاند فلسفه؛ ۳۹. چرا مولانا، چرا اکنون؟؛ ۴۰. «ایرانی بودن» در زمان حال چه معنایی دارد؛ ۴۱. ایران و فرهنگ جاوید آن؛ ۴۲. زبان فارسی و هویت ملی.

دکتر سید حسین نصر در مقدمه خود بر این کتاب نوشته است: «این مقالات، هم منعکس‌کننده تحقیقات و تفکرات تاجیز حقیر است و هم حکایت‌کننده از جو فکری و فلسفی و دینی دهه‌های چهل و پنجاه در ایران و دهه‌های بعد در محافل علمی مغرب‌زمین که با ایرانیان و زبان فارسی سر و کار داشته است.»

مریم مرادخانی، زهرا استادجعفری

نشر دینی و اهمیت ویرایش در گفت‌وگو با بوذر دیلمی معزی

ویراستار یار شاطر است نه بار خاطر

بوذر دیلمی معزی، لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و فوق لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران دارد و طلبه حوزه علمیه قم در درس خارج است. حدود ده سال است که در قم به کار ویرایش مشغول است و در کار ترجمه نیز آثاری از او وجود دارد. ترجمه «الاربعین» (کتاب حدیثی از آیت‌الله اشتهاردی)، «مراحل ستر» و قسمتی از رساله عملیه آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم از کارهای اوست. نخستین کار ویرایشی او مربوط به قرآن بوده و کتابهای زیادی از بزرگان در زمینه‌هایی چون تفسیر، معارف تطبیقی، فلسفه و... را ویرایش کرده است. به گفته خودش در ۱۰ سال فعالیت ویرایش یا ترجمه بالغ بر صدعنوان کتاب را در کارنامه خود دارد.

جایگاه ویرایش را در نشر ایران چگونه می‌بینید؟ آیا این جایگاه همپای کشورهای بزرگ اسلامی مثل مصر یا کشورهای غربی بوده است؟

ویرایش به معنای جدید در ایران، بیش از چهل - پنجاه سال قدمت ندارد و در حقیقت از غرب آمده است. مؤسساتی که قبل از انقلاب در ایران فعالیت داشته‌اند به همان روال شیوه‌نامه‌هایی که در غرب نوشته شده بود رفتار می کردند که البته با یک مجموعه تجدید نظرها و اعمال سلیقه‌هایی که متناسب با ساختار زبان فارسی باشد نیز همراه بوده است. اما به طور کلی ویرایش در ایران جایگاه خود را آن چنان که شایسته و بایسته است پیدا نکرده و به ویژه در میان انتشارانیها و در مقام مقایسه با کشورهای غربی چون مصر این امر به طور بایسته شناخته نشده است. مصریها بعد از حمله ناپلئون با فرهنگ و ادبیات غرب آشنا شدند. در زمینه تحقیق و ترجمه و نشر کتب هم عربها از ما پیش هستند. ویرایش در ایران حدود چهل - پنجاه سال قبل توسط مؤسساتی چون امیرکبیر آغاز شد. به هر حال پیشرفتهایی هم وجود داشته اما هنوز تا موقعیت مطلوب فاصله زیاد است.

وضع ویرایش را در مقایسه نشر قم با سایر مناطق چگونه ارزیابی می کنید؟

مسلماً از لحاظ کمّی، تهران به دلیل مرکزیت پیشرفت بیشتری در زمینه ویرایش داشته است. ولی از نظر کیفیت می توان گفت ویراستاران قم با ویراستاران تهرانی برابری می کنند و حتی در برخی زمینه ها - به ویژه در حوزه فرهنگ اسلامی که به مقداری تخصص و آشنایی با زبان عربی احتیاج دارد -اغلب ویراستاران قم قویترند. البته مقایسه دقیق احتیاج به بررسیهای دقیقتری دارد. به نظر می رسد مؤسساتی چون بوستان کتاب یا پژوهشکده حوزه و دانشگاه و برخی مراکز دیگر در این زمینه بسیار تلاش می کنند و سعی بر آن دارند تا با ویرایش جدید و روزآمد کردن کتابها عرضه مطلوبتری را در بازار داشته باشند. از این جهت اگر قم و تهران را همتراز در نظر نگیریم حداقل باید بگوییم که بعد از تهران، قم حرف اول را در سراسر کشور می زند.

آیا ویرایش کتب دینی و اسلامی ویژگیهای خاصی دارد؟

مطمئناً. ابتدا ویراستار باید در حرفه خود مهارت داشته باشد و ثانیاً در زمینه متنی که قصد ویراستاری آن را دارد آگاهی کامل داشته باشد. مثلاً برای ویرایش متنی فقهی مسلماً باید با فقه و فلسفه و کلام آشنایی کافی داشته باشد و آشنایی اندک کفایت نمی کند. همین گونه است ویراستاری سایر علوم. البته شایان ذکر است که حساسیت در کتب و متون دینی بیشتر است. شاید شما این داستان معروف را شنیده باشید که یا یک ویرگول یک حکم قضایی تغییر می یابد و حکم اعدام به بخشش مبدل می شود. لذا کار ویرایش در کتب دینی بسیار دقیقتر باید باشد و ویراستار باید دست به عصا راه برود چرا که گاه یک ویرگول، یک نقطه ویرگول یا یک تغییر ساختاری با ویرایش محتوایی می تواند باعث تغییر در محتوای اثر شود و مراد نویسنده و یا حتی مراد دین را تغییر دهد. این امر باعث ایجاد خسارات عظیمی خواهد شد چرا که با امور معنوی و اخروی افراد مرتبط می شود.

این حساسیتها و آشنایهایی که به آن اشاره کردید آیا از سوی ناشران دینی رعایت می‌شود؟

ابتدا گرایی و بازاری کاری در نگارش و نشر بسیاری کتابها و اقماً مشکلساز شده است. گذشتگان ما بسیار با وسواس و دقت کتاب می نوشتند. مثلاً آقاسید علی صاحب ریاض کتابی در شرح مختصر النافع محقق حلی نوشته و عبارتی در آن با این مضمون آمده است که: «من نمی خواستم تألیف بکنم بلکه می خواستم مشق و تمرینی برای خودم باشد.» حال

باید ببینیم خلشهای جامعه و نسل جوان در کدام حوزه‌هاست، آن گاه در این حوزه‌ها به آفرینش و بازآفرینی بپردازیم

همین کتاب، اثر بسیار معروفی است و در حوزه‌های علمیه از آن استفاده می شود. این نشان می دهد قدما تا زمانی که اهلیت در خود نمی دیدند دست به قلم نمی بردند. اما متأسفانه در زمان حاضر و با گسترش صنعت چاپ، بسیاری هوس می کنند دست به قلم ببرند و هر کلام بی ارزشی را به بازار عرضه کنند.

در زمینه نشریات و مطبوعات دینی هم این مشکل مشاهده می شود. کارهای تکراری، بازاری و مبتذل، بسیار و کارهای عمیق بسیار کم شده است. این امر معضل بزرگی است. البته برخی از انتشارانیها با نظامی که برقرار کرده‌اند تا حدودی موفق شده‌اند جلو پیشرفت این روند را بگیرند. مثلاً مسئولان بوستان کتاب که من در شورای کتاب با آنها همکاری دارم، سعی بر آن دارند تا کارهای باارزشی را به بازار عرضه کنند.

در زمینه ویرایش هم با این مشکل مواجه هستیم. اهمیت ویرایش برای اکثر ناشران دینی ناشناخته است و گمان می کنند که ویراستار هزینه‌ای اضافی بر دوش ناشر می گذارد بدون آن که هیچ اثری داشته باشد. اما ناشران باید بدانند که ویراستار حتی اگر تنها ویراستار صوری باشد، یار ناشر است، اگر کتاب با غلطهای املایی و دستوری به چاپ برسد حالت چشمنوازی خود را از دست خواهد داد و از دید خواننده خواهد افتاد. چه رسد به ویرایشهای محتوایی و تخصصی که ارزش علمی اثر را بالا خواهند برد. در یک کلام ویراستار یار شاطر است نه بار خاطر.

به نظر شما جایگاه اقتصادی ویرایش شناخته شده است و به طور کلی می توان به آن به عنوان یک حرفه نگاه کرد؟

چون ویرایش در ایران یک امر جدید است چندان جایگاه خود را حتی در بین متولیان امور نشر و ناشران پیدا نکرده است.

البته اخیراً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این راستا فعالیتهایی را انجام داده است ولی ویرایش هنوز به عنوان یک حرفه در جامعه پذیرفته نشده است.

اگر بخواهیم مشکلات نشر، نگارش و ویرایش دینی را دسته‌بندی کنیم، چگونه خواهد بود؟

۱. باید از مؤلفان و ویراستاران حمایت و دفاع شود و خلئهای قانونی موجود پر گردد.

۲. سیاستهای روشنی در امور نشر در میان متولیان وجود داشته باشد.

۳. ضعف ویرایش در برخی کتابها و عدم حمایت قانونی از ویراستاران نباشد.

۴. جلوگیری از طولانی شدن زمان و مدت چاپ کتاب - که باعث کم انگیزه شدن مؤلفان می شود - ضروری است.

۵. در نشر کتابها به ویژه کتب دینی، هنر جایگاه خود را پیدا نکرده است. مثلاً در طرح جلد، نوع چینش حروف و هنری که باید به کار گرفته شود تا کتاب به صورت شکیل و زیبا درآید، باید توجه و دقت لازم را داشت.

۶. انتشارانیها باید ارتباط سازمانی و نهادینه با یکدیگر داشته باشند.

۷. وجود ممیزی علمی و فنی علاوه بر ممیزی اخلاقی و اسلامی برای تأیید کتب الزامی است.

آیا نقد ویرایش و ویراستار در کشور ما نهادینه شده است؟

اگر جایگاه ویرایش شناخته می شد این مسئله هم جایگاه خود را پیدا می کرد. ولی وقتی حتی آشنایی با کار ویرایش وجود ندارد نقد در این زمینه منتفی خواهد بود؛ هر چند اگر نقد در این زمینه وجود داشته باشد در ارتقای سطح کیفی کارهای ویرایشی بسیار مؤثر است.

فکر نمی کنید که بی توجهی یا کم توجهی به ویرایش -خصوصاً در متون مذهبی - باعث استقبال اندک به کتاب در جامعه ما خصوصاً در بین نسل جوان شده است؟

بله، مشکل همین جاست. اکثر نویسندگان ما - به ویژه در زمینه علوم انسانی - به زبان قدیم می نویسند که فهم این نوع نگارش دشوار است. ویراستار می تواند در به روز کردن قلم آنها کمک کننده باشد. جایگاه هنر در کتاب نیز فراموش شده است. پرداختن به مقوله‌هایی چون گرافیک صفحات، طرح جلد، حروفچینی، ویرایش صوری و ساختاری و محتوایی و از این قبیل، مطمئناً باعث اقبال عمومی و موفقیت ناشران خواهد شد و خدمتی به اسلام و کتب دینی خواهد بود.

چه توصیه‌ای به ناشران برای پیشبرد و موفقیت کارهایشان دارید؟

به نظر من هر انتشارانی باید برای خود یک شورای کتاب داشته باشد که کتاب را از جهات مختلف چون مسائل علمی، اخلاقی، بازاریابی و موارد دیگر بسنجد.

در زمینه بازاریابی کتاب نیز باید بسیار کار شود. باید ببینیم خلئهای جامعه و نسل جوان در حوزه کدام موضوعهاست، آن گاه در آن حوزه‌ها به آفرینش و بازآفرینی بپردازیم.

در مرحله بعد، ناشران باید در نظام نشر خود به ویرایش اهمیت دهند. ویرایش حتی می تواند از جهت سوددهی و بازدهیهای مالی به نفع ناشران باشد و مطمئناً اگر به این مسئله بها ندهند در آینده متضرر خواهند شد.

تازه‌های دنیای دین

آزاده رئیسی

The Bible, the Qur'an and Science: The Holy Scriptures Examined in theLight of Modern Knowledge

کتاب مقدس، قرآن و علم تجربی: بررسی متون مقدس در پرتو دانش نوین

نویسنده: موریس بوکای Maurice Bucaille، ۲۷۲ صفحه، ناشر: Tahrike Tarsile Qur'an، فوریه ۲۰۰۳، بها: ۹/۶۰ دلار.

این کتاب، مطالعه مستقیم کتب مقدس یعنی تعالیم قرآن مجید، تورات و انجیل (عهد عتیق و عهد جدید) است و با برجسته کردن نکات مشترک آنها، اتحادی معنوی را در میان مندرجات این کتب مقدس جست‌وجو می کند. همچنین بسیاری از پیشداوریهای موجود در زمینه وحی و رازگشایی را - که آمیزه‌ای از حقیقت مطلق و تعابیر انسانی است -از هم جدا می سازد و درباره آن به شرح و توضیح می پردازد.

با وجودی که یک نویسنده در زمان نگارش این اثر فردی مسیحی و معتقد بوده است ولی در اثبات اعتقاد مسلمانان که «پس از ۱۴۰۰ سال قرآن را کتاب و معجزه‌ای واقعی، کامل، بی اشتباه و کاملاً منطبق با مطالب علمی و مکاشفات و کشفیات می دانند» می کوشد.

منبع: www.Amazon.com

The Heart of Christianity: Rediscovering A Life of Faith

قلب مسیحیت: بازاکتشاف زندگی سرشار از ایمان

نویسنده: مارکوس ج. بورگ Marcus J. Borg، ۲۵۶ صفحه، ناشر: Harper SanFrancisco، سپتامبر ۲۰۰۳، بها: ۱۶/۰۷ دلار.

چگونگی ایجاد زندگی پرشور و حرارت در جهت بهتر زیستن و یافتن باور بیشتر از طریق اجرای فرایض و اعتقاد به عناصر حیاتی و حقایق موجود مذهبی، در این کتاب شرح داده شده و برای میلیونها نفر در جهان که از بسیاری مذاهب و باورها حتی از مسیح و انجیل به دور مانده‌اند، قابل ملاحظه است. تأکید بر انجام وظایف روزانه مذهبی، بررسی نقش دعا، عبادت، زیارت و در آخر، نتیجه تجربه هایی برای اثبات نقش عمده نماز و نیایش از مباحث دیگر کتاب است. نویسنده به احیای عقاید و اصطلاحاتی نظیر «تولد دوباره» می پردازد که برای همه مسیحیان معانی بسیار گسترده‌ای دارد.

منبع: www.Amazon.com

کتاب

نماز شب رزمندگان

مقام محمود (خاطرات نماز شب رزمندگان)، تحقیق و پژوهش احمد مؤمنی راد، چاپ اول، قطع رقعی، ۱۹۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۲، بها: ۱۰۰۰۰ ریال.

این کتاب مجموعه ۱۶۴ حکایت کوتاه، خواندنی و تأثیرگذار از خاطرات رزمندگان است که از میان دهها مأخذ گردآوری شده‌اند.

علی‌الله سلیمی

گفت‌وگو با حسین شریعتمداری به انگیزه انتشار کتاب «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟»

پیش‌بینی‌های ما به وقوع پیوسته است

بازگی کتاب «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» نوشته حسین شریعتمداری توسط شرکت انتشارات کیهان راهی بازار کتاب گردیده است. کتاب حاضر شامل مقالات و مصاحبه‌ها و همچنین یادداشت‌های این روزنامه‌نگار معاصر است که هم‌اکنون مدیر مسؤولی روزنامه کیهان را به عهده دارد. اغلب مطالب کتاب قبلاً در روزنامه کیهان منتشر شده است. برخورده ایران با مساله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محور اصلی بحث‌های کتاب است. به انگیزه آشنایی بیشتر با موضوع این کتاب به سراغ حسین شریعتمداری مؤلف این کتاب رفتیم. مطالب ذیل حاصل گفت‌وگوی با وی در دفتر سرپرستی روزنامه کیهان است که با خوشرویی از خبرنگار کتاب هفته استقبال کرد.

آقای شریعتمداری، اخیراً مجموعه‌ای از یادداشت‌های جنابعالی در قالب کتابی تحت عنوان «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» توسط شرکت انتشارات کیهان منتشر شده است. اولین سؤال من این است که بر اساس چه نوع ضرورت‌هایی اقدام به تدوین آن یادداشت‌ها در قالب کتابی مستقل کردید؟

در واقع مطالب این کتاب مجموعه‌ای از مقالاتی است که قبلاً به‌صورت مقالات نسبتاً مفصلی به تناسب زمان و شرایط در روزنامه کیهان منتشر شده بود و ضرورت انتشار آن به‌صورت کتابی مستقل به خاطر اهمیت فراوانی است که خود موضوع دارد. همان‌طور که می‌دانید طی ماههای اخیر ماجرای پروتکل الحاقی ۹۳۰۲ و الزام ایران برای پذیرش آن و بحث‌هایی که پیرامون این موضوع وجود داشت، یکی از اصلی‌ترین مسائل روز بود. خوب، طبعاً ما هم به آن پرداختیم. چون مطالب این کتاب به‌صورت گام به گام با رخدادهای مربوطه همراه بوده، بنابراین بعد از آن عده زیادی از خوانندگان این مطالب با ما تماس گرفتند و خواستار تدوین آن یادداشت‌ها به‌صورت کتابی مستقل شدند. بخصوص اینکه تقریباً تمام پیش‌بینی‌هایی که در این یادداشت‌ها شده بود، بعداً تحقق پیدا کرد و این در حالی بود که وقتی آن پیش‌بینی‌ها می‌شد، عده‌ای آن را نه‌تنها باور نمی‌کردند بلکه به نوعی آن را بعیدالوقوع تلقی می‌کردند اما بعدها دیدیم که غالب و تقریباً تمام آن پیش‌بینی‌ها تحقق پیدا کرد. خوب، ما با درخواست‌های کتبی یا شفاهی و تلفنی زیادی روبه‌رو بودیم، برای اینکه اینها را به‌صورت یک مجموعه مستقل منتشر کنیم و خوب، این کار را انجام دادیم.

تدوین و گردآوری یادداشت‌ها و مقالات منتشره شما در روزنامه در فاصله زمانی خیلی کوتاهی صورت گرفته است اگر بنا بر گفته شما خواست‌های عمومی را بر این اقدام لحاظ کنیم باز نوعی شتاب در این کار دیده می‌شود با این توضیح جنابعالی موقعیت قالب «کتاب» را در کنار رسانه گسترده‌ای همچون روزنامه چگونه می‌بینید؟

همانطور که گفتم، تبدیل آن یادداشت‌ها به قالب کتاب در پی درخواست‌های مکرر بود. خیلی‌ها علاقه دارند یک موضوع را به‌صورت منسجم‌تری در اختیار داشته باشند و جدای از سایر مسائل دیگر به‌صورت متفک همراه خودشان داشته باشند تا در مواقع خاص بتوانند به آن مراجعه نمایند. در ضمن دوست دارند مطالب مورد علاقه‌شان به‌صورت مکتوب باقی بماند چون عمر روزنامه طبعاً کوتاه است و فقط کسانی که به آرشیوهای روزنامه‌ها مراجعه می‌کنند، می‌توانند به آن مطالب دسترسی داشته باشند. به این ترتیب این یکی از انگیزه‌های اصلی ما در این اقدام بود. انگیزه دوم یا همان علت دیگر این بود که برای این کارها اقدامات جانبی فراوانی صورت گرفته بود. کارهای تحقیقی زیادی این وسط انجام شد تا آن یادداشت‌ها متناسب با شرایط و موضوع نوشته شود. من برای نوشتن برخی از این یادداشت‌ها مجبور بودم بسیاری از اسناد و مقاوله‌نامه‌ها و قراردادها را ببینم. بعضی از آنها به زبان انگلیسی بود. به هر حال از زبان‌های دیگر باید می‌دیدم و بسیاری از سایت‌های اینترنتی را مجبور بودم ببینم. مثلاً سایت «ان.پی.تی» را جست‌وجو بکنم، متن قراردادها را ببینم و همچنین اخبار و گزارش‌های مربوطه را پی‌گیری کنم. باعث می‌شد که هم خود ما

◆ برای نوشتن برخی از یادداشت‌ها مجبور بودم بسیاری از اسناد و مقاوله‌نامه‌ها و قراردادها را ببینم

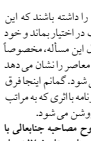

رفت‌های آقای «البرادعی» دل بست.

البته همانطوری که در مطالب هم آمده ما با شخصیت خود آقای «البرادعی» کاری نداشتیم، ولی شخصیت حقوقی ایشان مورد نظر ما بود و آنجا تأکید کرده بودیم و دلیل آورده بودیم - البته به‌صورت مختصر - و نتیجه گرفته بودیم که آقای «البرادعی» بیرون از نفوذ و سیطره حاکم بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که آمریکا و لابی صهیونیست‌ها و اتحادیه اروپا هستند نمی‌تواند تصمیم بگیرد، بنابراین نباید به آمد و رفت‌هایش خیلی دل بست.

یکی از امتیازات این کتاب که در حجم کوچک و به‌صورت سریع منتشر شده است، تازگی موضوع آن است و نقش سرعت زمان در این کتاب تعیین‌کننده است. سؤالی که در این رابطه مطرح است اینکه این کتاب در چه فاصله زمانی تهیه و منتشر شد و به عبارت دیگر ابتدا و انتهای انتشار این کتاب در چه مدت زمانی صورت گرفت؟

از آنجایی که مطالب این کتاب از قبل جور بود و تقریباً به صورت آماده در کامپیوتر موجود بود، راحت می‌شد آن را استخراج کرد. تنظیم مطالب آن یکی دو روزی وقت می‌طلبید. آن هم در حدود چند ساعت وقت که تنظیم اولیه صورت بگیرد. البته بیشتر برادرانمان و همکارانمان در انتشارات کیهان زحمت اصلی را کشیدند، حتی زحمت حروفچینی را کشیدند و همچنین زحمت تصحیح و طراحی روی جلد که روی هم رفته نهایتاً یک هفته الی ۱۰ روز طول کشید تا این کتاب منتشر شود، البته از زمان ایده تبدیل یادداشت‌ها و مقالات به کتاب تا خروج کتاب از چاپخانه.

بعد از انتشار این کتاب چه نوع انعکاس‌هایی پیرامون آن صورت گرفت؟

در این حد اطلاع دارم که با استقبال خوبی روبه‌رو شده. خود مراحل چاپ هم نشان می‌دهد بر اثر استقبال مخاطبان بود که انتشارات کیهان اقدام به چاپ آن کرد. همچنین بعد از چاپ، ما شاهد مراجعات زیادی به انتشارات کیهان هستیم که درخواست این کتاب را دارند، با آنکه زمان زیادی از انتشار آن نمی‌گذرد.

شما بر اساس حوادثی که موضوع روز محسوب می‌شود در فاصله زمانی کوتاهی اقدام به تهیه و تدوین کتابی با آن موضوع خاص کرده‌اید و بنا بر گفته خودتان با استقبال خوبی هم مواجه شده‌اید. آیا این اقدام را در قبال اتفاقات و حوادثی که در آینده ممکن است بیفتد تکرار می‌کنید؟

ما بر اساس این تجربه و به اضافه بعضی از واقعیت‌هایی که ملموس هستند همانطور که شما اشاره کردید، انشاءالله الرحمان کارهای از این دست را در آینده نزدیک انجام خواهیم داد. در کشور ما همچنین در منطقه اتفاقاتی می‌افتد که به‌نوعی با مستقیماً با کشور ما ارتباط دارد و بعضاً کشور ما کانون و مرکز آن اتفاقات است. اینها و میزان اخبار و تأثیرها و گزارش‌هایی که در اطراف آن ارائه می‌شود خیلی حجم زیادی است. من فکر می‌کنم جمع‌آوری آنها، حداقل در آن حدی که ما خودمان در کیهان و نشریات وابسته به این مؤسسه به آن می‌پردازیم، به‌صورت به روز و بموقع می‌تواند یک نگاه کلی و منطقی در اختیار علاقه‌مندان و خوانندگان این مطالب قرار دهد. ما در پی آن هستیم منتها اینکه تا چه اندازه در این راه موفق باشیم، بستگی به تلاش‌های ما در این راه دارد. ان‌شاءالله که موفق باشیم و خدا در این راه به ما توفیق دهد.

شما در طول صحبت‌هایتان بیشتر از کلمه «ما» استفاده می‌کنید. می‌خواستم بدانم اندیشه‌های درون کتاب «برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» نظرات شخصی جنابعالی محسوب می‌شود و یا به نوعی دیدگاه مؤسسه کیهان است؟

طبعاً اینجا نویسنده مطلب از این مجموعه جدا نیست، مخصوصاً اینکه این مسائل و مطالب قبلاً در خود روزنامه کیهان منتشر شده است. بعضی وقت‌ها انتشار یک مطلب در یک روزنامه از سوی نویسنده‌ای است که با آن روزنامه زیاد ارتباط ارگانیک ندارد. ولی خوب، برای بنده این طوری نیست. ما این کتاب را در واقع کار مجموعه می‌دانیم.

کتاب «چه خوابی برای ما دیده‌اند؟» اغلب پیش‌بینی‌هایی است که شما می‌فرمایید حاصل پیش‌بینی یک جمع است تا یک فرد خاص. با توجه به اصرار شما بر وقوع این پیش‌بینی‌ها در آینده نزدیک چه میزان از آن پیش‌بینی‌ها تا این زمان به وقوع پیوسته؟

یعنی پیش‌بینی ما در مورد نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به وقوع پیوسته. پیش‌بینی ما در مورد اینکه اتحادیه اروپا در کنار آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد، این هم صورت گرفته. همچنین پیش‌بینی ما درباره قطعنامه‌ای که علیه ما صادر می‌شود اینها تماماً تحقق پیدا کرده. حتی پیش‌بینی ما در مورد اینکه آنها نمونه سانتریفیوژ ما را به دلیل مسائل سیاسی امروزه می‌بینید غالب این پیش‌بینی‌ها صورت عملی به خود گرفته است.

این پیش‌بینی‌ها در وهله اول در حد یک ادعا مطرح می‌شود. شما برای استحکام ادعاهای خود بر چه مستنداتی تکیه می‌کردید که پیش‌بینی‌های شما به فرضیه‌هایی همچون «پیش‌گویی» نزدیک نشود؟

برای تهیه این مطالب و یادداشت‌ها و همچنین مقالات در واقع کاری به مراتب بیش از آنکه دیده می‌شود انجام شده. حتی خود مراجع حقوقی به آن مراجعه کردند و از آن به عنوان کاری که روی آن زحمت کشیده شده و روی بند بند آن کار شده استفاده می‌کنند. به نظر من اینطوری است. چون کار مستند است، در حقیقت ما اینجا پیش‌گویی نکرده‌ایم، حدس و گمان هم نداشتیم، بلکه ما شرایطی را دیدیم و در کنار آن مستنداتی را دیدیم و بر اساس آن مستندات در حقیقت این پیش‌بینی‌ها را کردیم. این فرق می‌کند با پیش‌گویی به آن معنایی که اساس آن بر روی حدس و گمان چیده می‌شود. نه، این پیش‌بینی است، پیش‌بینی بر اساس مستندات. مادامی که این مستندات وجود دارد این رخدادها هم قابل انتظار است و به آن نمی‌شود عنوان پیش‌گویی را اطلاق کرد.

آقای شریعتمداری غیر از این مورد تاکنون از یادداشت‌ها و مقالات شما کتاب‌های دیگری هم گردآوری و تدوین شده است؟

من تا حالا چند کتاب داشته‌ام منتها هیچ کدام از آنها به نامم نبوده یعنی اینکه نام خودم روی این کتاب‌ها نبوده.

شما کار گردآوری مطالب آنها را به عهده داشتید؟

نه، من مؤلف آن کتاب‌ها بودم. مثلاً فرض کنید که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب‌هایی داشتم که از طریق سپاه و در همان مجموعه دفتر سیاسی سپاه منتشر می‌شد. بعدها زمینه و موضوع کتاب‌هایم تغییر کرد، اغلب موضوعات بعضی از جریانات سیاسی آن موقع بود مثلاً در مورد انجمن حجتیه کتابی داشتم یا درباره خود موضوع ولایت فقیه کتابی داشتم. همان مواقع که موضوع خیلی داغ بود تقریباً حدود سال‌های ۶۰-۵۹ یا در مورد بعضی جریانات سیاسی احساس می‌شد نوعی عوام‌فریبی دارند می‌کنند، و به هر حال به یک نوع تبدیل به یک موضوع روز شده بودند. مثلاً کتابی که آن موقع راجع به جنبش مسلمانان مبارز نوشتم باعث شد که خود جنبش هم بلافاصله بعد از انتشار آن کتاب تلاش زیادی کند تا از انتشار و توزیع آن جلوگیری کند. ولی وقتی که موفق نشدند خودشان به نوعی کرکره‌هایشان را پایین کشیدند. حالا شاید هم لازم نباشد من اینها را بگویم. زمانی هم سازمان عفو بین‌الملل نامه‌نگاری‌هایی با کیهان هوایی داشت. آنها را من پاسخ می‌دادم. پاسخ‌ها بعدها تبدیل شده بود به یک کتاب که خیلی با استقبال روبه‌رو شد. این کتاب به انگلیسی و عربی و زبان‌های دیگر هم ترجمه شد. کتابی بود تحت عنوان «تیراندازی با تفنگ‌های بدون فشنگ».

چه کتابی در حال نوشتن دارید؟

چند کتاب به طور همزمان در حال آماده شدن است منتها بعضی از آنها یک کارهای اندکی از طرف خود من می‌خواهد که فرصت نکرده‌ام آنها را به انجام برسانم. تراکم کاری هر نوع فرصت از این دست را از ما سلب کرده که امیدوارم فرصتی پیش بیاید که من آن کارهای اندک در رابطه با این کتاب‌ها را انجام دهم که ان‌شاءالله هر چه زودتر منتشر شوند.

محمدرضا رئیسی

گفت وگو با دکتر سعید فیروزآبادی

آموزش و ترجمه زبان آلمانی در ایران

دکتر فیروزآبادی از آن تیپ استادانی است که خبرنگار هنگام مصاحبه بیشتر شیفته اخلاق نیک، تواضع، خوشرویی و بزرگواری‌اش می‌شود، با مهربانی فراوان دعوت به مصاحبه را می‌پذیرد و بسیار صبور و بزرگوارانه با مشکلات پیش‌بینی‌نشده‌ای که در حین مصاحبه اتفاق می‌افتد برخورد می‌کند...

دکتر سعید فیروزآبادی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز) و اولین فارغ‌التحصیل دوره دکترای رشته زبان و ادبیات آلمانی در ایران است. وی علاوه بر تدریس در این رشته دستی هم در تألیف و ترجمه دارد. در تدارک و برگزاری این مصاحبه استاد عزیزم جناب آقای علی دهباشی (مدیر محترم مجله بخارا) نقش مهمی داشتند. از ایشان سپاسگزارم.

از کنفرانس زبان آلمانی اصفهان بفرمایید.

بعد از پیروزی انقلاب تا حالا اتفاق نیفتاده بود که استادان زبان آلمانی رایکجا جمع کنند و سمیناری ترتیب دهند. برای اولین بار بود که در دانشگاه اصفهان و با همکاری مؤسسه همکاری‌های بین دانشگاهی آلمان این سمینار برگزار شد.

این سمینار ۴ روز طول کشید از ششم تا دهم مهرماه.

برای ما خیلی جالب بود بخصوص که چند نسل از مدرسان این رشته هم دور هم جمع شده بودند، چندین سخنرانی، معرفی منابع جدید، دو نفر از پروفسورهای نسبتاً صاحبنام آلمان هم بودند. یکی پروفسور کلتات بود و دیگری پروفسور روحه مدرس دانشگاه مونیخ.

آقای دکتر فیروزآبادی، برداشت شما از کنفرانس چه بود؟

خیلی زحمت کشیده بودند و کار خوبی بود ولی کنفرانس مورد انتظار نبود. انتظاراتی که برای چنین برنامه‌ای از ۶ ماه یا یک سال قبل برنامه‌ریزی شود، فراخوان مقاله داده شود و هیأت داوران حضور داشته باشند و ارائه مقاله باشد. ولی اینطور نبود. در واقع یک کمی عجولانه بود. به جز اینها محورهای سمینار هم خیلی پراکنده بود و روی موضوع خاصی متمرکز نبود.

چرا سمینار در اصفهان بود؟

البته شما می‌دانید که در ایران فقط دو مرکز هست که آلمانی را به صورت رشته اصلی درس می‌دهند؛ یکی چند دانشگاه تهران است و یکی هم اصفهان. فکر می‌کنم اصفهان به این دلیل انتخاب شده بود که هم جاذبه‌های فرهنگی زیادی داشت و هم اینکه توجهی شود به گروه آلمانی مقیم آنجا و توجه مسؤولان دانشگاه اصفهان هم بیشتر به آن گروه کوچک جلب شود.

برگزارکننده‌های سمینار چه مراکزی بودند؟

دو قسمت بودند، بخش ایرانی آن برعهده دانشگاه اصفهان بود و بخش آلمانی آن، بر عهده مؤسسه همکاری‌های بین دانشگاهی آلمان.

کمی درباره این مؤسسه بفرمایید.

این مؤسسه بسیار قوی و معتبر است به‌طوری که تقریباً در تمام دنیا نمایندگی دارد و تبادل استاد، دانشجو، کتاب و... بین دانشگاهها انجام می‌دهد. بورس‌های تحصیلی زیادی هم برای دانشجویان دوره دکترا ارائه می‌کند.

از نظر خود شما وضعیت آموزش زبان آلمانی در ایران چگونه است؟

همان‌طور که گفتم، دو سه مرکز بیشتر به این امر نمی‌پردازند هر چند خیلی گسترش پیدا کرده است.

در دانشگاههای دولتی که اولین آن هم دانشگاه تهران بوده، حدود ۴۵ سال پیش رسماً آموزش زبان آلمانی شروع می‌شود و ادامه داشته تا دو سه سال پیش از انقلاب که دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات آلمانی در آنجا تأسیس می‌شود.

تقریباً همزمان در دانشگاه شهید بهشتی هم فعالیت در این رشته شروع می‌شود. در کنار اینها، دانشگاه آزاد هم از سال ۱۳۶۴ با ایجاد دوره کارشناسی شروع به فعالیت در این رشته می‌کند. سال ۱۳۶۹ و سال ۱۳۷۵ هم به ترتیب دوره کارشناسی ارشد و دکترا دایر می‌کند.

در این دانشگاهها مترجمی آلمانی تدریس می‌شود یا زبان و ادبیات آن؟

در دانشگاههای مختلف فرق دارد. دانشگاه تهران تا به امروز گرایش ترجمه داشته ولی ظاهراً قرار است تغییراتی در برنامه‌شان ایجاد شود. دانشگاه شهید بهشتی هم زبان آلمانی بوده و حتی عنوان ادبیات را نداشته.

دانشگاههای تربیت مدرس، شهید بهشتی و تهران هم در مقطع کارشناسی ارشاد با گرایش آموزش زبان آلمانی فعالیت دارند که تربیت مدرس دو سالی است دیگر دانشجو نمی‌پذیرد.

آقای دکتر فیروزآبادی، وضعیت ترجمه متون آلمانی به فارسی در کشور ما چگونه است؟

در حال حاضر، خیلی بهتر از گذشته شده است. قبلاً همان‌طور که می‌دانید بعضی متون آلمانی را در ایران از روی فرانسه ترجمه می‌کردند که موفقترین ترجمه‌ها هم بوده‌اند مثل «مسخ» کافکا. کم‌کم با حضور آقای کیکاووس جهانداری وضع بهتر می‌شود. بعدها سروش حبیبی هم می‌آید. در واقع یک چیزی شبیه نهضت در ترجمه زمانی است که ترجمه آثار برشت، به مدیریت دکتر فرامرز بهزاد استاد دانشگاه تهران منتشر می‌شود.

در آن زمان تقریباً تمام آثار برشت را ترجمه می‌کنند. اما امروز همچنان جایگاه بایسته ادبیات آلمانی در ایران وجود ندارد، هرچند تعداد مترجمان خیلی زیاد شده است.

شما فکر می‌کنید چرا هنوز به آن جایگاه نرسیده‌ایم؟

یک مقداری برمی‌گردد به انتخاب کتاب‌هایی که ترجمه می‌شوند که متعلق به حوزه فرهنگی دیگری است. مثلاً گونترگراس یک کتابی دارد به نام «فن من» یا «سه من» که ترجمه شده اما در حوزه فرهنگی ما درک این کتاب بسیار دشوار است. برای من فارسی زبانی که در حوزه فرهنگی با فاصله زیادی از آنجا زندگی می‌کنم، خیلی از مطالب آن نامفهوم و نامفهوم است.

خود شما با چندین سال سابقه تدریس و ترجمه زبان آلمانی برای بهبود این وضع در کشور ما چه پیشنهادی دارید؟

بحثی در آخر سمینار داشتیم که فکر می‌کنم نیاز به کارهای بزرگتر و ریشه‌ای‌تری است. مثل تشکیل انجمن‌های علمی و صنفی چه برای آموزش و چه برای ترجمه. از نکاتی که خیلی در دلاور بود و آنجا مطرح می‌شد اینکه بعضی مترجم‌ها کتابی را ترجمه کرده بودند و ۱۵ سال نتوانسته بودند ناشر خوبی برای آن پیدا کنند یا ناشری پیدا شده ولی بعد از مدتی کتاب را پس داده است. در واقع حمایت مادی وجود ندارد یا کم است. حتی کسانی هم که کار ترجمه را برای مواردی غیر از کتاب مثل مقاله یا گزارش یا خبر انجام می‌دادند، می‌گفتند یک نفر با این کار نمی‌تواند زندگی‌اش را بگذراند.

اگر انجمنی باشد که اینها دور هم جمع شوند و مشکلاتشان را بررسی کنند یا حتی وزارت ارشاد تسهیلاتی را قائل شود تا خود مترجم با سرمایه خودش یا هماهنگی انجمن، بتواند کتابش را منتشر کند. فکر می‌کنم خیلی مؤثر باشد. اما در زمینه آموزش زبان آلمانی نکته اساسی کمبود کتاب است. بویژه کتاب به روز در زمینه‌های تخصصی؛ هرچند در دو سه سال اخیر با برپایی نمایشگاههای کتاب وضعیت بهتر شده است.

مشکل دیگر هزینه تهیه کتاب از خارج از کشور است و کار هر کسی نیست. می‌شود یکی دو نسخه از این کتاب‌ها را تهیه کرد و در دانشگاهها گذاشت. خود آلمانی‌ها هم با حرکت اخیرشان [برگزاری سمینار] امیدوارند بتوانند در این زمینه در کشور ما کمک بیشتری کنند.

چه تعداد فارغ‌التحصیل زبان آلمانی در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد داریم؟

خیلی نیست. در دانشگاههای دولتی در دو ساله اخیر در مقطع کارشناسی ارشد تعداد بیشتری را پذیرفته‌اند، دانشگاه آزاد هم حدود ۲۰ دانشجو در هر سال می‌پذیرد که از این تعداد حدود ۱۵ نفر فارغ‌التحصیل می‌شوند. بعضی از اینها هم مترجمان خوبی از کار درآمده‌اند.

در حوزه شرق‌شناسی و ایران‌شناسی، آلمانی‌ها چه جایگاهی دارند؟

بعضی از زمینه‌ها مثل زبان و فرهنگ باستانی بخصوص در حوزه زبان‌های کهن ایرانی به‌طور کامل مدیون تحقیقات آلمانی‌هاست، مثل واژه‌نامه «بارتلمه». در کل آلمانی‌ها در ایرانشناسی بویژه ایران باستان نقش عمده‌ای داشته‌اند. اما در سه دهه اخیر این فعالیت‌ها کمتر شده است.

نکته جالب این است که اوایل نگاه به شرق‌شناسی با بغض و کینه همراه بوده است، نه عشق و علاقه و شیفتگی.

بعد از آن کم‌کم همزمان با دوره روشنگری بویژه در آلمان شیوه نگرش جدیدی به‌وجود می‌آید و نکته دیگر آن است که قالب غزل فارسی به ادبیات آلمانی راه می‌یابد و شاعران آلمانی به این قالب شعر می‌گویند. سپس یک دوره شیفتگی و عاشقی به‌وجود می‌آید که خانم شیمل آخرین نفر از آن نسل بود. ولی الان یک نسل جدید در دانشگاههای آلمان به‌وجود آمده که نگاهی علمی و آکادمیک دارد.

در چند دهه اخیر غیر از خانم آن ماری شیمل چه کسانی در حوزه ایرانشناسی در آلمان فعالیت جدی داشته‌اند؟

البته خورشیدنسل بزرگان ایرانشناسی کم‌کم رو به افول است و این امر دلایل خاص خودش را دارد. مثلاً حمایت‌هایی نشده ولی غیر از خانم شیمل در چند دهه اخیر فولر کسی است که درباره تاریخ ایران بسیار کار کرده است یا در برلین یونکر است که به همراه بزرگ علوی واژه‌نامه فارسی-آلمانی را بیرون دادند. الان شاید تنها کسی که بشود نام برد و امروز فعال است پروفسور فاکتر است در دانشگاه بامبرگ. به هر حال این فعالیت‌ها خیلی محدود شده است و مثل سابق نیست.

وضعیت آثار ایرانی و ادبیات فارسی در آلمان چگونه است؟

زیاد اطلاع ندارم ولی تا آنجا که من اطلاع دارم آثار آقای دولت‌آبادی از زمانی که در آلمان ترجمه شد، یک نوع آشتی هم در آنجا با ادبیات معاصر ایران انجام شد. قبلاً هم البته دکتر رهنما یک‌سری کارهایی کرده بودند.

پردازیم به کتابی که از خانم شیمل ترجمه کرده‌اید. چطور شد به فکر ترجمه آن افتادید؟

این کتاب «زندگی غربی و شرقی من» به قلم خانم شیمل است که زندگی‌نامه خودنگاشت ایشان است. کتاب را خواندم و بسیار برایم جذاب بود. شیمل در این کتاب از بچگی خودش شرح دهد مثلاً اینکه در ۱۶ سالگی دیپلم می‌گیرد و در ۱۹ سالگی دکترای رشته زبان و ادبیات عرب را می‌گیرد و... کتاب خیلی جذاب و آموزنده است. سخنی‌هایی در زندگی داشته مثلاً در زمان جنگ (دوره نازی) هم مدتی سربازی بوده و بعد از آن اسیر آمریکایی‌ها شده و... توصیف سفرهایش هم از جمله سفر به ایران در کتاب آمده است. بخصوص با شیفتگی خاصی که نسبت به حضرت مولانا داشته و در آثار او مشهود است.

آشنایی شیمل با زبان فارسی به چه صورتی بوده؟

البته می‌دانید که ایشان تسلط به زبان فارسی داشت اما نه در سخن گفتن، بلکه به صورت مکتوب. آشنایی شیمل با زبان فارسی برمی‌گردد به دوره‌ای که در دانشگاه تحصیل رشته زبان و ادبیات عرب داشته که در کنارش زبان فارسی را هم یاد گرفته است.

این کتاب کی منتشر می‌شود؟

فکر می‌کنم بزودی منتشر شود، حداکثر یکی دو هفته دیگر.

سوال آخر هم درباره کتاب تاریخ نگارش‌های عربی اثر فؤاد سزگین است که شما دو جلد از آن را ترجمه کرده‌اید...

بله، ترجمه آن از روی متن آلمانی بود و به اعتقاد من یکی از بهترین ترجمه‌هایی است که صورت گرفته.

خبر

«عماد خراسانی» بستری شد

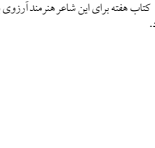

استاد عماد خراسانی غزلسرای نامی ایران به دنبال تشدید بیماری، در بیمارستان نوس تهران بستری شد.

وی که بسیاری از غزل‌ها و قصیده‌هایش توسط بزرگان موسیقی ایران اجرا شده است، چند سالی است که در منزل بستری بوده است.

کتاب هفته برای این شاعر هنرمند آرزوی بهبودی دارد.

رسانه ها

کتاب ماه کلیات

شصت و هشتمین شماره کتاب ماه کلیات با بخش ویژه اخلاق حرفه‌ای مطبوعات منتشر شد.

در این شماره می‌خوانید: دمی با پدر ارتباطات ایران، گفت‌وگو با دکتر کاظم معتمدنژاد، اخلاقیات و روزنامه‌نگاری، حقوق حرفه‌ای و اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری در گزارش مک براید، تبلیغات بازرگانی مطبوعاتی و اخلاق ارتباطات و...

اخبار، کتاب‌های منتشر شده کلیات در تیرماه ۱۳۸۲ در یک نگاه و فهرست کتاب‌های منتشر شده کلیات در تیرماه ۸۲ از دیگر بخش‌های این شماره از کتاب ماه کلیات است.

سمت

هفتمین شماره سمت (خبرنامه سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) منتشر شد.

گفت‌وگو با دکتر احمدی گیوی استاد ادبیات فارسی، گزارشی از سفر قائم‌مقام سمت به افغانستان، معرفی تازه‌های سمت و... از مطالب این خبرنامه ۸ صفحه‌ای است.

یادداشت

ابراهیم خندان

انفجار اطلاعات

روزگاری بود که مادربزرگ ها تمام قصه های یک قوم را در خاطره خود برای نوادگانشان حفظ می کردند و هر آن که اراده می کردند، قصه ای از انبان ذهن خارج می کردند و با آب و تاب برلب می آوردند.

روزی هم بود که دانشمندان هم منجم بودند، هم پزشک و هم فیلسوف و در کنار همه دانش آن روز که در یاد داشتند از چین به ماچین می رفتند تا مگر کلمه‌ای جدید را به دانسته های خود بیفزایند و گاهی حتی در بستر مرگ نیز در به در به دنبال اطلاعات جدید بودند.

ولی امروز تمام این حرف ها بیشتر به افسانه می ماند تا واقعیت. تعداد قصه ها آنقدر زیاد است و هر روز آنقدر افزایش می یابد که هزار و یک مادربزرگ در هزار و یک شب هم نمی توانند یک هزارم آنها را برای ثبت در تاریخ هم که شده بر زبان بیاورند و اگر هم بتوانند هیچ نوه‌ای پیدا نمی شود که چنین صبری داشته باشد و چنان عمری.

دانشمندان هم با این مشکل روبه رو هستند و هیچ دانشمندی را نمی توان یافت که بتواند ادعا کند که در رشته خودش و در تمام شاخه ها و زیرشاخه های آن تبحر و دانش کافی دارد چه برسد به رشته ها و تخصص های دیگر.

مشکل بالا مختص به دو دسته یاد شده نیست؛ امروز همه ما با حجم بزرگی از اطلاعات دست به گریبانیم که حتی انتخاب آنها برای ما مشکل است چه رسد به استفاده از آنها.

این نکته که امروز به آن «سرریز اطلاعات» یا «اشباع اطلاعات» می گویند موضوعی جدی در بین جامعه شناسان و متخصصان علوم ارتباطات و اطلاعات است و چیزی نیست که بحث آن در توان نویسنده یا حوصله کتاب هفته باشد. (علاقه مندان به این بحث می توانند به مقاله «اطلاعات زیادی» نوشته آقای بهروز نوعی پور منتشر شده در نشریه شبکه شماره ۳۶ مراجعه کنند.)

حل این مشکل نیازمند تحقیقات گسترده و صرف هزینه های زیاد و زمان طولانی است ولی تا آن موقع با مسکن هایی می توان عوارض این انفجار اطلاعات را تسکین داد. به عنوان مثال تولیدکنندگان یا متولیان یک بخش از اطلاعات می توانند با طبقه بندی اصولی و علمی اطلاعات مربوط به خود کمک بزرگی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر زمانی به پژوهشگران و علاقه مندان بکنند.

ایجاد و گرداندن چنین پایگاههایی یا انتشار مجموعه هایی که ذکر شد در توان بخش خصوصی نیست و تنها بخش دولتی و رسمی یک کشور می تواند از پس آن برآید. البته این به معنای انجام کار به صورت کامل به دست دولتیان نیست بلکه حمایت همه جانبه و سرمایه گذاری و نظارت مستمر و دقیق این بخش از مجریان که می توانند اعضایی از بخش خصوصی باشند، مد نظر است.

انفجار اطلاعات و بحران حجم اطلاعات بسیار جدی تر از آن است که بتوان بسادگی از کنار آن گذشت و هر لحظه که می گذرد این مشکل خود را بیشتر می نمایاند. اقداماتی که تا امروز انجام شده است با اینکه در مقام خود قابل تقدیر است ولی کافی نیست.

کتابخانه های تخصصی

آزاده سجین

مرکز نشر دانشگاهی ؛ یک نمایشگاه در سایت

نمایشگاه تخصصی کتاب های علمی -دانشگاهی مرکز نشر دانشگاهی در محل این انتشارات از ۱۷ تا ۲۹ آبان برگزار شد.

از آنجا که بسیاری از نمایشگاههای کتاب سراسر دنیا، عرضه، فروش و خدمات دیگر در ارتباط با کتاب را از طریق شبکه اینترنت انجام می دهند، مرکز نشر دانشگاهی نیز این نمایشگاه را در سایت این مرکز جای داد. نحوه دسترسی به نمایشگاه تخصصی کتاب های خارجی مرکز نشر دانشگاهی از طریق تایپ نشانی www.iup.ir در فایل جست وجو گر کامپیوتر فراهم می شود.

سپس با فشار بر روی دکمه enter تیتر انگلیسی و فارسی بر روی صفحه نمایشگر کامپیوتر مشاهده می شوند که بخش انگلیسی آن غیرفعال است.

همچنین جمله «برای مشاهده بهتر فونت فارسی نصب کنید» راهنماگر مراجعه کنندگانی است که نرم افزار تبدیل فونت فارسی بر روی کامپیوترهایمان نصب نیست. اما راهنمای طولانی و چند مرحله‌ای نصب فونت بسیار وقتگیر است که بهزاد صوفیان مسؤول کامپیوتر مرکز نشر دانشگاهی در این باره می گوید: «حدود ۳ سال پیش این سایت طراحی شد که تا امروز اطلاعات فراوانی در آن ذخیره شده است. در حالی که امروزه نیاز است تا اطلاعات کتاب های مرکز نشر دانشگاهی با برنامه جدیدتری در شبکه اینترنتی عرضه شوند.

اما تغییر برنامه همراه با صرف وقت و هزینه کافی است که شرایط مطروحه تا برگزاری نمایشگاه کتاب این مرکز حاصل نیامد.

همین مشکل سبب شد تا دسترسی به نمایشگاه تخصصی کتاب در سایت مرکز نشر دانشگاهی با طی مراحل طولانی و زمانبر تبدیل فونت فارسی فراهم شود.»

با ورود به صفحه اصلی سایت دو بخش کتاب های تخصصی و نشریات ادواری مشاهده می شوند که در بخش کتاب های تخصصی قابلی باز می شود با عنوان نمایشگاه تخصصی کتاب های خارجی.

این BOX اطلاعیه‌ای دارد شامل نوع مبلغ خرید کتاب های همراه با تخفیفی که برای دانشجویان در نظر گرفته شده است.

نکته قابل ذکر آنکه محتوای نمایشگاه و فروشگاه شماره (۱) با کلیک بر روی همین عنوان در این صفحه قابل دسترسی است که در آن جدولی از کتاب های موجود در نمایشگاه همراه با موضوع، نویسنده، شابک، قیمت، سال انتشار و تعداد کتاب های موجود عرضه شده اند.

همین طور حجم کتابهای تخصصی حدوداً در ۳ صفحه کامپیوتری جای دارند و موضوع های آنها فیزیک، شیمی، روانشناسی، مراجع، زبان، ادبیات، هنر و... هستند.

از آنجا که عرضه کتاب های نمایشگاهی در سایت سبب تسهیل دسترسی به کتاب می شود با مقایسه سایت های نمایشگاههای تخصصی کتاب لاتین مرکز نشر دانشگاهی و نمایشگاههای دیگر نکات ذیل مدنظر است.

۱- نحوه پرداخت وجه به ریال یا ارز مشخص نیست.

۲- تعداد بسیاری از کتاب ها فقط یکی است که معلوم نشده حضور آنها در نمایشگاه برای نمایش است یا فروش؟

۳- امکان خرید کتاب بدون حضور در محل نمایشگاه و از طریق سایت مربوطه فراهم نیست.

۴- بایگاه اینترنتی این نمایشگاه فاقد نشانی ناشران - فروشندگان کتاب های عرضه شده به بازدیدکنندگان است.

۵- کتاب های مرکز نشر دانشگاه بدون حضور کتاب های ناشران ایرانی دیگر عرضه می شوند.

۶- امکان جست وجوی کتاب بر حسب عنوان، موضوع، نویسنده یا ناشر وجود ندارد.

۷- این سایت فاقد دروازه یا لینک های مفید شامل مجموعه‌ای متنوع از کتابفروشی ها و نمایشگاههای کتاب دیگر است.

۸- همچنین خبرنامه‌ای که هر روز شامل آخرین اخبار نمایشگاه اعم از کم شدن عناوین کتاب های موجود و افزون شدن عنوان های جدید باشد مشاهده نمی شود.

گفتنی است که نمایشگاه فوق بدون اطلاع رسانی در جراید و رسانه ها برپا شد. باتوجه به نکات برشمرده انتظار می رفت امسال که تعداد نمایشگاههای تخصصی کتاب با عرضه کتاب های درسی -دانشگاهی کم شده اند. این مرکز با تجربه در انتشار کتاب علمی با محتوای غنی تر و خدمات برتر پاسخگوی نیازهای فرهنگی -هنری -تخصصی دانشجویان باشد.

یادداشت

مجید آل ابراهیم

کتاب برگزیده کنکور

این روزها بحث گزینش دانشجو در مقاطع مختلف به بحثی کهنه تبدیل شده است و هر کس فراخور موقعیت به بررسی و نقد آن می پردازد. ولی آن چیزی که در همه گفتارها مشترک است ناعادلانه و غیرعلمی بودن روش گزینش است. این ناعادلانه و غیرعلمی بودن از زوایای مختلف مورد تأیید کارشناسان است. به عنوان مثال عده‌ای از برنامه نویسان کامپیوتر و تحلیلگران سیستم های انفورماتیکی الگوریتم مورد استفاده در بررسی فرم های انتخاب رشته را ناکارآمد می دانند و کارشناسان دیگر نوع ارزیابی آموخته ها را زیر سؤال می برند.

غلط یا درست این آشی است که خوردن یا نخوردنش به پای مسؤولان نوشته می شود و از قرار معلوم بنا به دلایل زیادی قرار نیست تغییری اساسی هم در آن پدید آید.

همین نکته برای اثبات پایداری آزمون ها بس که این نوع گزینش به جای اینکه سال به سال محدودتر شود، گسترده تر و پیچیده تر می شود. اگر روزی فقط آزمون ورودی دانشگاهها از مقطع دبیرستان به صورت تستی و چهارگزینه‌ای انجام می شد، امروز در مقطعی که قرار است در آن پژوهشگر تربیت شود یا صلاحیت کاری فردی ارزیابی شود هم از این نوع آزمون ها استفاده می شود.

کتاب هفته محل مناسبی برای نقد عملکرد مسؤولان در رابطه با فرایند گزینش دانشجو نیست ولی شاید نگاهی به کتاب های کمک آموزشی و حل تمرین که متأسفانه جای آن جزء آمار کتاب های علمی محسوب می شود، خالی از لطف نباشد. به قول قدما «یک نظر حلال است».

کتاب های حل تمرین که در انواع مختلف از نظر فرم ظاهر منتشر می شوند، همگی محتوایی یکسان دارند و معمولاً با شرح یک درس، چند نمونه تست ارائه می کنند و در نهایت سؤالاتی را که در آزمون های مختلف از آن درس طرح شده همراه با پاسخ درج می کنند. گاهی نیز در آخر کتاب همه آزمون ها را با هم می آورند تا خواننده بتواند تمامی سؤالات را یکجا در اختیار داشته باشد.

نوآوری در درک مفاهیم و سعی در تعمیق اطلاعات علمی دانش آموز در این کتاب ها جایی ندارند و در بهترین حالت سرعت حل سؤالات را افزایش می دهند. ناشران این کتاب ها در رقابتی تنگاتنگ هر کدام مدعی هستند که بهترین شیوه های مدیریت زمان را چه در هنگام آمادگی و چه به هنگام امتحان ارائه می دهند و به همراه آن چگونگی طبقه بندی اطلاعات انبار شده در طی چهار سال تحصیل تا پیش از ورود به دانشگاه را نیز به دانش آموز منتقل می کنند و هیچ کدام ادعایی درباره اینکه مشتریان ما بعد از اتمام کتاب درک عمیق و خوبی از مفاهیم ارائه شده خواهند داشت، ندارند.

البته این مسائل فقط درباره ناشران کتاب های کنکور از دبیرستان به دانشگاه صادق است و وقتی به آزمون مقاطع بالاتر به عنوان مثال کارشناسی به کارشناسی ارشد می رسیم، کار خرابتر از آن چیزی می شود که بتوان فکرش را کرد.

مسأله از آنجا شروع می شود که قبلاً مطرح شد، یعنی گزینش دانشجو به عنوان پژوهشگر با روش غلط آزمون های عمومی و تست. با توجه به تعداد کم متقاضیان ورود به دوره های تحصیلات تکمیلی و همچنین تنوع رشته ها و ظرفیت محدود دانشگاهها رقابت در تولید کتاب های حل تمرین و کنکور کارشناسی ارشد بسیار کمتر از مورد پیش است. به همین دلیل کیفیت کتاب ها بسیار کمتر از حد استاندارد است و گاهی شاهد عرضه کتاب هایی هستیم که کوچکترین تلاشی برای افزایش کیفیت چاپ در آن به عمل نیامده است و همان دفترچه های آزمون که با کیفیت پایین تکثیر شده با یک جلد شمیز صحافی شده اند. علاوه بر کیفیت چاپ، صحت مطالب عرضه شده در کتاب ها نیز بشدت زیر سؤال است و به هیچ وجه نمی توان آنها را صد در صد صحیح دانست و این مسأله وقتی پای رشته های علوم پایه و مهندسی در میان باشد متأسفانه بدتر از بد است.

به عنوان مثال کتابی در بازار کتاب به فروش می رسد که به آزمون یکی از رشته های علوم پایه پرداخته است. آن طور که از جلد کتاب بر می آید این اثر توسط سه نفر نوشته شده است و به وسیله سه نفر از اعضای هیأت علمی یکی از دانشگاههای معروف و معتبر ویرایش شده است.

کتاب مورد استناد با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه در چاپ سوم و ۵۹۰ صفحه منتشر شده است.

تعداد صفحاتی که مطالب تألیفی در آن آمده ۵۲۰ صفحه است. فکر می کنید چه تعداد غلط در این ۵۲۰ صفحه وجود دارد؟

به استناد غلط نامه (یا به قول خود کتاب «درست نامه») درج شده در صفحات پایانی، این کتاب ۳۸۴ غلط دارد و با مطالعه دقیقتر و استفاده از نظریات کارشناسان به جز این ۳۸۴ غلط ۱۴۰۰ اشتباه دیگر در حل مسائل و توضیح متن درس وجود دارد که در غلط نامه به آن اشاره نشده است. این یعنی تقریباً در هر صفحه یک غلط!

به غیر از بحث اصلی، سؤالاتی هم در مورد این کتاب به ذهن می رسد که متأسفانه پاسخی ندارند، مانند: آیا آن اساتید محترمی که نامشان به عنوان ویراستاران کتاب در وسط جلد و به صورت بزرگ قید شده، از محتویات محصول منتشر شده آگاهی دارند؟ آیا دانشگاهی که اعضای هیأت علمی آن توانایی حل درست آزمون های گزینش دانشجو را دارند و به نام آن دانشگاه کتاب راهی بازار می کنند، از حاصل کار آگاهند یا فقط به این افتخار می کنند که اساتید ما فلان جلد کتاب در سال بهمان منتشر کرده اند؟ آن ناشر محترم که تا به حال سه جایزه را نصیب خود کرده و طی دو سال ناشر نمونه اعلام شده است به همین صورت و با همین کتاب ها ناشر برگزیده کتاب های دانشجویی کشور شده است؟

از بحث خود فاصله نگیریم. مشکلات کتاب هایی آمادگی آزمون های ورودی بسیار گسترده تر از چیزی است که به ذهن می رسد و تنها می توان از متولیان امر خواست حالا که امکان برچیدن بساط آزمون های مختلف بنا به دلایل اقتصادی یا هر چیز دیگری وجود ندارد، حداقل آن را سامان بدهند.

چه کتابی خوانده اید؟

آزیتا همپارتیان: مترجم

خانم همپارتیان چه می‌کنید، ترجمه چه کتابی را در دست دارید؟

رمانی به اسم «بیابان» را ترجمه کرده‌ام که از لوکلزیو است. ما توانستیم با خود نویسنده تماس بگیریم یعنی از طریق انتشارات کاروان اقدام کردیم. ترتیبی داده شد که قانون حق مؤلف هم رعایت بشود که از نظر آنها هم چاپ این کتاب در ایران قانونی باشد و... خود لوکلزیو هم طی تماسی اظهار خوشحالی کرد بابت ترجمه و انتشار کتابش در ایران.

غیر از این هم آیا...

قرارداد دیگری هم برای ترجمه کتاب «رؤیای مکزیکی» دارم که این کتاب هم از لوکلزیو است.

موضوع رمان بیابان چیست؟

داستان این رمان در صحرای شمال آفریقا می‌گذرد.

شما فرصت خواندن آثار دیگران را هم به زبان فارسی دارید؟

من اگر شبی کتاب نخوانم خوابم نمی‌برد.

تازه‌ترین کتابی که خوانده‌اید چیست؟

در ماههای اخیر بیشتر کتاب‌هایی می‌خوانم که در ارتباط با پایان‌نامه دکترایم باشد. در همین رابطه مجموعه اشعار شاعران سوررئالیست را می‌خوانم، آثار شاملو را می‌خوانم تا بتوانم دست به یک مقایسه بزنم. ضمن اینکه آثاری هم در زمینه نقد شعر می‌خوانم.

جدیدترین کتابی که در این زمینه خوانده‌اید چه بود؟

اصولاً هر کتابی را که می‌خوانم ابتدا باید بپسندم. چون وقت نمی‌کنم که هر کتابی را بخوانم. اگر چند صفحه اول کتابی را بخوانم و نپسندم کنارش می‌گذارم ولی الان کتابی از آندره برتون به نام «ماهی‌های محلول» خوانده‌ام که بسیار جالب بود.

به زبان فارسی چه کتابی اعم از تألیف و ترجمه خوانده‌اید؟

طی ماههای اخیر فقط آثار شاملو را می‌خوانم.

اشعار شاملو را از چه منظری می‌خوانید؟

شعرهای شاملو را الان با یک نگاه دیگری می‌خوانم. از این منظر می‌خوانم که بتوانم رویش کار بکنم برای پایان‌نامه دکترایم. مدتی روی نظم شعرها دقت می‌کردم، حالا روی دیگری از موسیقی درونی اشعارش، که ما در شعر فارسی نداشتیم و در تئوری‌های عروض چنین موضوعی نداریم. ولی در مقایسه می‌بینم، موسیقی درونی به عنوان نوعی ریتم درونی در تئوری‌های شعر فرانسه و در عروض آن وجود دارد و مدون هم هست. دقیقاً شگرد شعری شاملو با همان نگرش شعری فرانسوی قابل مقایسه و انطباق است.

با توجه به تحقیقات شما در زمینه سوررئالیسم، عناصر سوررئال در اشعار شاملو چقدر قابل بحث است؟

شاملو اصلاً شاعر سوررئالیست نیست. یعنی وقتی مقایسه می‌کنم، سوررئالیسم اساس کارش بر نوشتن خود به خودی شعر توسط شاعر است. نوشتن اتوماتیک وار است. یعنی شاعر در حالت ناخودآگاه هرچه که از مغز و قلمش می‌تراود، بنویسد. حتی بازی‌هایی داشتند که به شیوه هیپنوتیزم و نوشتن غیرارادی بوده یعنی آنچه در ضمیر ناخودآگاه شاعر می‌گذرد، بیرون بریزد، در حالی که شاملو اصلاً نمی‌توانست چنین شیوه‌ای را در پیش بگیرد.

چرا نمی‌توانست؟

به دلیل شرایط تاریخی و سیاسی که شاملو در آن قرار داشت. شاملو می‌خواست در نوشتار و اشعار خود کاملاً آگاهانه عمل کند. تنها جایی که شاملو می‌توانست با سوررئالیست‌ها به نقطه مشترک برسد، در استفاده از تصاویر و در نوع بیان و در سبک بود که می‌توانست به سوررئالیست‌ها نزدیک باشد. یعنی آنچه که به صورت نوشتن خود به خودی در سوررئالیست وجه بارز داشت، شاملو عمل نکرد بلکه بسیار مجبور بود به دلیل تعهد اجتماعی و سیاسی آگاهانه بنویسد.

سیما وزیرنیا

خانم وزیرنیا، الان چه می‌کنید؟ روی چه کتابی کار می‌کنید؟

من الان مدتی است که درگیر پروژه زبان معیار هستم و تقریباً همه آثار ناتمام خودم را کنار گذاشتم. این پروژه هم تقریباً کار بزرگی است و به جاهای خوبی هم رسیده است.

شما در این فاصله، فرصت مطالعه آثار دیگران را هم پیدا می‌کنید؟

گه‌گاه هم می‌رسم آثاری را بخوانم، گاهی هم نمی‌رسم. حقیقتش را بخواهید در طول این مدت رمانی نخوانده‌ام. اما در حیطه زبان و زبان معیار و مبانی نظری و نقد ادبی آثار زیادی خوانده‌ام.

در زمینه پروژه «زبان معیار» چه کسانی با شما همکاری دارند؟

در مجموع حدود هشت نفر از استادان زبانشناسی در این طرح همکاری دارند و بیست نفر از زبانشناسان خوب کشور به عنوان مشاوران علمی با ما همکاری دارند و بیست نفر از زبانشناسان خوب کشور به عنوان مشاوران علمی با ما همکاری دارند.

این استادان را می‌توانید نام ببرید؟

من به ترتیب اسامی‌شان را می‌گویم، آقای دکتر حق‌شناس و دکتر یارمحمدی هستند، دکتر کوروش صفوی هست. خانم دکتر مشیری، خانم دکتر نعمت‌زاده هستند و...

این پروژه تحقیقاتی را برای کدام مؤسسه کار می‌کنید؟

این پروژه را برای سازمان پژوهش کار می‌کنیم. قصدم این بود که زبان آموزشی به دست بدهم. چون در درجه اول ما زبان معیار توصیف شده نداشتیم، کار را در دو مرحله انجام می‌دهیم. در مرحله اول «زبان معیار» هست که این کار مربوط به فرهنگستان هاست که نکردند. ولی حدود چند نفر از استادان این طرح را شروع کردیم و امیدواریم هر چه زودتر به پایان برسانیم و...

افتخار نبوی نژاد: مترجم

خانم نبوی‌نژاد الان مشغول کار روی چه کتابی هستید؟

کتابی از پاسمینا رضا هست به اسم «بازیگاه تو، گرداب من» که زیر چاپ دارم. ناشر این کتاب هم «آشیانه کتاب» است.

شما غیر از پرداختن به کار ترجمه، آیا فرصت مطالعه آثار دیگران را هم دارید؟

حقیقت‌اش را بخواهید نه. چون آن قدر درگیر خواندن مقاله و جست‌وجو در اینترنت هستم که...

ولی گه گاهی هم از فرصت‌های به دست آمده استفاده می‌کنم و کتابی هم می‌خوانم.

آخرین کتابی که خوانده‌اید می‌تواند معرفی کنید.

کاری در حوزه نقد سینما انجام داده‌ام که راجع به چارلی چاپلین است. «زندگینامه چارلی چاپلین» را خوانده‌ام که کاری جدید در مورد چاپلین بود. اما آثاری که به زبان فرانسوی خوانده‌ام می‌توانم به شما معرفی کنم ولی...

نه. آثاری که به زبان فارسی خوانده‌اید را معرفی کنید.

اخیراً کتابی با عنوان «موسیقی و عرفان» خوانده‌ام. این کتاب اثر ژان دورینگ است. چون دارم اثر دیگری از این نویسنده را ترجمه می‌کنم. قرارداد جدیدی که بسته‌ام درباره ترجمه کتاب همین نویسنده است. اما کاری ترجمه کرده‌ام و در زمینه نقد سینمایی است، نگاه تازه‌ای به زندگی چاپلین دارد که تا حدودی با کارهای قبلی متفاوت بود. اگر از من بپرسید بهترین کتابی که در دوران اخیر خوانده‌ام چه کتابی بود، می‌توانم معرفی کنم.

من هم می‌خواستم همین سؤال را بپرسم، بفرمایید.

«سرگذشت ژیل بلاس» بود که متأسفانه توجه چندانی به آن نشده است. این کتاب صرفاً به خاطر ترجمه میرزا حبیب اصفهانی که در حدود صدسال پیش مترجمی ایرانی توانسته چنین کاری را با چنین زبان شیوا و قلم رسا به فارسی برگرداند، هنر بزرگی است.

چقدر دیر به سراغ این کتاب رفته‌اید. ژیل بلاس چند سال پیش منتشر شده بود.

باورتان می‌شود که من ژیل بلاس را دوباره‌خوانی کرده‌ام. دقیقاً زمانی که کتاب منتشر شد به دستم رسید. بلافاصله آن را خواندم و اخیراً دوباره به سراغش رفته‌ام.

شما «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» را بیشتر پسندیدید یا ژیل بلاس را؟

من ژیل بلاس را بیشتر پسندیدم.

از چه نظر؟

به خاطر اینکه اولاً روی این کتاب آقای میرزاصالح زحمت کشیده و نثرش را روان‌تر کرده‌اند و این نثر به نثر زمان ما نزدیک‌تر است.

روح انگیز کراچی: شاعر

خانم کراچی کتاب جدیدتان به کجا رسید؟

اخیراً کتاب «باتو گشسب‌نامه» را کار کرده‌ام که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آن را منتشر کرده است.

کار جدیدتری هم در دست چاپ دارید؟

سه کتاب که در واقع سه گانه هم هست، آماده چاپ دارم. در مورد پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و ژاله عالمتاج قائم‌مقامی. هنوز با هیچ ناشری وارد مذاکره نشده‌ام ولی حروفچینی شده و آماده چاپ است.

دیگر چه کتابی دارید؟

در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی «ظفرنامه حمدالله مستوفی» را در بخش تاریخ ایران دارم کار می‌کنم.

آیا فرصت مطالعه هم دارید؟ تازه‌ترین کتابی که خوانده‌اید می‌توانید نام ببرید؟

من اغلب مجموعه‌های شعر می‌خوانم. هر کتابی از هر شاعری که به دستم برسد می‌خوانم. متأسفانه می‌دانید که وضعیت پخش کتاب شعر بسیار بد است. هر کتابی حدود یک سال بعد از چاپ به دست آدم می‌رسد.

جدیدترین مجموعه شعر شیمیورسکا را خوانده‌اید که آقای دولتشاهی ترجمه کرده‌اند؟

نه. من هنوز این کتاب را در کتابفروشی‌ها ندیده‌ام.

آخرین مجموعه شعری که خوانده‌اید از کدام شاعر بود؟

کتابی از آزیتا قهرمان خوانده‌ام به اسم «فراموشی آیین ساده‌ای دارد»...

آخرین کتابی که خوانده‌اید و پسندید چه کتابی بود؟

«حادثه در بامداد» از منوچهر آتشی را برای دومین و سومین بار خواندم. کتاب بسیار خوبی است.

بابت همین کتاب، آقای آتشی برنده کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده بود.

بله، درست است. من قبلاً این کتاب را خوانده بودم. حالا دوباره خواندم که ببینم آیا این جایزه جایزه سیاسی بود یا نه؟

«حادثه در بامداد» را چگونه دیدید؟

«حادثه در بامداد» از نظر طرح مسائل اجتماعی در شعر برای من جالب بود. یعنی خیلی خوشم آمد علیرغم ممیزی‌هایی که وجود دارد، آتشی توانسته خیلی قشنگ برخی از مسائل را مطرح کند.

متأسفانه مجموعه شعرهایی که در این سال‌ها منتشر می‌شوند اغلب بی‌محتواست مخصوصاً از نظر طرح مسائل اجتماعی واقعاً خالی است خالی از هر چیزی است. مخاطب نمی‌تواند بفهمد این شاعر در چه قرنی و در چه دوره‌ای دارد زندگی می‌کند. دوره‌ای پر از تحول، پر از حادثه اما هیچ خبری در مجموعه‌های شعر نیست.

چهره‌ها و کتاب‌ها

مشیرسلیمی

علی‌اکبر سلیمی تهرانی معروف به مشیر سلیمی و متخلص به سلیمی در اسفندماه سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران چشم به جهان گشوده است. وی تحصیلات خود را در رشته‌های ادبیات و اقتصاد به پایان برده و به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی یافته است.

مشیرسلیمی خدمات مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۰ با روزنامه اتحاد آغاز کرده و در خرداد ۱۳۰۴ امتیاز روزنامه اطلاعات را به دست آورده و مرکز اطلاعات ایران را نیز بنیاد نهاده است. آقای مشیرسلیمی در سال ۱۳۰۶ مجله مربی و سازمان انتشاراتی مربی را به وجود آورد و در سال ۱۳۱۲ مجموعه گل‌های رنگارنگ را منتشر کرده است. این مجموعه سال‌های متمادی در تهران منتشر می‌شده است. وی سالی چند سردبیری روزنامه شفق سرخ و مجله تعلیم و تربیت و ریاست انتشارات کمیسیون ملی یونسکو را به عهده داشته است.

مشیرسلیمی طی پنجاه سال خدمات فرهنگی چندین جلد کتاب نوشته و تعداد زیادی مقاله در نشریات معتبر فارسی زبان چاپ کرده است.

تألیفات او عبارتند از: ۱-تذکره زنان سخنور (سه جلد)، ۲-تذکره مردان سخنور (۸ جلد آماده چاپ)، ۳-سخنوران نابینا یا روشندلان جاوید، ۴-راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی، ۵-نیروی اراده، ۶-مقام آزادی، ۷-استاد محرمانه سیاسی، ۸-مهر جاوید، ۹-سه سال در آسیا، ۱۰-دیوان سلیمی و غیره. دیوان اشعار او توسط آقای سینا مشیرسلیمی در سال ۱۳۵۸ در تهران به چاپ رسیده است.

مشیرسلیمی به پاس خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به دریافت پنج قطعه مدال علمی از وزارت معارف وقت و کمیسیون ملی یونسکو نائل آمده است. مرگ مشیرسلیمی در سوم بهمن ماه سال ۱۳۵۰ در تهران اتفاق افتاده است.

منتشر شد

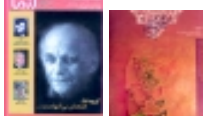

کتاب هفته

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

سردبیر: علی اصغر رمضانپور

امور فنی: گلبرگ گرافیک

لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۳۱۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۴۰۱۹۹، ۸۳۱۸۶۵۴

نشانی اینترنتی:

http://www.ketabehafteh.com

روایت اول شخص

علی بلوکباشی: مترجم

کار جدید من اخیراً به اسم «جامعه ایلی» توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده است. غیر از این کتاب، دو-سه کتاب دیگر هم در دست چاپ دارم. الان مجموعه‌ای از کارهای من در حوزه‌های مختلف هست که به صورت کتابی منتشر می‌شود و دارای بخش‌های گوناگون فرهنگ است و هنوز نام قطعی برای این کتاب‌ها انتخاب نکرده‌ام.

درباره کتاب «جامعه ایلی» که در این هفته به بازار آمد باید بگویم که من یک نگاه کلی در مورد «ایل در ایران» دارم و جامعه ایلی را از دیدگاه نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌ام و از ایل تعریف تازه‌ای ارائه کرده‌ام که به طور کلی جامعه ایران را از نظر ایلی و عشیره‌ای مورد بحث قرار دادم.

احمد ابومحبوب: محقق

کتابی که از من ان‌شاءالله تا پایان ماه رمضان منتشر می‌شود، «گهواره سبز افرا» خواهد بود که انتشارات ثالث در دست چاپ دارد. این کتاب مربوط می‌شود به نقد اشعار سیمین بهبهانی و در مجموعه «چهره‌های شعر معاصر ایران» این مؤسسه انتشاراتی قرار می‌گیرد. من در بخشی از این کتاب به زندگینامه بهبهانی و کارها و فعالیت‌ها و خانواده‌اش می‌پردازم. مثلاً در مورد پدرشان آقای خلیلی که از روزنامه‌نگاران شاخص دوره خودش به شمار می‌آمد و در مورد مادرشان نوشته‌ام. بعد درباره استخدام سیمین بهبهانی در آموزش و پرورش، ازدواج و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش کار کردم. اما بخش اعظم این کتاب نقد آثار و اشعارش از دیدگاههای مختلف است. از نگاه تاریخی و اینکه چه تحولی را در سیر آثارش شاهد بودیم و دیگر بررسی اوزان شعر او و بعد بررسی نقش زن در غزل‌های او می‌آید و همچنین جنبه نقد و نقدنویسی شخصیت بهبهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چون در کتاب «یاد بعضی نفرات» نقدهای جالبی منتشر کرده است. در زمینه نثر هم چند داستان دارد که بررسی نثر و شیوه کار او را مورد تحقیق قرار داده‌ام. گرایشات فولکلوریک در اشعارش بخش دیگری از کتاب را تشکیل می‌دهد و تأثیراتی که از دیگران پذیرفته است. به طور کلی این کتاب مربوط به شناخت کلی شاعری به نام سیمین بهبهانی می‌شود. برای نوشتن این کتاب، آثاری را لازم داشتم و برخی از نشریاتی که می‌خواستم از خودشان گرفته‌ام و بعضی از قسمت‌های کتاب را هم برای خودش خواندم که هر چند ممکن بود در بعضی از قسمت‌های کتاب با دیدگاه من موافق نبوده باشند...

کتاب دیگری را هم از قبل ترجمه‌اش را شروع کرده بودم که کم کم پیش می‌رود. این کتاب تئوری ادبیات است. یعنی اسم کتاب «ادبیات نوین» به قلم یکی فیلیپ رابین است و دیگری پاتریشیا وو. چند فصل از این کتاب ترجمه شده و امیدوارم تا چند ماه دیگر تمام کنم.

محمد ایلخانی: نویسنده

کتابی جدیدی با عنوان «تاریخ فلسفه» غرب در قرون وسطی و رنسانس» را زیر چاپ دارم. من در این کتاب تاریخ فلسفه را از قرن دوم میلادی شروع کردم تا به دوره رنسانس رسیدم. این کتاب را بیشتر برای دانشجویان در نظر گرفته‌ام و برای کسانی که می‌خواهند با تاریخ فلسفه در آن مقطع آشنا شوند. در این کتاب فیلسوفانی را به شکل موجز و فیلسوفانی را هم به صورت مشروح معرفی کردم و آرا و نظریات هر یک را آورده‌ام. ناشر این کتاب انتشارات سمت است. غیر از این هم پیرامون توماس آکوئینی و یوهانس اکهارتوس (مایستر اکهارت) دارم تحقیق و مطالعه می‌کنم که به‌صورت مقاله و در نهایت در قالب کتاب منتشر خواهد شد. در این مطالب من افکار اکهارت، آکوئیناس و افلاطون را بازخوانی می‌کنم مثلاً وجودشناسی توماس آکوئیناس یا بحث‌هایی راجع به خداشناسی‌اش و یا درباره اکهارتوس عرفانش را و هستی‌شناسی و خداشناسی سلبی‌اش را که در دانشگاه تدریس می‌کنم، به‌صورت منابعی برای چاپ کتاب و مقاله تدارک می‌بینم.

جواد سید اشرف: مترجم

یک کتاب «خان جهانگیر» دارم که مدت‌هاست ترجمه شده و دست انتشارات علم است. این کتاب رمانی تاریخی پیرامون زندگی چنگیزخان است. این کتاب مجوز چاپ گرفته و بزودی منتشر خواهد شد. نویسنده این کتاب آقای مایکل بوث است. کتاب دیگری هم هست که برای انتشارات زرین ترجمه کرده‌ام و در حال نوشتن مقدمه‌ای برای آن هستم. این کتاب راجع به زندگی خاندان وورجای معروف است که در دوره ماکیاولی زندگی می‌کرده است. می‌دانید که پاپ الکساندر ششم چزاره وورجا بود، یعنی آن کسی که ماکیاولی کتاب شهریار را برایش نوشته است. او بزرگترین پاپ دوره رنسانس و بزرگترین شهریار دوره رنسانس یعنی چزاره وورجا بود. این کتاب راجع به زندگی و شرح کارهای او در پس زمینه اوضاع دوران رنسانس است. نویسنده این کتاب آقای مونتالبان است که اخیراً فوت کرده است. این کتاب در واقع به زبان اسپانیایی است. البته من از ترجمه آلمانی‌اش دارم آن را به فارسی برمی‌گردانم.

این دو کتاب که کارش تمام بشود، کتاب دیگری هست که از هفته آینده ترجمه‌اش را شروع خواهم کرد. این کتاب هم رمان تاریخی است. نمی‌دانم شما چیزی در مورد کشتی معروف «باتاویا» شنیده‌اید یا نه که در قرن شانزدهم سر راه هلند به استرالیا غرق می‌شود و پر از طلا و جواهرات بوده و سرنشینانش به یک جزیره غیر مسکونی پناه می‌برند و آن برخورد انسانی آدم‌ها و حرص و طمع و پول در جایی که قانون وجود ندارد، موشکافی می‌شود. در واقع رفتار انسان‌ها را در شرایط اضطراری می‌بینیم. این رمان در همین مورد است. این رمان هم به شکلی مستند است، البته با آزادی نویسنده در شکل و شیوه روایت و پرداختن به حواشی. نویسنده این رمان نویسنده رمان «سلطانه و دختر مغول» آقای کالین فالکنر است. ناشرش هم انتشارات زرین است.

میراحمد میراحسان

زمانی که نوجوان بودم تصویر من از خویش، شاعری آوانگارد بود. در همان زمان اسماعیل نوری علاء در مجله فردوسی مرا به‌عنوان یکی از شاعران برگزیده سال معرفی کرد. هنوز بیش از چند شعر در صفحات مطبوعات ادبی منتشر نکرده بودم.

مقاله «من بهوداء» را که در واقع اولین نگاه تئوریک من به پرسش شعر بود، در پاسخ گزینش بزرگوارانه نوری علاء منتشر کردم که بدالله رؤیایی بعدها آن را بهترین مقاله تحلیلی درباره شعر آن سال‌ها خواند.

نوشتن قصه، نقد شعر و رمان و فیلمنامه از فعالیت‌های دوران دبیرستانم در فردوسی، تماشا، زمان و جنگ‌های ادبی بود. در دوران دانشجویی با فرو رفتن در فعالیت‌های دانشجویی و سیاسی از انتشار نوشته‌ها باز ماندم. سپس با شروع انقلاب و تا سال ۱۳۶۸ امکان کار و فعالیت ادبی از من سلب شد. از این پس فعالیتم در عرصه نشر در نقد فیلم، نوشتن فیلمنامه و ساختن چند فیلم کوتاه متمرکز شد. مقالاتی در کایه دوسینما، لایف اند آرت، و پاره‌ای نشریات دیگر فرانسوی و انگلیسی زبان منتشر کردم. انبوهی شعر و داستان و تحلیل فلسفی/زیبایی شناسانه آماده پاکنویس است.

اخیراً قراردادی برای انتشار یک اثر تأویلی درباره سینما و شعر مدرن ایران بستم که قرار است به زبان فارسی و انگلیسی و آلمانی منتشر شود. یک کار مستند درباره وضعیت کلانشهر تهران و مقایسه آن با اصفهان از نظر زُرف ساخت‌ها برای شبکه ۴ حرفش زده شد که بر اساس پژوهش‌های من و پژوهش آقای دکتر حبیبی و خانم دکتر اهری ساخته خواهد شد. البته فعلاً کار متوقف است. یک مجموعه پنج جلدی آمیزه شعر و نثر به نام دیوان خدا و یک مجموعه شعر یک جلدی به نام دیوان شیطان در دست انتشار دارم که امید دارم تا پایان سال منتشر شوند.

احمد گل محمدی: مترجم

یک ترجمه‌ای است به نام «تحلیل سیاسی» که کتاب جدیدی است و در سال ۲۰۰۲ توسط نویسنده‌ای به نام کالین های نوشته و منتشر شده است. این کتاب یک مجموعه جدید و نگاه انتقادی دارد به مسائل سیاسی، موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد. نویسنده نگاه متفاوتی نسبت به بحث‌های شناخت شناسانه و هستی‌شناسانه و روش‌شناسانه در علم سیاست دارد. این کتاب را نشر نی منتشر خواهد کرد. ولی من حدود دو-سوم کار را ترجمه کرده‌ام و مابقی‌اش مانده که پس از اتمام ترجمه تحویل ناشر می‌دهم.

تازه‌ها

تحفه‌های آن جهانی

«تحفه‌های آن جهانی» سیری در زندگی و آثار مولانا جلال‌الدین رومی شامل مطالب و مقالاتی از هلموت ریتر، فروزانفر، گولپینارلی، توفیق سبحانی، محمدعلی اسلامی ندوشن و... در چهار بخش و ۸۵۴ صفحه به اهتمام علی دهباشی از سوی نشر سخن هفته آینده به بازار خواهد آمد.

تاریخ عالم‌آرا

«تاریخ عالم‌آرای امینی» نوشته فضل‌الله خنجی اصفهانی از منابع مهم تاریخی مربوط به دوره انحطاط تیموریان و ظهور صفویان است که توسط اکبر عشیق تصحیح و از سوی مرکز نشر میراث مکتوب به دست چاپ سپرده شده است.

انقلاب کوبا

«زنان در انقلاب کوبا» کتابی است که نشر گل آذین در تدارک چاپ و انتشار آن است. این کتاب روایتی به قلم خانم سرتیپ ته پونیلا از چگونگی و روند شکل‌گیری انقلاب کوباست که به‌صورت گفت‌وگویی دوستانه به کوشش ماری آلیس واترز انجام گرفته و علی‌اصغر بهرامی ترجمه آن را انجام داده است.

بنیاد هستی شناختی

«بنیاد هستی شناختی» اثری فلسفی از نیکولای هارتمان است که مرحوم شرف‌الدین خراسانی ترجمه آن را به عهده داشته و قرار است از سوی انتشارات هرمس چاپ و منتشر شود.

پیدایش کمدی

«سرچشمه پیدایش کمدی» و «نمایش تک‌پرده‌ای» نام دو کتاب به قلم دکتر عطاءالله کوپال است که انتشارات فطره در دست چاپ و انتشار دارد.

خسرو و شیرین

«خسرو و شیرین» و «نظامی گنجه‌ای» دو عنوان از کتاب‌هایی است که دکتر بهروز ثروتیان تألیف کرده و توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر خواهد شد.

شاخ گربه

«هنوز هم گربه شاخ می‌زند» مجموعه گفت‌وهایی با شاعران معاصر همچون محمدعلی سپانلو، م.آزاد، بفشه حجازی، کسری عققایی و... است که بابک حاجت‌پور انجام داده و نشر نیلا قرار است آن را منتشر کند.

جامعه شناسی پست مدرنیسم

«جامعه شناسی پست مدرنیسم» اثری از اسکات لش با ترجمه شاپور بهیان را نشر ققنوس زیر چاپ دارد. طی سال‌های اخیر در زمینه پست‌مدرنیسم آثار فراوانی منتشر شده که قریب به تمام این آثار ترجمه بوده و در این حوزه اثر تألیفی بسیار نادر است.

سکوت زن

«در سکوت یک زن» رمانی از فاطمه کریمی پس از چهار سال موفق به اخذ مجوز چاپ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده و طی روزهای آینده از سوی انتشارات معین به بازار خواهد آمد.

انقلاب

کتاب «انقلاب» اثر هانا آرنت با ترجمه عزت‌الله فولادوند که سال‌ها نایاب بوده از سوی انتشارات خوارزمی بزودی تجدید چاپ خواهد شد. «شهری چون بهشت» مجموعه داستان‌های کوتاه سیمین دانشور نیز بزودی از سوی همین ناشر تجدید چاپ خواهد شد.

دیپلماسی

«دیپلماسی و سیاست خارجی ایران» کتابی است که احمد میرفندرسکی در گفت‌وگو با احمد احرار سیاست خارجی ایران از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۵۷ را مطرح و تحلیل می‌کند. این کتاب، هفته دیگر از سوی نشر علم به بازار می‌آید.

فلسفه و شریعت

«فلسفه و شریعت» مجموعه مقالاتی پیرامون فلسفه از محسن مهری و دیگران به زبان انگلیسی است که فاطمه ولیانی و گروهی دیگر از مترجمان آن را به فارسی برگردانده‌اند و انتشارات هرمس ناشر آن خواهد بود. فاطمه ولیانی همچنین کتاب «مؤلف چیست؟» با مقالاتی از فوکو و درباره فوکو را ترجمه و برای چاپ به همین انتشاراتی سپرده است.

کراکوس شکارچی

«کراکوس شکارچی و داستان‌های دیگر» مجموعه‌ای از داستان‌های کافکا، چخوف، سارتر و... با ترجمه صادق هدایت که سال‌ها قبل چاپ شده و مدت‌ها نایاب بود، با ویراستاری جدید از سوی نشر اسطوره هفته آینده به بازار می‌آید.

سینمای فراکیر هند

«روایت یک تغییر فرهنگی» مروری تاریخی و فرهنگی بر سینمای هند اثر کی موتی گولوسینگ و ویمال دیسانایا با ترجمه کیکاووس زیاری از سوی انتشارات راداں تحریر بزودی چاپ و منتشر خواهد شد.

تاریخ شفاهی

از مجموعه تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران مجلدات مربوط به صادق هدایت، هوشنگ کاشیری، صمد بهرنگی و م.آزاد از سوی انتشارات روزنگار بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

آیا کسی هست

«آیا کسی هست» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه احمد گلزاده است که شرکت انتشارات لحظه آن را در دست انتشار دارد.